



مقدمه

یکی از رخدادهای مرتبط با آیات قرآن که در ماه ذی الحجة الحرام واقع شده است، انگشتر دادن حضرت علی علیه السلام در حال رکوع می باشد که در روز بیست و چهارم این ماه اتفاق افتاده است.^۱

آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مبارکه مائده، بیانگر همین موضوع می باشند؛ لذا در این مقاله تفسیر هر دو آیه، به ترتیب و هر کدام جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

آیه اول:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۲ «سرپرست و ولی شما تنها

۱. مسار الشیعه، شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان)، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۶ ق، ص ۲۳ (۵۹)؛ توضیح المقاصد، شیخ بهاء الدین محمد بن حسین عاملی، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۶ ق، ص ۳۲ (۵۴۴).

۲. مائده / ۵۵ و ۵۶.

خداست و پیامبر او ﷺ و آنها که ایمان آورده‌اند، همانها که نماز را به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او ﷺ و افراد با ایمان را بپذیرند، (پیروزند؛ زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.»

شان نزول آیه شریفه

در تفسیر این دو آیه، روایات بسیاری با عبارات مختلف نقل شده که مضمون آنها این است که آیه مذکور در حق حضرت علی ﷺ نازل شده است، به هنگامی که انگشتر خود را در حال رکوع به سائل صدقه داد؛ چون نقل تمام آنها با اختصار مقاله سازگار نمی‌باشد، به نقل چند مورد از آنها اکتفا می‌شود.

۱. از امام باقر ﷺ روایت شده است: گروهی از یهودیانی که مسلمان شده بودند - از جمله: عبدالله بن سلام، اسد، ثعلبه، ابن یامین و ابن

صوریا - خدمت پیامبر ﷺ آمدند و عرض کردند: ای پیامبر خدا! حضرت موسی ﷺ «یوشع بن نون» را وصی خود قرار داد، وصی شما کیست و بعد از شما ولی و سرپرست ما چه کسی خواهد بود؟ در این حال آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۱ نازل شد.

پیامبر ﷺ فرمود: برخیزید! همگی برخاستند و همراه آن حضرت به مسجد رفتند و دیدند سائلی می‌خواهد از مسجد خارج شود، حضرت فرمود: آیا کسی به تو چیزی داد؟ عرض کرد: آری، این انگشتر را. فرمود: چه کسی بود؟ عرض کرد: آن مرد که نماز می‌خواند، و به حضرت علی ﷺ اشاره کرد. حضرت فرمود: هنگام دادن انگشتر، در چه حالتی بود؟ عرض کرد: در حال رکوع.

۱. همان.

۲. "عبابة بن ربعی" می‌گوید: روزی "عبدالله بن عباس" در کنار چاه زمزم نشسته بود و برای مردم از قول پیامبر ﷺ حدیث نقل می‌کرد، ناگهان مردی که عمامه به سر داشت و صورت خود را پوشانده بود، نزدیک آمد و هر مرتبه که ابن عباس از پیغمبر اسلام ﷺ حدیث نقل می‌کرد، او نیز با جمله «قال رسول الله» حدیث دیگری از پیامبر ﷺ نقل می‌نمود.

ابن عباس او را قسم داد تا خود را معرفی کند. او روی صورت خود را گشود و گفت: ای مردم! هر کس مرا نمی‌شناسد، بداند! من ابوذر غفاری هستم که با این گوشهای خود از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام، و اگر دروغ بگویم، هر دو گوشم کر باد، و با این چشمان خود این جریان را دیده‌ام و

دفتر نشر آثار علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش، ج ۳، ص ۳۰۶.

در اینجا پیامبر ﷺ تکبیر گفت و اهل مسجد نیز تکبیر گفتند و سپس فرمود: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلِيُّكُمْ بَعْدِي؛ پس از من علی بن ابی طالب سرپرست شماست.» حضار گفتند: «رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَلِيًّا؛ ما راضی شدیم که خدا پروردگار ما، محمد پیامبر ما و علی بن ابی طالب ولی و سرپرست ما باشد» در اینجا بود که آیه بعد آن؛ یعنی «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»^۱ نازل شد.^۲

۱. همان.

۲. تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه حویزی با تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۴۷ و ۶۴۸، حدیث ۲۶۹؛ تفسیر صافی، فیض کاشانی، انتشارات الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۶؛ المیزان، علامه طباطبایی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۶؛ البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن، علامه طباطبایی، با تحقیق اصغر ارادتی،

راست خود اشاره کرد. سائل نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد. پیامبر ﷺ که در حال نماز بود، این جریان را مشاهده کرد. هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: «خداوندا! برادرم موسی ﷺ از تو تقاضا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند و هارون را که برادرش بود، وزیر و یاورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا! من محمد، پیامبر و برگزیده توأم؛ سینه مرا گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز، از خاندانم علی ﷺ را وزیر من گردان تا به وسیله او پشتم قوی و محکم گردد.»

سپس ابوذر گفت: هنوز دعای پیامبر ﷺ پایان نیافته بود که جبرئیل

اگر دروغ بگویم، هر دو چشمم کور باد، که پیامبر ﷺ فرمود: «عَلِيٌّ قَائِدُ الْبِرَّةِ وَ قَاتِلُ الْكُفْرِ، مَنْصُورٌ مِّنْ نَّصْرَةِ، مَخْذُولٌ مِّنْ خَذَلَةٍ؛ علی ﷺ پیشوای نیکان و کشنده کافران است. هر کس او را یاری کند، خدا یاریش خواهد کرد و هر کس دست از یاریش بردارد، خدا دست از یاری او بر خواهد داشت.»

سپس ابوذر اضافه کرد: ای مردم! روزی از روزها با رسول خدا ﷺ در مسجد نماز می خواندم، سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی به او چیزی نداد. او دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم؛ ولی کسی به من جواب مساعد نداد.

در همین حال حضرت علی ﷺ که در رکوع بود، با انگشت کوچک

نازل شد و به حضرت علیه السلام عرض کرد: بخوان! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه بخوانم؟ گفت: بخوان ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.^۱

"طبرسی" بعد از نقل این حدیث می گوید: "ابو اسحاق ثعلبی" (از علمای اهل سنت) نیز همین خبر را در تفسیر خود نقل کرده است، و ابوبکر رازی نیز در کتاب احکام القرآن - طبق نقل مغربی، رمانی و طبری از او - گفته است که آیه مذکور در حق علی علیه السلام به هنگام تصدق انگشتر در حال رکوع نازل شده است و این همان مطلبی است

که «مجاهد» و «سدی» نیز آن را گفته اند و از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است و تمام علمای شیعه نیز بر همین عقیده اند.^۲

۳. "ابو حمزه ثمالی" از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود و گروهی از یهودیان که «عبدالله بن سلام» نیز با آنان بود، در محضر آن حضرت بودند که این آیه نازل شد، سپس با هم به سوی مسجد حرکت کردند و در آنجا سائلی را دیدند، حضرت از او پرسید: آیا کسی چیزی به تو داد؟ عرض کرد: آری، آن نمازگزار. نزدیک آمدند، دیدند که او امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.^۳

۱. مجمع البیان، طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۳۲۴ و ۳۲۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۱۹ و ۳۲۰، حدیث ۳۱۷۱؛ تفسیر نمونه، مکارم و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص ۴۲۱ و ۴۲۲.

۲. مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۵.

۳. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، با تحقیق سید طیب موسوی جزایری، دارالکتاب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۷۰؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۴۵ و ۶۴۶، حدیث ۲۶۳؛ المیزان، ج ۶، ص ۱۷.

شاید منظور از خواندن پیامبر ﷺ آن دو آیه در دو حالت مذکور در این روایت این باشد که بفرماید آیات مذکور در همان لحظه نازل شده و حضرت برای مردم خوانده است.

روایات مربوط به شأن نزول این آیه شریفه بیش از آن است که بتوان تمام آنها را در یک مقاله گنجانند؛ اگرچه در تعبیر روایات اختلافهایی به چشم می‌خورد؛ ولی تمام آنها در این جهت اتفاق دارند که آیه مذکور در جریان انگشتر دادن حضرت علیؑ در حال رکوع نازل شده است. بنابراین می‌توان گفت: روایات دال بر این مضمون تواتر معنوی دارند.

اشعار "حسان بن ثابت"

این مسئله به قدری آشکار و معروف بود که حسان بن ثابت، شاعر

دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰۲؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۵؛ البیان فی موافقه بین الحدیث و القرآن، ج ۳، ص ۲۹۸.

۴. "عبدالله بن عباس" می‌گوید: «عبدالله بن سلام» با جمعی از قوم خودش که مسلمان شده بودند، آمدند و گفتند: یا رسول الله! خانه‌های ما دور است، ما در آنجا هم‌نشین و هم‌صحبت نداریم، اقوام یهود به خاطر مسلمان شدن ما، از ما قطع رابطه کرده‌اند و تحمل آن برای ما سخت شده است.

پیامبر ﷺ این آیه را خواند و به مسجد رفتند و سائلی را در آنجا دیدند، پرسید: آیا کسی به تو چیزی داد؟ عرض کرد: آری، انگشتری. فرمود: چه کسی داد؟ عرض کرد: آن کس که به نماز ایستاده است، و با دستش به سوی علی بن ابی‌طالبؑ اشاره کرد. حضرت فرمود: هنگام دادن انگشتر در چه حالی بود؟ عرض کرد: در حال رکوع. در اینجا پیامبر ﷺ تکبیر گفت و آیات فوق را خواند.^۱

۱. اسباب نزول قرآن، علی بن احمد واحدی،

بهترین ولایت را درباره تو نازل فرمود و کتاب آسمانی خدا آن را در مدح و ثنای تو ثبت کرد.»

گواهی مفسران و مورخان الف. اعتراف مخالفان:

این فضیلت (نزول آیه مربوط به اعطای انگشتر در حال رکوع) در حق علی علیه السلام چنان معروف و مسلم بوده است که مخالفان حضرت نیز نمی‌توانسته و نمی‌توانند آن را انکار نمایند؛ بلکه بر خلاف میل باطنی خود، به این فضیلت اعتراف داشتند که در اینجا فقط به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. در روایتی امام صادق علیه السلام از جدش، داستان مناشده و مناظره حضرت علی علیه السلام با ابوبکر - به هنگام غضب خلافت توسط او - را نقل کرده است که حضرت علیه السلام ضمن شمارش فضایل خود و استدلال به سخنانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله در حق او صادر شده است، به ابوبکر فرمود:

معروف عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز آن را در اشعاری که در مدح علی علیه السلام سروده، آورده است:

أَبَا حَسَنٍ تَفْدِيكَ نَفْسِي وَ مُهَجَّتِي
وَ كُلُّ بَطِيئِي فِي الْهُدَى وَ مُسَارِعِ
أَيْذَهُبُ مَدْحِيكَ الْمُحِبُّرُ ضَائِعًا
وَ مَا الْمَدْحُ فِي جَنْبِ اللَّهِ بِضَائِعِ
فَأَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ إِذْ كُنْتُ رَاكِعًا
زَكَاةَ فَدَتُّكَ النَّفْسُ يَا خَيْرَ رَاكِعِ
فَأَنْزَلَ فِيكَ اللَّهُ خَيْرَ وِلَايَةِ
وَ تَبَّهَا يُنْسِي كِتَابَ الشَّرَائِعِ
«ای ابو حسن! جان من و جان هر

کس که به کندی یا شتاب در راه هدایت است، فدای تو باد. آیا این مدح دلنشین من درباره تو تباه می‌شود؟ نه، هرگز! مدحی که در کنار مدح خداست، تباه شدنی نیست. تویی که در حال رکوع، زکات بخشیدی. جان به قربانت ای بهترین رکوع کنندگان! به دنبال آن خداوند

۱. مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۵؛ البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن، ج ۳، ص ۲۹۹.

حال رکوع زکات داده و آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ در حق او نازل شده باشد؟ همگی عرض کردند: نه، غیر از شما کسی نیست.^۲

۳. از "عمر بن خطاب" نقل شده که گفته است: «وَاللَّهِ لَقَدْ تَصَدَّقْتُ بِأَرْبَعِينَ خَاتَمًا وَأَنَا رَاكِعٌ لَيُنزَلَ فِيَّ مَا نَزَلَ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَمَا نَزَلَ؛^۳ به خدا سوگند! چهل انگشتر در حال رکوع داده‌ام تا در حق من نیز آنچه در حق علی بن ابی طالب نازل شده است، نازل شود؛ ولی نازل نشد.»

از این سخن عمر معلوم می‌شود که او نیز به این فضیلت خاص حضرت علی علیه السلام اعتراف داشته است و چون نمی‌توانست این فضیلت را

«فَأَنْشِدُكَ بِاللَّهِ أَلِيَّ الْوَلَايَةِ مِنَ اللَّهِ مَعَ وِلَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي آيَةِ زَكَاةِ الْخَاتَمِ أَمْ لَكَ؟ قَالَ: بَلْ لَكَ؛^۱ تو را به خدا قسم می‌دهم! آیا ولایتی که قرین ولایت خداست، از طرف خدا برای من داده شده است یا برای تو؟ ابوبکر گفت: بلکه برای تو.»

۲. از "ابودر غفاری" روایت شده است: پس از قتل عمر (طبق وصیت او) شورایی مرکب از شش نفر (علی علیه السلام، عثمان، زبیر، طلحه، عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص) تشکیل شد. حضرت علی علیه السلام در اثبات امامت خود به نصوصی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اثبات خلافت او فرموده بود، احتجاج می‌کرد و آنها تصدیق می‌کردند که در ضمن احتجاجهای خود فرمود: آیا در میان شما غیر از من کسی هست که در

۲. المیزان، ج ۶، ص ۱۹.

۳. نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۸، ذیل حدیث ۲۶۹؛ البرهان، ج ۲، ص ۳۱۸، ذیل حدیث ۳۱۶۷.

۱. المیزان، ج ۶، ص ۱۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۵، حدیث ۲۶۲.

العامة و الخاصة في نزول الآية في حق
 علي عليه السلام؛^۲ بين اهل سنت و شيعيان
 روايات بسياری وجود دارد مبنی بر
 اینکه این آیه در حق حضرت علي عليه السلام
 نازل شده است.»

۳. قاضی بیضاوی (از علمای اهل
 سنت) در تفسیر آیه مورد بحث
 می نویسد: «و آنها نزلت فی علی -
 رضی الله عنه - حين سأله سائل و هو
 راکع فی صلاته، فطرح له خاتمه.»^۳
 زمخشری (از علمای اهل سنت) نیز
 شبیه همین عبارت را آورده است.^۴

۴. علامه سید شرف الدین، در
 «المراجعات» آیه مذکور را یکی از

انکار نماید؛ لذا سعی می کرد او نیز
 صاحب فضیلتی مثل حضرت عليه السلام باشد
 که نشد.

ب. گواهی دانشمندان:

اکثر قریب به اتفاق مفسران،
 مورخان و محدثان - اعم از شیعه و
 سنی - روایات متعددی دایر بر اینکه
 آیه مذکور در شأن حضرت علي عليه السلام
 نازل شده است، نقل کرده و به
 صحت آن گواهی داده اند که در اینجا
 تنها به چند مورد اشاره می شود:

۱. "فرات کوفی" از مفسران قرن
 چهارم هجری، در تفسیر آیه مورد
 بحث پانزده حدیث نقل کرده است
 که تمام آنها بر نزول آیه مذکور در
 حق حضرت علي عليه السلام دلالت دارند.^۱

۲. علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر آیه
 فوق می نویسد: «الخبارة متکاثرة بین

۲. البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن، ج ۳،
 ص ۲۷۴.

۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل، عبدالله بن عمر
 بیضاوی با تحقیق محمد عبد الرحمان مرعشی،
 دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول،
 ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۳۲.

۴. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود
 زمخشری، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ
 سوم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۴۹.

۱. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن
 ابراهیم با تحقیق محمد کاظم محمودی، سازمان
 چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران،
 چاپ اول، ۱۴۱۰، ص ۱۲۳-۱۲۹.

محکم‌ترین آیه‌های قرآن معرفی کرده و می‌گوید: «تردید نیست که این آیه به هنگامی که حضرت علی علیه السلام انگشترش را در حال رکوع نماز به سائل داد، درباره وی نازل شده است و این، مورد اتفاق و اجماع مفسران است.»^۱

و در ذیل همان مطلب از چهل کتاب از تألیفات علمای اهل سنت (با ذکر مشخصات، شماره جلد و صفحات که هر کدام به گونه‌ای مطلب فوق را مطرح نموده‌اند) نام برده است، سپس می‌گوید: «اگر بنا بر اختصار نبود و مسئله همچون «خورشید در وسط آسمان» نبود، تمام اخبار صحیحی که در این باره آمده است را می‌آوردیم؛ اما بحمدالله این مطلب از مطالبی است که در آن

تردید نیست.»^۲

۵. در «تفسیر نمونه» پس از اشاره به نزول آیه فوق در شأن امام علی علیه السلام، می‌نویسد: «این روایت را "ابن عباس"، "عمار یاسر"، "عبدالله بن سلام"، "سلمه بن کمیل"، "انس بن مالک"، "عتبه بن حکیم"، "عبدالله بن ابی"، "عبدالله بن غالب"، "جابر بن عبدالله انصاری" و "ابوذر غفاری" نقل کرده‌اند. و علاوه بر ده نفر مذکور، از خود حضرت علی علیه السلام نیز این روایت در کتب اهل تسنن نقل شده است. جالب اینکه در کتاب «غایه المرام» تعداد ۲۴ حدیث در این باره از طرف اهل تسنن و ۱۹ حدیث از طرف شیعه نقل شده است. کتابهای معروفی که این حدیث در آنها نقل شده، از سی کتاب تجاوز می‌کند که همه از منابع اهل تسنن است.»

۱. ترجمه المراجعات، سید شرف الدین موسوی با گزینش علی اصغر مروج و با ترجمه محمد جعفر امامی، بنیاد معارف اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

مطلبی را اثبات می‌نماید؟

تفسیر آیه اول:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
رَاكِعُونَ﴾^۲ این آیه با کلمه «انما» که در
لغت عرب برای انحصار می‌آید،
شروع شده و می‌گوید: «ولی و
سرپرست و متصرف در امور شما سه
کس هستند: خدا، پیغمبر ﷺ و کسانی
که ایمان آورده‌اند، و نماز را به پا
می‌دارند و در حال رکوع زکات
می‌دهند.»

شک نیست که رکوع در این آیه
به معنی رکوع در نماز است، نه به
معنی خضوع؛ زیرا هنگامی که در
عرف شرع و اصطلاح قرآن «رکوع»
گفته می‌شود، به همان معنی حقیقی و
معروف آن؛ یعنی رکوع نماز است، و
علاوه بر شأن نزول آیه و روایات
متعددی که در زمینه انگشتر بخشیدن

آنگاه پس از اشاره به چند کتاب
با ذکر مشخصات می‌افزاید: «با این
حال چگونه می‌توان این همه احادیث
را نادیده گرفت، در حالی که در نزول
آیات دیگر به یک یا دو روایت
قناعت می‌کنند؛ اما گویا تعصب اجازه
نمی‌دهد که این همه روایات و این
همه گواهی دانشمندان درباره شأن
نزول آیه فوق مورد توجه قرار بگیرد.
و اگر بنا شود در تفسیر آیه‌ای از قرآن
این همه روایت نادیده گرفته شود،
آنگاه ما باید در تفسیر آیات قرآنی
اصولاً به هیچ روایتی توجه نکنیم؛
زیرا درباره شأن نزول کمتر آیه‌ای از
آیات قرآن، این همه روایت وارد شده
است.»^۱

با توجه به مطالب مذکور، تردیدی
باقی نمی‌ماند که آیه فوق درباره
حضرت علی علیه السلام نازل شده است. حال
باید دید که مضمون آیه چیست و چه

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۲۴ و ۴۲۵.

۲. مائده / ۵۵.

مادی و معنوی است، به خصوص اینکه این ولایت در ردیف ولایت خدا و پیامبرش ﷺ قرار گرفته و هر سه با یک جمله ادا شده است.

به این ترتیب، این آیه شریفه از آیاتی است که به عنوان نص قرآنی بر ولایت و امامت حضرت علی ﷺ دلالت می‌کند، همچنان که شیخ طوسی رحمته الله گفته است: «و اعلم أن هذا الآية من الأدلة الواضحة على امامة أمير المؤمنين عليه السلام بعد النبي بلا فصل؛^۱ و بدان این آیه از دلایل روشن بر امامت بلا فصل حضرت علی عليه السلام پس از پیامبر صلى الله عليه وآله می‌باشد.»

مرحوم طبرسی رحمته الله گفته است: «هذا الآية من أوضح الدلائل على صحة امامة علي عليه السلام بعد النبي بلا فصل؛^۲ این آیه از

(ایتاء زکات) حضرت علی عليه السلام در حال رکوع وارد شده است که به برخی از آنها اشاره شد.

ذکر جمله «يَقِيُمُونَ الصَّلَاةَ» نیز شاهد بر این موضوع است، و ما در هیچ موردی از آیات قرآن نداریم که تعبیر شده باشد زکات را با خضوع بدهید؛ بلکه باید با اخلاص نیت و عدم منت داد.

همچنین شکی نیست که کلمه «وَلِيٌّ» در آیه به معنی دوست، ناصر و یاور نیست؛ زیرا ولایت به معنی دوستی و یاری کردن مخصوص کسانی نیست که نماز می‌خوانند، و در حال رکوع زکات می‌دهند؛ بلکه یک حکم عمومی است که تمام مسلمانان را در بر می‌گیرد. مسلمین باید یکدیگر را دوست بدارند و یاری کنند. از اینجا روشن می‌شود که منظور از «وَلِيٌّ» در آیه فوق ولایت به معنی سرپرست، تصرف و رهبری

۱. التبيان في تفسير القرآن، شيخ طوسي، با تحقيق احمد قصير عاملي، دارالحياة التراث العربي، بيروت، بی تا، ج ۳، ص ۵۵۹.

۲. مجمع البيان، طبرسی، ج ۳، ص ۳۲۶.

سرپرستی و رهبری خدا، پیامبر ﷺ و افراد با ایمانی را که در آیه قبل به آنها اشاره شد بپذیرند، پیروز خواهند شد؛ زیرا آنها در حزب خدا خواهند بود و حزب خدا پیروز است.»

در این آیه قرینه دیگری بر معنای ولایت - که در آیه قبل اشاره شد؛ یعنی «سرپرستی، رهبری و تصرف» - دیده می‌شود؛ زیرا تعبیر به «حزب الله» و «غلبه آن» مربوط به حکومت اسلامی است، نه یک دوستی ساده و عادی، و این خود می‌رساند که ولایت در آیه به معنای سرپرستی، حکومت و زمامداری اسلام و مسلمین است؛ زیرا در معنای «حزب» نوعی تشکل و اجتماع برای تأمین اهداف مشترک نهفته است.^۴

پس حاصل مضمون دو آیه چنین می‌شود: «همان گونه که خدا و

روشن‌ترین دلایلی است که بر صحت امامت بلافصل امام علی ﷺ بعد از پیامبر ﷺ دلالت می‌کند.»

تفسیر آیه دوم:

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغَالِبُونَ»^۱ از روایات متعددی که از طریق شیعه و سنی وارد شده، استفاده می‌شود که این آیه به دنبال آیه قبل نازل شده است.^۲ و از اتصال و ارتباط این دو آیه استفاده می‌شود که مراد از «الذین آمنوا» در این آیه، همان کسی است که در آیه قبل با اوصاف معینی به او اشاره شده است.^۳

بنابراین این آیه، تکمیلی برای مضمون آیه قبل است و هدف آن را تأکید و تعقیب می‌کند، و به مسلمانان اعلام می‌دارد: «کسانی که ولایت،

۱. مائده / ۵۶.

۲. البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن، ج ۳،

ص ۳۰۶.

۳. همان، ص ۳۰۵.

۴. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و جمعی از

نویسندگان، ج ۴، ص ۴۳۳.

پیغمبر ﷺ ولی و سرپرست مسلمانان هستند، حضرت علی علیه السلام نیز ولی و سرپرست مسلمانان می باشد.»

لذا یکی از مفسران معاصر در تفسیر آیه فوق می نویسد: «هذا الآية نص صريح لا يقبل التأويل بحال على انّ المعنى المراد من ولاية الله و الرسول و المؤمنین واحد لا اختلاف فيه و انّ من حافظ على هذه الولاية و لم یفرق بین الله و رسوله و من جمع بین الزکاة و الرکوع فهو حزب الله الغالب بمنطق الحقّ و الحجّة؛^۱ این آیه به هیچ وجه قابل توجیه نیست و نصّ صریح است؛ زیرا مقصود از ولایت خدا، پیامبر ﷺ و مؤمنان یکی است و اختلافی بین آنها نیست. کسی که هر سه ولایت را بپذیرد و بین ولایت خدا، پیامبر ﷺ و مؤمن زکات دهنده در رکوع (علی علیه السلام) فرق نگذارد، او از «حزب

الله» می باشد که با منطق حق و استدلال بر آن پیروز است.»

پاسخ به چند ایراد مخالفان معنای آیه ولایت

جمعی از متعصبان اهل تسنن اصرار دارند که به نزول آیه در حق حضرت علی علیه السلام و همچنین به تفسیر «ولایت» به عنوان «سرپرستی، تصرف و امامت» ایرادهای متعددی بنمایند که ما ذیلاً مهم ترین آنها را عنوان کرده و مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. این آیه با توجه به کلمه «الذین» که برای جمع است، قابل تطبیق به یک نفر نیست، و به عبارت دیگر آیه می گوید: «ولّی» شما آنهایی هستید که نماز را به پا می دارید و در حال رکوع زکات می دهند، و این عبارت چگونه بر یک شخص مانند علی قابل تطبیق است؟^۲

۱. تفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۸۲ و ۸۳.

۲. مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی (محمد بن عمر)، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ۳۸۴ و ۳۸۵.

پاسخ:

در ادبیات عرب مکرر دیده می‌شود که از مفرد به لفظ جمع تعبیر آورده شده است، از جمله در آیه مباحله (آل عمران/۶۱) می‌بینیم که کلمه «نساتنا» به صورت جمع آمده، در صورتی که منظور از آن - طبق شأن نزولهای متعددی که از طریق شیعه و سنی وارد شده است - حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد. همچنین «انفسنا» جمع است، در صورتی که از مردان - غیر از پیغمبر صلی الله علیه و آله - کسی جز حضرت علی علیه السلام در آن جریان نبود.

همچنین در آیه ۱۷۳ سوره آل عمران و در داستان جنگ احد نیز آمده است: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا» مفسران قرآن شأن نزول آن را درباره «نعیم بن مسعود» که یک فرد بیشتر نبود، می‌دانند.

و همچنین در آیه ۵۲ سوره مائده می‌خوانیم: «يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ» در حالی که آیه در مورد «عبدالله بن ابی» وارد شده است و همچنین آیه اول سوره ممتحنه و ۸ سوره منافقون و ۲۱۵ و ۲۷۴ سوره بقره تعبیراتی دارند که عموماً به صورت جمع است؛ ولی طبق آنچه در شأن نزول آنها آمده، منظور یک فرد بوده است.

لذا این تعبیر یا بخاطر این است که اهمیت موقعیت آن فرد و نقش مؤثری که در این کار داشته روشن شود، و یا بخاطر آن است که حکم در شکل کلی عرضه شود، اگرچه مصداق آن منحصر به یک فرد بوده باشد.

همچنین در بسیاری از آیات قرآن ضمیر جمع به خداوند که احد و واحد است، به عنوان تعظیم گفته

می‌شود.^۱

دلایل استعمال لفظ جمع برای فرد
البته استعمال لفظ جمع در «مفرد» مجاز و خلاف ظاهر است و بدون قرینه صحیح نیست؛ ولی وجود آن همه روایات در شأن نزول آیه قرینه روشنی بر این تفسیر است.

علاوه بر آن، در آیه فوق نکته‌هایی وجود دارد که ایجاب می‌کند حتماً با لفظ جمع بیاید که در اینجا نکته‌ای از زمخشری (مفسر سنی) و نکته‌ای از علامه سید شرف‌الدین (محقق شیعی) نقل می‌کنیم:

"جار الله زمخشری" گفته است: گرچه زکات دهنده در حال رکوع (علی علیه السلام) یک نفر بوده است؛ ولی «الذین» به صورت جمع آورده شده است تا مردم برای انجام دادن نظیر عمل آن حضرت، ترغیب شوند و

توجه کنند به اینکه خوی و سرشت مؤمنان ایجاب می‌کند آنان در این حدّ خواهان احسان و نیکی به فقرا و مستمندان باشند، و حتی اگر لازم باشد، به اندازه اتمام نماز نیز آن را تأخیر نیندازند.^۲

"علامه سید شرف‌الدین موسوی" گفته است: نکته بسیار دقیق و لطیفی که در آیه مورد بحث وجود دارد، این است که با الفاظ «جمع» آمدن این آیه به جای «مفرد» رحمتی است از ناحیه خداوند حکیم؛ زیرا بدخواهان امام علی علیه السلام و سایر منافقان، حسودان و کسانی که می‌خواستند پیش بیفتند، طاقت آن را نداشتند که این واقعیت را با لفظ صریح بشنوند؛ چون در آن صورت بهانه‌ای برای مشتبه ساختن حقیقت باقی نمی‌ماند و ممکن بود از ناحیه آنان - به علت مأیوس شدنشان

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و جمعی از نویسندگان، ج ۴، ص ۴۲۷.

۲. الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، زمخشری، ج ۱، ص ۶۴۹.

از خواسته خود - وضعی بوجود آید که عواقب آن موجب خطر وحشتناکی بر اسلام گردد؛ لذا به «صیغه جمع» و الفاظ غیر صریح آورده شده تا از آن وضع خطرناک پیشگیری گردد، سپس «نصوص» و تصریحات دیگری، با عبارات مختلف و در مقالات متعدد صادر گردید تا «امر ولایت» را تدریجاً بین آنان مطرح نماید.

و این روال ادامه داشت تا اینکه در روز «غدیر خم» خداوند دین را کامل و نعمت را اتمام نمود. این روش، در رساندن این «واقعیت مهم» همان روش حکیمان است در رساندن مطالبی که ابراز آن برای مردم سخت می‌باشد. اگر این آیه با الفاظ «مفرد» و صریح بود، مخالفان حضرت علی علیه السلام هرگز حاضر به شنیدن آن نبودند، و انگستان را در گوش خود می‌گذاشتند و با کبر و غرور از آن روی بر

می‌گرداندند.

این نکته که گفته شد، اختصاص به این آیه ندارد؛ بلکه در تمام آیاتی که در قرآن حکیم درباره فضایل حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام آمده، جاری است.^۱

۲. دومین اشکال: فخر رازی و بعضی دیگر از متعصبان ایراد کرده‌اند که با آن توجه خاصی که حضرت علی علیه السلام در حال نماز داشت و غرق در مناجات پروردگار بود (تا آنجا که معروف است پیکان تیر از پایش بیرون آوردند و او توجه پیدا نکرد) چگونه ممکن است صدای سائلی را شنیده و به او توجه پیدا کند؟^۲

پاسخ:

آنها از این نکته غفلت دارند که شنیدن صدای سائل و به کمک او پرداختن توجه به خویشتن و یا امور

۱. ترجمه المراجعات، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۱۲، ص ۳۸۶.

دنیا نیست؛ بلکه عین توجه به خداست. حضرت ﷺ در حال نماز از خود و امور دنیوی بیگانه بود، نه از خدا، و می‌دانیم بیگانگی از خلق خدا بیگانگی از خداست و به تعبیر روشن‌تر: پرداختن زکات در نماز، انجام عبادت در ضمن عبادتی دیگر است، نه انجام یک عمل مباح در ضمن عبادت.

و باز به تعبیر دیگر، آنچه با روح عبادت سازگار نیست، توجه به مسائل مربوط به زندگی مادی و شخصی است؛ اما توجه به آنچه در مسیر رضای خداست، کاملاً با روح عبادت سازگار می‌باشد و آن را تأکید و تقویت می‌کند. ذکر این نکته نیز لازم است که معنی غرق شدن در توجه به خدا این نیست که انسان بی‌اختیار احساس خود را از دست بدهد؛ بلکه با اراده‌ی خویش توجه خود را از آنچه در راه خدا و برای خدا

نیست، بر می‌گیرد.^۱

۳. اشکال دیگری که به آیه کرده‌اند، در مورد معنی کلمه «ولی» است که آن را به معنی دوست، یاری کننده و امثال آن گرفته‌اند، نه به معنی متصرف، سرپرست و صاحب اختیار.^۲

پاسخ:

اگرچه «ولی» در لغت به معنای متعددی از جمله دوست، یاری کننده، سرپرست و صاحب اختیار آمده است؛ اما در اینجا نمی‌تواند به معنای دوست و یاری کننده باشد؛ زیرا این صفت برای تمام مؤمنان ثابت است، نه مؤمنان خاصی که در آیه ذکر شده‌اند که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. به عبارت دیگر، دوستی و یاری کردن حکمی عمومی است که در آیه ۷۱ سوره

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و جمعی از

نویسندگان، ج ۴، ص ۴۲۸.

۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۱۲، ص ۳۸۴.

ذمه داشت، با اینکه از مال دنیا چیزی برای خود فراهم نساخته بود و اگر منظور صدقه مستحب است که به آن زکات گفته نمی‌شود؟^۵

پاسخ:

اولاً، به گواهی تواریخ حضرت علی علیه السلام از دسترنج خود اموال فراوانی تحصیل می‌کرد و در راه خدا می‌داد، تا آنجا که می‌نویسند: هزار برده را از دسترنج خود آزاد نمود. به علاوه، سهم او از غنایم جنگی نیز قابل ملاحظه بود، بنابراین، اندوخته مختصری که زکات به آن تعلق گیرد و یا نخلستان کوچکی که واجب باشد زکات آن را را پردازد، چیز مهمی نبوده است که حضرت علی علیه السلام فاقد آن باشد، و این را نیز می‌دانیم که پرداخت زکات «واجب فوری عرفی» است که با خواندن یک نماز منافاتی ندارد.

۵. مفاتیح الغیب، فخر ازی، ج ۱۲، ص ۳۸۶.

توبه بیان شده است^۱، در حالی که این آیه ناظر به بیان حکمی خصوصی است که مخصوص خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمن خاص می‌باشد، و لذا بعد از ذکر ایمان، صفات خاصی را بیان کرده است که مخصوص به فردی خاص می‌شود. بنابراین «ولی» در این آیه به همان معنایی است که در آیه ۲۵۷ سوره بقره^۲ و یا آیه ۶ سوره احزاب^۳ آمده است، یعنی سرپرست و صاحب اختیار.^۴

۴. اشکال دیگر اینکه می‌گویند:

حضرت علی علیه السلام چه زکات واجبی بر

۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ».

۲. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا».

۳. «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ».

۴. تبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، با تحقیق احمد قصیر عاملی، ج ۳، ص ۵۶۰؛ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و جمعی از نویسندگان، ج ۴، ص ۴۲۹؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبد الحسین طیب، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش، ج ۴، ص ۴۰۲.

ثانیاً، اطلاق زکات بر «زکات مستحب» یا «صدقه» در قرآن مجید فراوان آمده است. در بسیاری از سوره‌های مکی کلمه «زکات» آمده و منظور زکات مستحبی است؛ زیرا وجوب زکات مسلماً بعد از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه بوده است مثل آیات: نمل / ۳، روم / ۳۹، لقمان / ۴ و فصلت / ۷ و غیر اینها.^۱

۵. مخالفین می‌گویند: اگر ما به خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام ایمان داشته باشیم، باید قبول کنیم که مربوط به زمان بعد از پیامبر ﷺ بوده، بنابراین حضرت علی علیه السلام در آن روز «ولی» نبوده، و به عبارت دیگر ولایت در آن روز برای او «بالقوه» بود، نه «بالفعل» در حالی که ظاهر آیه «ولایت بالفعل» را می‌رساند.^۲

پاسخ:

در سخنان روزمره و در تعبیرات ادبی بسیار دیده می‌شود که اسم یا عنوانی به افرادی گفته می‌شود که آن را بالقوه دارند، مثلاً انسان در حال حیات خود وصیت می‌کند و کسی را به عنوان «وصی» خود و «قیم» اطفال خویش تعیین می‌نماید و از همان وقت عنوان وصی و قیم به آن شخص گفته می‌شود، در حالی که شخص هنوز در حال حیات است و نمرده.

در روایتی که درباره حضرت علی علیه السلام از پیامبر ﷺ از طرق شیعه و سنی نقل شده است، می‌خوانیم: پیامبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را «وصی» و «خلیفه» خود خطاب کرده است، در حالی که هیچ یک از این عناوین در زمان حیات پیامبر ﷺ نباید صحیح باشد.

در قرآن نیز این گونه تعبیرات

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و جمعی از نویسندگان، ج ۴، ص ۴۲۹ و ۴۳۰.

۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۱۲، ص ۳۸۵.

شده است، از جمله: در مسند «ابن مردویه» و «ابی الشیخ» و «کنز العمال» و این در حقیقت به منزله استدلال حضرت به این آیه شریفه است.

در کتاب نفیس «الغدیر» از کتاب «سلیم بن قیس هلالی» حدیث مفصلی نقل شده است که: حضرت علی علیه السلام در میدان صفین و در حضور جمعیت برای اثبات حقانیت خود دلایل متعددی آورد، از جمله استدلال به همین آیه بود و همچنان که در شأن نزول بیان شد: حضرت علی علیه السلام روز شورا نیز به همین آیه استدلال فرمود.^۳

۷. آنها می گویند: این «تفسیر» با آیات قبل و بعد سازگار نیست؛ زیرا در آنها ولایت به معنی «دوستی» آمده است.^۴

دیده می شود، از جمله در سوره مریم، آیه ۵، در مورد زکریا آمده است که از خداوند تقاضا کرد: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَبِئْسَ يَرِثُي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» در حالی که مسلم است منظور از «ولی» در اینجا سرپرستی برای بعد از مرگ او بوده. پس بسیاری از افراد، جانشین خود را در حیات خود تعیین می کنند و از همان زمان نام جانشین بر او می گذارند با اینکه جنبه بالقوه دارد.^۱

۶. همچنین مخالفین می گویند: چرا حضرت علی علیه السلام با این دلیل روشن شخصاً استدلال نکرد؟^۲

پاسخ:

همان طور که در ضمن بحث پیرامون روایات وارده در شأن نزول آیه خواندیم، این حدیث در کتب متعدد از خود حضرت علیه السلام نیز نقل

۱. تبیان، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۵۶۳؛ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و جمعی از نویسندگان، ج ۴، ص ۴۳۰.

۲. مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۱۲، ص ۳۸۵.

۳. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و جمعی از نویسندگان، ج ۴، ص ۴۳۱.

۴. مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۱۲، ص ۳۸۵.

پاسخ:

چون آیات قرآن تدریجاً و در واقع مختلف نازل گردیده است؛ لذا همیشه با حوادثی پیوند دارد که در زمینه آن نازل شده، و چنان نیست که آیات یک سوره که پشت سر هم قرار دارند، همواره از نظر مفهوم و مفاد پیوند نزدیکی داشته باشند؛ لذا بسیار می شود که دو آیه پشت سر هم نازل شده اند؛ اما در دو حادثه مختلف بوده و مسیر آنها به خاطر پیوند با آن حوادث از یکدیگر جدا می شود.

همچنین با توجه به اینکه آیه ولایت به گواهی شأن نزولش در زمینه زکات دادن حضرت علی علیه السلام در حال رکوع نازل شده است و آیات گذشته و آینده در حوادث دیگری نازل شده، نمی توانیم روی پیوند آنها زیاد تکیه کنیم. به علاوه، آیه مورد بحث اتفاقاً با آیات گذشته و آینده تناسب نیز دارد؛ زیرا در آنها سخن از ولایت به معنی یاری و نصرت و در

آیه مورد بحث سخن از ولایت به معنی رهبری و تصرف می باشد و شکی نیست که شخص ولی، سرپرست، متصرف، یار و یاور پیروان خویش نیز خواهد بود. به عبارت دیگر، یار و یاور بودن یکی از شئون ولایت است.^۱

نتیجه گیری

از مجموع مطالب این مقاله نتیجه می گیریم: از جمله آیاتی که در شأن مولای متقیان حضرت علی علیه السلام نازل شده اند و امامت بلافصل ایشان را اثبات می نمایند، آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده است و هیچ تردیدی در آن نیست.

خدایا! ما را جزء شیعیان و محبین واقعی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد طاهرینش علیهم السلام قرار بده و زیارت آنان را در دنیا و شفاعت آنان را در دنیا و آخرت شامل حال ما بفرما!

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و جمعی از نویسندگان، ج ۴، ص ۴۳۱ و ۴۳۲.



محمد مهدی ماندگاری - سید جواد حسینی

اشاره:

در شماره گذشته (مبلغان ۱۴۵) موضوع «بهشت دنیوی و جهنمهای گناه» ارائه شد و در آن مباحثی از قبیل «بهشت اخروی» و «بهشتهای دنیوی» از نظر مبلغان گرامی گذشت؛ اکنون در ادامه آن مباحث مطالب زیر را به مبلغان گرامی تقدیم می‌داریم.

ج. جهنم اخروی گناه

جهنم نیز چون بهشت دو مصداق دارد: جهنم آخرتی، و دنیوی. جهنم آخرتی همان جهنم سوزانی است که

متشکل از سوزندگی، ظلمت، ناآرامی و انواع عذابها می‌باشد.

قرآن می‌فرماید: «لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ»^۱ «از چشمه‌ای بسیار داغ به آنان می‌نوشانند؛ غذایی جز از ضریع [خار خشک، تلخ و بدبو] ندارند.» حضرت صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنَ الضَّرِيعِ قَطَرَتْ فِي شَرَابِ أَهْلِ الدُّنْيَا لَمَاتَ أَهْلُهَا مِنْ تَنَبُّهَا»^۲ اگر قطره‌ای

۱. غاشیه/ ۶.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء،

بیروت، ج ۸، ص ۲۸۰، ح ۱.

گناهکاران در پی دارند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. جهنم اضطراب و ناآرامی

امروزه اضطراب‌ها به صورت افسردگی، بی‌قراری، ضعف اعصاب، وسواسی فکری، بی‌خوابی و... در جهان غوغا می‌کند، و متأسفانه این آمار بیشتر در کشورها و بین افرادی شایع است که یا از دین و ایمان عاری هستند و یا در ضعف دینی به سر می‌برند. به عنوان مثال: در آمریکا ۲۲ میلیون مبتلا به اعتیاد و الکلی هستند و بیش از ۷۱ میلیون آمریکایی بالای ۱۲ سال به مصرف حداقل یک بار ماری جوانا، در زندگی خود اعتراف کرده‌اند، و جامعه آمریکا به اندازه کل دنیا مواد مخدر مصرف می‌کند. در سال ۲۰۰۰ م خودکشی در آمریکا ۲۹ هزار مورد و در سال ۲۰۰۱ م، ۱۵ هزار مورد قتل گزارش شده است.^۳

از ضریع را در نوشیدنی اهل دنیا بریزند، تمامی آنان از بوی بد آن می‌میرند.»

و یا برای زنجیری که قرآن می‌گوید: ﴿ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ﴾^۱ «سپس او را به زنجیری که هفتاد ذراع است، ببندید!» این چنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «لَوْ أَنَّ حَلْقَةَ وَاحِدَةٍ مِنَ السُّلْسِلَةِ الَّتِي طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا وَضَعَتْ عَلَى الدُّنْيَا لَذَابَتْ الدُّنْيَا مِنْ حَرِّهَا»^۲ اگر یکی از حلقه‌های زنجیر هفتاد ذراعی در دنیا قرار داده شود، دنیا از حرارت آن ذوب خواهد شد.»

د. جهنمهای دنیوی

گناهان علاوه بر جهنم آخرتی-که در واقع باطن و حقیقت گناهان است - در همین دنیا نیز جهنمهایی را برای

۱. الحاقه / ۳۲.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ص ۲۸۰، ح ۱.

۳. آمارها پرده برمی‌دارد، اصغر جدایی، نشر ←

چرا مرا نابینا محسور کردی؟ من که [در دنیا] بینا بودم! می‌فرماید: چون آیات من به تو رسید و آنها را فراموش کردی. امروز نیز تو فراموش خواهی شد.»

«ضَنک» به معنای سختی و تنگی است.^۳ انسانی که به گناه مبتلا شده؛ در شهوات، حرص و طمع غرق می‌گردد، این‌جا است که گرفتار جهنم «ضَنک» می‌شود؛ چرا که نه قناعتی دارد که جان او را پر کند، نه توجه به معنویتی که به او غذای روحی دهد، و نه اخلاقی که او را از گناهان و شهوات بازدارد.

اگر جامعه دچار گناه شود، وضع آن از حال فرد وحشتناک‌تر می‌شود. جوامعی که علی‌رغم پیشرفتهای شگفت‌انگیز صنعتی و فراهم بودن وسایل راحتی، در اضطراب و نگرانی

در کشور ایران نیز بین‌انتهایی که از دین فاصله گرفته‌اند، آمار نگران‌کننده است؛ طبق بررسی‌های انجام شده، از هر ۳ نفر، ۱ نفر از بی‌خوابی یا کم‌خوابی رنج می‌برد^۱، و طبق گفته معاون پژوهشی سازمان ملی جوانان، بر اساس نتایج یک پژوهش ۴۰٪ از جوانان دچار اضطراب هستند.^۲

قرآن کریم ۱۴ قرن قبل به بشریت هشدار داد که: «وَمَنْ أُغْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى»؛ «و هر کس از یاد من روی گردان شود [و دچار گناه گردد] زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت. و روز قیامت او را نابینا محسور می‌کنیم. می‌گوید: پروردگارا!

نورالسَّجَاد، چاپ اول، ۱۳۸۳ش، صص ۲۴۸-۲۴۹.

۱. همان، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۱۱۷.

۳. المفردات فی غریب القرآن.. راغب اصفهانی، ص ۲۹۹.

رئیس جمهور اسبق آمریکا می‌گوید: «ما گرداگرد خویش زندگانیهایی توخالی می‌بینیم، در آرزوی ارضا شدن هستیم؛ ولی هرگز ارضا نمی‌شویم.»^۱

و دیگری گفته است: «من می‌بینم انسانیت در کوچه تاریکی می‌دود که در انتهای آن جز نگرانی مطلق نیست.»^۲

۲. جهنم کم‌ظرفیتی

کم‌ظرفیتی و نداشتن سینه‌ای گشاد و باز، خود یکی از جهنمهای گناه است؛ قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»^۳ «آن کس را که خدا بخواهد

شدید به سر می‌برند، در تنگنای عجیبی گرفتارند و خود را محبوس و زندانی می‌بینند. همه از هم می‌ترسند، هیچکس به دیگری اعتماد نمی‌کند، رابطه‌ها و پیوندها بر محور منافع شخصی می‌شود و بار تسلیحات سنگینی به‌خاطر ترس از جنگ، بیشترین بار اقتصادی و اضطراب را بر بشر تحمیل می‌کند.

در غرب، زندانها از جنایتکاران و در برخی موارد از بی‌گناهان مملو است و در هر ساعت و دقیقه؛ بلکه هر ثانیه - طبق آمارهای رسمی - قتلها و جنایتهای هولناکی رخ می‌دهد. آلودگی به مواد مخدر و فحشا، آنها را برده و اسیر خود ساخته و در محیط خانواده‌هاشان نه نور محبتی است، و نه پیوند عاطفی نشاطبخشی. این است زندگی سخت و معیشت ضنک آنها که قرآن خبر داده است.

۱. تفسیر نمونه، مکارم و همکاران، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۳۲۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۹.

۳. انعام/۱۲۵.

هدایت کند، سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده می‌سازد و آن‌کس را که [بخاطر اعمال خلاف و گناهانش] بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را آنچنان تنگ می‌سازد که گویا می‌خواهد به آسمان بالا رود، این چنین خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد.»

در این آیه کریمه، افراد کم‌ظرفیت را به کسی که می‌خواهد به آسمان بالا رود - که کار فوق‌العاده مشکلی است - تشبیه نموده است، حتی امروزه که پرواز به آسمان عملی شده است، باز از کارهای طاقت‌فرساست. انسانهای کم‌ظرفیت در مقابل پذیرش حق و تحمل مصایب این چنین سختی را احساس می‌کنند.

بلکه در آیه معنای لطیف‌تری به نظر می‌رسد که: امروزه ثابت شده است هوای اطراف کره زمین و در نقاط سطح آن کاملاً فشرده و برای تنفس انسان آماده است؛ اما هر قدر

به طرف بالا حرکت کنیم، هوا رقیق‌تر و میزان اکسیژن آن کم‌تر می‌شود، به حدی که اگر چند کیلومتر از سطح زمین به طرف بالا (بدون ماسک اکسیژن) حرکت کنیم، تنفس هر لحظه مشکل‌تر می‌شود، و اگر به پیشروی ادامه دهیم، تنگی نفس و کمبود اکسیژن سبب بیهوشی می‌گردد. خود این بیان در آن زمان معجزه‌ای علمی به حساب می‌آید، و کاملاً کم‌ظرفیتی انسانی را که از خدا و دیانت دور است و به دام گمراهی گناه افتاده، به خوبی به تصویر می‌کشد، که آنچنان تحت فشار جهنم کم‌ظرفیتی قرار می‌گیرند که گاه با خودکشی و یا دیگرکشی کلی سرمایه هستی خویش را به کام آتش می‌ریزد.

۳. بدگمانی

سوءظن‌ها و توهم‌ها نسبت به خالق هستی، نسبت به انبیا، اولیا، پاکان و مردم و اطرافیان از عوامل نگرانی و جهنمی است که بسیاری از مردم در

جهنم سوزان حالت زایمانی و ازدیاد دارد و بدنبال خود جهنمهای بخل، ترس و حرص را تولید می‌کند.

امام علی علیه السلام در نامه به مالک‌اشتر فرمود: «فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ»^۳ به‌راستی که بخل، ترس و آزمندی تمایلات پراکنده‌ای هستند که در بدگمانی به خداوند ریشه دارند؛ چرا که بخیل فکر می‌کند خزانه خداوند تمام می‌شود؛ لذا بر خویشتن نیز انفاق نمی‌کند و ترسو گمانش این است که نکند قدرت دشمن بر خداوند غالب شود، پس از این جهت حالت ترس پیدا می‌کند و حریص نیز بر این گمان است که نکند خزانه و نعمت خدا رو به اتمام رود؛ لذا خوب است اموالی ذخیره کنیم.

أما انسان دین‌مدار و مطیع خداوند، طبق دستور قرآن حق ندارد

زندگی خود از آن رنج می‌برند.
امام علی علیه السلام فرمود: «سُوءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْأُمُورَ وَيَبْعَثُ عَلَى الشُّرُورِ»^۱ بدگمانی امور (و کارها) را به فساد می‌کشاند، و به بدی و شرارت وامی‌دارد.»

چون شخص دارای سوء ظن، خود اهل گناه و خلاف است، گمانش بر این است که دیگران نیز مانند او هستند؛ لذا به هیچ کسی خوشبینی ندارد و با هر کسی باشد، در جهنم بدبینی خود می‌سوزد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «الشَّرِيرُ لَمَّا يَظُنُّ بِأَحَدٍ خَيْرًا لِأَنَّهُ لَا يَرَاهُ إِلَّا بِطَيْعِ نَفْسِهِ»^۲ آدم شرور به هیچ کسی گمان خوب و نیک ندارد؛ چون همه را مثل خود می‌پندارد.»

نکته قابل توجه این است که این

۱. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش، ص ۲۶۳، ح ۵۱۷۱.

۲. همان، ص ۱۰۵، ح ۱۸۹۴.

۳. نهج البلاغه، ص ۵۷۰، نامه ۵۳.

می‌کند و باعث نجات از بگردن انداختن گناهان می‌شود.»

۴. ناامیدی

یکی دیگر از جهنم‌های گناه، ناامیدی و به بن بست رسیدن است؛ جهنم سوزانی که گاهی عامل به آتش کشیده شدن تمام هستی انسان و نابودی سعادت ابدی او می‌شود؛ چرا که برخی از این افراد برای رهایی از این بن بست دست به خودکشی و یا جنایات دیگر می‌زنند که این جهنم را برای همیشه شعله‌ور نگه می‌دارد.

ولی قرآن کریم به عنوان کتاب هدایتگر انسانها به سمت بهشت دنیوی و آخروی، با مهربانی تمام و کمال از بندگان گناه‌کار می‌خواهد که ناامید نباشید؛ چرا که خدا در هر حال بنده خود را به این راحتی رها نمی‌کند: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا

عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ

به مردم بدگمان باشد؛ چرا که قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾^۱ «ای مؤمنان، از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید؛ زیرا بعضی از گمانها گناه است.»

ثانیاً، می‌داند که در واقع خوش‌گمانی بهشتی است که زمینه آسایش روحی، و دور شدن غصه‌ها را فراهم می‌کند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «حُسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ وَ سَلَامَةُ الدِّينِ»^۲ خوش‌گمانی باعث راحتی (روح و روان و) قلب انسان و سلامتی دین انسان (از آلودگی به گناهان) می‌شود. و در جای دیگری فرمود: «حُسْنُ الظَّنِّ يُخَفِّفُ الْهَمَّ وَ يَنْجِي مِنَ تَقَلُّدِ الْإِثْمِ»^۳ خوش‌گمانی غصه‌ها را کم

۱. حجرات / ۱۲.

۲. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، ص ۲۵۳، ح ۵۳۲۲.

۳. همان، ص ۲۵۳، ح ۵۳۲۳.

گناه به خود انسان باز می‌گردد. مثل پدر مهربان که می‌گوید: این همه بر خود ستم مدار؛

۴. «لا تنظوا»؛ چون نومید شدن از خیر است، که دلیل بر این است که گناهکاران نباید از «لطف الهی» که سراسر خیر است ناامید شوند؛

۵. تعبیر «مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» تأکید بیش‌تری بر خیر و محبت و مهربانی الهی است؛

۶. جمله «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ» با حرف تأکید آغاز شده و «الذنوب» (جمع با الف و لام) تمام گناهان را بدون استثناء در بر می‌گیرد، سخن اوج می‌گیرد و دریای رحمت موج می‌شود؛

۷. و هنگامی که «جَمِيعاً» به عنوان تأکید دیگری بر آن افزوده می‌شود، امیدواری به آخرین مرحله می‌رسد؛

۸ و ۹. توصیف خداوند به «غفور» و «رحیم» که دو وصف از اوصاف

الرَّحِيمِ»^۱ «بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید، که خدا تمام گناهان را یکجا می‌آمرزد.» یکی از امید بخش‌ترین آیات قرآن این آیه است و به حدی گسترده می‌باشد که انواع گناهکاران را زیر بال خود می‌گیرد، و به فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام: «در تمام قرآن آیه‌ای وسیع‌تر از این آیه نیست»^۲ تمام این آیه سراسر لطف و رحمت است؛ زیرا

۱. تعبیر «يَا عِبَادِي: بندگان من» تعبیر لطف‌آمیزی از طرف خداوند است؛

۲. تعبیر به «اسراف» به جای ظلم و گناه و جنایت لطف دیگری است؛

۳. تعبیر «عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» می‌رساند که

۱. زمر/ ۵۳.

۲. تفسیر الصافی، فیض، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۳۲۶: «ما فی القرآن آیه أَوْسَعُ مِنْ يَا عِبَادِي الَّذِينَ».

مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ»؛^۱ «از رحمت خدا جز قوم کافر مایوس نمی‌شوند.»

یأس، بدتر از قتل ۶۰ سید

«عبدالله بزاز نیشابوری» می‌گوید: «حمیدبن قحطبه» را دیدم که در روز ماه رمضان غذا می‌خورد، گفتم: عذری داری یا امیر؟ گریه کرد و گفت: من عذری ندارم. بعد از غذا گفت: شبی هارون الرشید مرا احضار کرد، در حالی که نزد او شمعی روشن و شمشیری سبز رنگ برهنه جلوی او بود. پرسید: اطاعت تو از امیرالمؤمنین (هارون) در چه حد است؟ گفتم: با جان و مال. سپس مرا مرخص نمود. طولی نکشید دوباره مرا احضار کرد و همان پرسش را تکرار کرد. گفتم: با جان و مال و اهل و اولاد، سپس مرا مرخص نمود. برای سومین بار احضارم کرد و همان سؤال

امیدبخش الهی است در پایان آیه، جایی برای کم‌ترین یأس و نومییدی باقی نمی‌گذارد.

به‌خاطر همین نکات آیه فوق گسترده‌ترین آیات قرآن است که هر گنه‌کاری را زیر بال خود می‌گیرد و امیدبخش‌ترین آیات قرآن است.^۱

و ثانیاً با صدای بلند اعلام می‌کند: از رحمت خدا جز گمراهان و شقاوتمندان ناامید نمی‌شوند: «قَالُوا بَشَرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفَانِطِينَ قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» «گفته [رسولان خدا ای ابراهیم!] تو را بحق بشارت [به فرزند] دادیم؛ از مایوسان مباش گفت: جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مایوس می‌شود؟!»

و در آیه دیگری فرمود: «لَا يَيْئَسُ»

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۹، ص ۵۰۰-۴۹۹.

را به علی بن موسی الرضا علیه السلام گفتم، حضرت فرمود: وای بر او، گناه یأس و ناامیدی که حمید از رحمت الهی داشت، از قتل آن شصت نفر علوی بیشتر است.^۱

و ثالثاً: آثار این جهنم را به کسانی که توبه نکند، اعلام می‌دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَبْعَثُ اللَّهُ الْمُقْنَطِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلَبَةً وَجُوهَهُمْ - يَغْنَى غَلْبَةُ السَّوَادِ عَلَى الْبَيَاضِ - فَيَقَالُ لَهُمْ هَؤُلَاءِ الْمُقْنَطُونَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى»^۲؛ ناامیدان از رحمت خداوند با چهره‌های سیاه‌گونه - در حالی که سیاهی بر سفیدی غلبه دارد - محشور می‌شوند و اعلام می‌شود که اینها ناامیدان از رحمت خدای بلند مرتبه هستند. «آری، جهنم ناامیدی آثارش را در قیامت به صورت

را تکرار کرد. گفتم: با جان و مال و اهل و اولاد و دین!!، آنگاه خندید و گفت: این شمشیر را بردار و هر کس را که این خادم به تو نشان داد، باید بکشی. مرا به خانه‌ای برد که وسط آن چاهی بود، و دور آن سه حجره قفل زده. اولی را باز کرد، دیدم بیست نفر از سادات علوی به زنجیر کشیده شده‌اند. خادم یکی یکی آنها را کنار چاه می‌آورد و من گردن می‌زدم. حجره دوم را باز کرد، به همین صورت و حجره سوم را. همه را گردن زدم. آخرین نفر پیرمردی بود که به من گفت: فردای قیامت جواب پیامبر صلی الله علیه و آله جد ما را چه خواهی داد؟ با اینکه بدنم لرزید؛ ولی او را نیز کشتم. حال با این وضع روزه و نماز چه نفعی به حال من دارد؟ من یقین دارم که مخلد در آتشم (و خدا مرا نمی‌بخشد).

عبدالله گوید: وقتی داستان حمید

۱. گناهان کبیره، شهید دستغیب شیرازی، انتشارات صبا، تهران، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۶ الی ۸۷، پاورقی با تلخیص.

۲. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة، ۱۴۲۷ ق، چاپ چهارم، ج ۷، ص ۳۷۲ - ۳۷۳.

چهره‌های سیاه و سوخته نشان خواهد داد.

۵. جهنم حسادت

جهنم ویرانگر حسادت از دیگر جهنمهای دنیاست که حسود و گناه محسود را به آتش می‌کشد. در منابع، تعبیراتی آمده که نشان از عمق این جهنم سوزان دارد:

الف. ریشه پستیها

حضرت علی علیه السلام: «رَأْسُ الرَّذَائِلِ الْحَسَدُ؛^۱ حسودی ریشه همه رذیلتهاست.» چرا که:

۱. حسود تمام یا بیشتر نیروهای خود را به جای صرف در پیشرفت خود و دیگران صرف نابودی خود و دیگران می‌کند.

۲. حسد انگیزه قابل توجهی از جنایاتی چون قتل، و تجاوز و جنگهاست.

۳. حسد اثرات بسیار نامطلوبی بر

جسم و روان حسود دارد.

ب. زندانی کردن روح

امام علی علیه السلام فرمود: «الْحَسَدُ حَبْسُ الرُّوحِ؛^۲ حسد زندانی کردن روح (در جهنم حسودی) است.»

ج. سوختن ایمان با جهنم حسودی

نه تنها حسود جامعه را نابود و به آتش حسودی می‌سوزاند؛ بلکه امور معنوی همچون ایمان را نیز به آتش کشیده و نابود می‌سازد.

امام علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛^۳ حسد همانند آتش که هیزم را می‌خورد، ایمان را می‌خورد.»

د. بیچارگی دنیا و آخرت

جهنم سوزان حسادت تمام سرمایه دنیوی و آخرتی انسان را نابود کرده، در هر دو دنیا انسان را بی‌چاره می‌کند. امام علی علیه السلام فرمود: «ثَمَرَةُ

۲. همان، ص ۲۹۹، ح ۶۷۹۰.

۳. الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۱. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد تبمیمی آمدی، ص ۳۰۰، ح ۶۸۰۳.

الْحَسَدِ شِقَاءُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ نتیجه حسودی بدبختی در دنیا و آخرت است.»

۶. جهنم ترس

قبلاً اشاره شد که یکی از ریشه‌های ترس، بدگمانی به قدرت و رحمت بی‌پایان الهی است. ترسیدن از گناهان، آینده، ازدواج، فقر، دشمن، امتحان و... ریشه در بدگمانی به خدا و ضعف نفس دارند.

بسیاری از جوانان ما با این که کار و کاسبی معمولی دارند؛ ولی زیر بار ازدواج نمی‌روند، از ترس اینکه نکند از پس خرج زندگی برنیایند و یا کم بیاورند، این در واقع نوعی بدگمانی و باور نکردن وعده‌های خیر خداوند است.

امام علی علیه السلام فرمود: «شِدَّةُ الْبُحَيْنِ مِنْ عَجْزِ النَّفْسِ وَضَعْفِ الْيَقِينِ»^۱ شدت ترس ریشه در ضعف روح، ناتوانی و

کم بودن یقین [به باورهای دینی] دارد.»

۷. جهنم ناکامی

ریشه تمام گناهان «دنیاطلبی» و «زیاده‌خواهی» است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَأَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ»^۲ محبت دنیا ریشه تمامی معصیتها و آغاز هر گناهی است. «دنیا به گونه‌ای است که هیچ‌گاه انسان از آن سیر نمی‌شود و به هر مرتبه آن که می‌رسد، مراتب بالاتر را آرزو می‌کند؛ لذا همیشه احساس ناکامی دارد.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَرْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ»^۳ مثال دنیا مانند آب (شور) دریا است؛ هر مقداری که

۲. مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، مکتبه الفقیه، قم، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۱؛ و تنبیه‌الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. تحف‌العقول، علی بن شعبه حرّانی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، تحقیق علی اکبر غفّاری، ص ۳۹۶.

۱. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، ص ۲۶۳، ح ۵۶۶۲.

تشنه از آن بنوشد، تشنه تر می شود، تا آنجا که او را از پا درمی آورد.» این تشنگی همان ناکامی است که همیشه در دنیاپرستان و اهل معصیت وجود دارد و سرانجام همین ناکامی ها عامل نابودی آنان خواهد شد.

روایت دیگری این ناکامی را با تمثیل زیباتری به تصویر کشیده است. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «تَمَثَّلِ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ عليه السلام فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زُرْقَاءَ فَقَالَ لَهَا كَمْ تَزَوَّجْتِ فَقَالَتْ كَثِيرًا قَالَ فَكُلُّ طَلْفِكَ قَالَتْ لَا بَلْ كُنَّا قَتَلْتُ قَالَ الْمَسِيحُ عليه السلام فَوَيْحٌ لِّأَزْوَاجِكِ الْبَاقِيْنَ كَيْفَ لَا يَغْتَبِرُونَ بِالْمَاضِيْنَ؟! دنیا به صورت زن (زیبای) کبود چشم (و یا چشم گربه ای) برای حضرت مسیح علیه السلام ظاهر شد. حضرت به او فرمود: چند بار ازدواج کرده ای؟ گفت: بی شمار. فرمود: همه (شوهران) تو را طلاق دادند؟ گفت: نه، همه را کشتم.

حضرت مسیح علیه السلام فرمود: وای بر همسران آینده ات که چگونه از گذشتگان عبرت نمی گیرند! تشبیه زیبایی است. همان گونه که در عرف جوان ناکام به کسی می گویند که ازدواج نکرده، به عروسی نرسیده از دنیا رفته است، دنیا و معاصی نیز مانند عروس زیبایی جلوه گر می شود و تمام شوهران خویش را ناکام جوانمرد می کند؛ لذا هرگز شخص دنیاطلب، کامروایی نخواهد داشت؛ بلکه همیشه ناکام خواهد بود.

بررسی یک مصداق عینی

گناه «بی حیایی در نگاه و پوشش» جهان را فرا گرفته و در داخل کشور نیز گوشه و کنار شهرها، خصوصاً کلان شهرها جلوه گر شده است، فعلاً به دنبال تحلیل اصل مسئله و کم و کیف آن در جامعه و یا بررسی شیوه برخورد با این پدیده شوم

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۷۸، ص ۳۱۱.

ناراحت) خواهد بود، و کسی که لحظه‌هایش با رنج سپری شود، به آه حسرت دائمی گرفتار می‌شود.؛ چون با نگاه، دل می‌رود، و دل هر جا رفت، به این راحتی برگشتنی نیست و همانجا می‌ماند، و اگر به وصل نرسد، احساس ناکامی می‌کند.

«ویل دورانت» می‌گوید: «زنی [و مردی] که عاشق شد [بر اثر نگاه...] و معشوق خود را از دست داد [و یا به او نرسید] ممکن است این گم‌شده برایش جبران ناپذیر باشد، او روح خود را به تصویر خاصی پیوسته است و هر جا برود، خاطراتش او را دنبال می‌کند.»^۳

آری، آزاد بودن نگاه و نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی در معاشرتهای بی‌بندوبار و دور از حیا،

نیستیم، فقط به جهنمهایی که این گناه برای جامعه، خصوصاً جوانان بوجود آورده است به اجمال اشاره می‌کنیم:

۱. حسرتِ ناکامی

هر کس نگاه حرام و بی‌حیایی دارد، قطعاً هوسهای زیادی داشته و به فکر زلف‌پریشانهای بسیاری است که همه آنها قابل دسترسی نخواهند بود؛ لذا دائماً خود را نسبت به آنچه بر اساس نگاه و ادامه آن هوس کرده، ناکام می‌داند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْزَنْتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً؛^۱ چه بسیار نگاهی که حسرت [و ناکامی] دائمی را در پی دارد.»

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ أَطْلَقَ نَظْرَهُ أَتَعَبَ حَاضِرُهُ، مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتِهِ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ؛^۲ هر کس چشم خویش را آزاد گذارد، همیشه در رنج (و

۳. لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، نشر دانشجویی، تهران، چ هشتم، ۱۳۷۳ش، ص ۱۴۰.

۱. کافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۵۵۹، ح ۱۲.
۲. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۸، ح ۳۳؛ میزان‌الحکمه، ری شهری، ج ۱۰، ص ۷۴.

هیجانها و التهابهای جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای ارضای شهوت را به صورت یک عطش روحی و خواست اشباع نشدنی درمی‌آورد. به قول استاد مطهری^۱:

«غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند و عمیق و دریا صفت است و هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد، هم‌چون آتشی که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ورتر می‌شود.»^۱

در گذشته پادشاهان بسیاری حرم‌سراهای گسترده‌ای داشتند. مثلاً متوکل عباسی ۴۰۰۰ کنیز، الحاکم بالله ۱۵۰۰ کنیز، شاه عباس حداقل ۴۰۰ زن، شاه سلیمان ۸۰۰ زن و...؛ اما هیچ‌گاه حسن تصرف و تمکک زیارویان در وجود آنان اشباع نشد.^۲

۱. مسئله حجاب، مرتضی مطهری، صدرا، قم، چاپ چهل و دوم، ۱۳۶۴ ش، ص ۸۳.
 ۲. ر. ک: جوان و روابط، ابوالقاسم مقیمی حاجی، مرکز مطالعات حوزه، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۴.

استاد مطهری می‌گوید: «هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. و از طرفی تقاضای نامحدود و خواه ناخواه انجام نشدنی و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت در دست نیافتن به آرزوها است و به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری روانی می‌گردد که امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می‌خورد.»^۳

این حسرتها و ناکامیها تا لحظه مرگ، انسان را رها نمی‌کند. به این حکایت توجه شود:

به شخص ثروتمندی که در حال احتضار بود کلمه شهادتین تلقین می‌کردند، او به جای آن می‌گفت:

يَا رَبُّ فَاِنَّكَ وَقَدْ تَعَبْتَ
 اَيْنَ الطَّرِيقِ اِلَى حَمَامٍ مَنجَابٍ

۳. مسئله حجاب، مرتضی مطهری، ص ۸۷.

«کجا رفت آن زنی که از رفتن خسته شده بود و راه حمام منجاب را می پرسید؟»

و راز قضیه این بود که روزی زن عقیقه و خوش صورتی از این مرد راه حمام منجاب را پرسید، او به منزل خود اشاره کرد و گفت: حمام این جا است. آن زن به خیال حمام وارد خانه شد و آن مرد فوراً در را بست و تقاضای کار خلاف عفت کرد. زن که فهمید گرفتار شده است، تدبیری اندیشید و گفت: من نیز به این کار به شدت رغبت دارم؛ ولی بدنم کثیف و بدبو است و به شدت گرسنه، مقداری عطر و غذا آماده کن بعد من در اختیارت هستم. مرد که این اشتیاق را دید، مطمئن شد و به سرعت دنبال عطر و غذا بیرون از منزل رفت. زن پاکدامن نیز از فرصت استفاده کرد و پا به فرار گذاشت. وقتی مرد برگشت، جز حسرت سهم او نشد و در حال

جان دادن به جای شهادتین، قصه آن روز را به شعر درآورده و می خواند.^۱

۲. ترس و اضطراب

نگاه‌هایی که به ارتباط مخفی منجر شده، ولی به ازدواج نرسیده است، همیشه - خصوصاً در دختران و زنان - این ترس و نگرانی را به وجود می آورد که نکند این رابطه پنهانی بعد از ازدواج با فرد دیگر، افشا و آشکار گردد و سبب بروز مشکلاتی در زندگی جدید او شود.

این نگرانی و تشویش، اثرهای مخربی بر بهداشت روانی او می گذارد و چه بسا با فاش شدن روابط گذشته، زندگی اش نیز از هم می پاشد و یا مجبور به انجام کارهای خلاف دیگری می شود؛ به عنوان نمونه به این مورد توجه شود: «دختر جوانی که به تازگی ازدواج کرده است، در

۱. منازل الآخرة، شیخ عباس قمی، مؤسسه انصاری، دوم، ۱۳۸۰ش، ص ۲۵، با تلخیص و تغییر.

دختر و پسری که قبل از ازدواج با افراد زیادی ارتباط داشته است، به هنگام ازدواج، به هر دختر و پسری که نظر کند، می‌پندارد او نیز با پسرها و دخترهای متعددی ارتباط داشته و پاک و عقیف نیست.

حال اگر جوانی با تجربه‌های ارتباطی خلاف قبل از ازدواج، بخواهد کانون عشقی برپا کند و خانواده‌ای تشکیل دهد، اولین مشکل بعد از رهایی از ناکامی گذشته، آرامش روانی بر باد رفته‌ای است که با سوء ظن و بدگمانی به جهنمی سوزان تبدیل شده است.

«ویل دورانت» می‌گوید: «... مرد، نگران و مضطرب است که مبادا کسی پیش از او زنش را تصرف کرده باشد؛ ولی این نگرانی و اضطراب در زن کم‌تر است.»^۲

و همچنین ترس دارد که نکند آن ارتباطات همچنان ادامه داشته باشد؛

نامه‌ای می‌نویسد: من با پسری قبل از ازدواج دوست بودم؛ اکنون که ازدواج کرده‌ام، آن پسر مرا تهدید می‌کند که یا خواهر شوهرت را برای دوست شدن با من آماده کن و یا این‌که من مسائل مربوط به دوستی میان تو و خود را افشا خواهم کرد.»^۱

از این نامه به خوبی روشن می‌شود که آرامش روانی و زندگی چنین دخترانی به خطر افتاده و همیشه با ترس و نگرانی زندگی می‌کنند و سرانجام ممکن است برای نجات خویش دست به کارهای خطرناک دیگری بزنند.

۳. سوء ظن و ظن سوء

هر کس در نگاه و روابط خود بی‌حیا باشد، دائماً به دیگران حتی به شریک زندگی خود نسبت به داشتن چنین گناهی ظن سوء دارد. آری،

۱. تحلیل تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، دکتر علی اصغر احمدی، سازمان انجمن اولیاء و مربیان، تهران، چ پنجم، ۱۳۷۸ش.

۲. لذات فلسفه، ویل دورانت، ص ۱۳۶.

مقایسه تزلزل در زندگی، احتمال ناکامی، نزاع و طلاق را بدنبال می‌آورد.

یکی از محققان کشور در این رابطه می‌گوید: «در جامعه‌ای که روابط آزاد و اختلاط [و رابطه‌ای بی‌حیایی] رایج بوده و جلوه‌گری‌ها و فرهنگ برهنگی و بدحجابی حاکم باشد، زن و مرد به هر سوی و هر کس نگاه کنند، همواره در زندگی در حال مقایسه‌اند. مقایسه‌ای میان آنچه دارد و آنچه ندارد و این مقایسه‌ها هوس را دامن می‌زند و خانواده را در معرض نابودی قرار می‌دهد. زنی که سالها در کنار شوهر و با مشکلات با او زندگی کرده، پیداست اندک اندک بهار چهره‌اش شکفتگی خود را از دست می‌دهد و روی در خزان می‌گذارد و در چنین حالی است که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است؛ اما

لذا به شدت رفتارهای یکدیگر را زیر ذره‌بین قرار می‌دهند. باز «ویل دورانت» می‌گوید: «فساد پس از ازدواج، بیشتر محصول عادات پیش از ازدواج است... (که) در زیر عوامل سطحی طلاق، نفرت از بچه‌داری و میل به تنوع‌طلبی، نهان است. گرچه از همان آغاز میل به تنوع در بشر بوده است؛ ولی امروزه به سبب اصالت فرد در زندگی لذت و تعدد محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی، ده برابر گشته است.»^۱

و متأسفانه این بدگمانی به صورت ملموس در نسل جدیدی که روابط دور از حیا داشته‌اند، مشاهده می‌شود.

۴. مقایسه چشم و هم‌چشمی

هر کس در ارتباط و نگاه بی‌حیا باشد، دائماً در حال مقایسه شریک زندگی خود با دیگران است که این

۱. لذات فلسفه، همان، صص ۹۴ و ۹۷.

دژ مستحکم من است؛ هر کس در آن وارد شود، از عذاب من [در هر دو دنیا] در امان خواهد.» و بعد از چند قدم فرمود: «بَشْرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شَرْوِطِهَا؛^۲ البته همراه با شرایط [توحید] و یکی از آن شروط (ولایت من) است.»

این حدیث نشان می‌دهد که توحید با تمام ابعادش و پذیرفتن رهبری الهی؛ یعنی همان امامت دوازده امام علیهم‌السلام حصار محکمی است که انسان را از جهنم دنیوی و آخرتی در امان نگه می‌دارد.



ناگهان زن جوان‌تری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار و اداره و مدرسه با پوشش نامناسب خود، فرصت مقایسه‌ای به دست می‌دهد و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده.^۱

نتیجه‌گیری

حسن ختام سخن را این نکته قرار می‌دهیم که چه کنیم از جهنم دنیوی و آخرتی نجات پیدا کنیم؟ تنها راه نجات این است که به دامن بندگی خدا پناه ببریم که بهشت امن الهی، امنیت و آرامش واقعی اینجاست. پس باید دور گناهان و دستورهای خلاف دین را خط گرفت.

حضرت رضا علیه‌السلام در حدیث معروف «سلسلة الذهب» فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ کلمه توحید (و بندگی خدا)

۲. التوحید، ابوجعفر صدوق، مؤسسة النشر الاسلامی، به تحقیق سید هاشم حسینی، قم، ۱۳۵۷ ش، ص ۲۵، ح ۲۳.

۱. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، انتشارات سروش، تهران، چ هفتم، ۱۳۷۶ ش، ص ۷۰.



علیرضا وزیری

بخش چهارم

نوآوری و خلاقیت

خلاقیت، نوآفرینی است، نه بازآفرینی. انسانهای خلاق از خود می‌پرسند که از چند راه می‌توانم به این مسئله بنگرم؟ چگونه می‌توانم راه جدیدی را برای نگرشی نو بیابم؟ از چند روش می‌توانم برای حل این مسئله استفاده کنم؟ چنین خلاقانی، پاسخهایی متفاوت، نامتعارف و بی‌پیشینه می‌یابند. آنان نه فقط راه‌های مشهور برای حل یک مسئله، بلکه

همه راه‌های ممکن برای حل آن را می‌کاوند. آنان می‌توانند حتی بدون توجه به اندیشه‌های پیشین، راه‌های جدیدی را برای اندیشیدن بیافرینند؛ راه‌هایی که منحصر به خود آنان است و تقلیدی از روشهای مجرب گذشته نیست.

اگر ما همواره مانند گذشته بیندیشیم، معمولاً به همان نتایج به دست آمده در گذشته می‌رسیم و این نتایج هم به مرور زمان، کهنه و

نادلپذیر می‌شوند و در هم‌آوردی با دستاوردهای اندیشه‌های رقیب از میدان کارآیی بیرون می‌روند. ما باید توانایی سرشار خود را در تولید ایده‌های متنوع و احتمالات پایان‌ناپذیر شکوفا کنیم و از اندیشه بازآفرینی به آفرینشگری منتقل شویم و برای این جهش شوق‌انگیز، باید به هر چیزی از زوایای مختلف بنگریم؛ نه از زاویه یا زوایای معروف و مألوف پیشین. با هر نگاه از زاویه‌ای جدید، به جنبه‌ای از جنبه‌های یک چیز پی می‌بریم و به شناخت بهتر و ژرف‌تری از آن می‌رسیم که با نگاه‌های تکراری و رایج نمی‌توان به آن فهم و شناخت رسید.

آپدایک می‌گوید: «هنرمند، چیزی را در این جهان خلق می‌کند که قبلاً وجود نداشته است و البته این کار را بدون نابودکردن چیزی انجام می‌دهد. هنوز هم فکر می‌کنم جادوی اصلی و

اساس لذت هنر در همین است.»^۱
 «هنرمند باید عمیق‌تر از دیگران ببیند، عمیق‌تر بشنود، عمیق‌تر احساس، لمس، درک و فهم کند؛ راه‌های نپیموده را برود و از زاویه‌ای که پیش از او کمتر به موضوع و ماده کارش نگریسته شده است به آن نگاه کند. تنها در آن صورت است که می‌تواند چیزی تازه از درون هستی، خود و طبیعت استخراج کند که پیش از آن استخراج نشده است... او نباید هیچ چیز را طبیعی و تکراری بینگارد؛ باید به هر کس و پدیده‌ای چنان نگاه کند که گویی برای اولین بار است آن را می‌بیند... و این دیدن را از طریق قرار گرفتن در متن حادثه و درآمیختن با آن، عمق ببخشد. آن‌گاه است که در میان همین جریانها و پدیده‌های - از نظر دیگران - معمولی

۱. فن داستان‌نویسی، ص ۲۶۷.

از این ویژگیها اشاره می‌شود:

۱. نوآوری و دوستدار زندگی

نویسندگان خلاق، انسانهایی نوآور، دوستدار زندگی و مظاهر آن و پذیرنده واقعیتهای زندگی‌اند؛ قدرت لذت بردن از همه واقعیتهای را دارند؛ توقعاتشان معقول است و اهل شکایت نیستند؛ دلشادند؛ وقت را غنیمت می‌شمارند و احساس هیجان عجیبی به رسالتشان دارند؛ از تلاش برای تحویل لذت می‌برند.

۲. کنجکاوی و افزون‌طلبی علمی

نویسندگان موفق کنجکاو و افزون‌طلبی علمی دارند؛ اما به حدی توانایی خود واقف‌اند؛ در عین تلاش برای رسیدن به اهدافشان، از اهداف خود رهاوند و به اهداف خود وابسته نیستند و در فضای «رهایی» تنفس می‌کنند؛ در بزرگراه دانش، خط پایانی برای خود نمی‌بینند؛ خود را از تحسین و برتری‌طلبی بی‌نیاز می‌بینند؛ بیشتر یادگیرنده‌اند تا یاددهنده؛

زندگی، چیزهایی خواهد دید و کشف خواهد کرد که بقیه، متوجه آن نشده‌اند.^۱ در نوشته‌های چنین نویسنده‌ای، تازگی و طراوت را می‌توان به وضوح دید. «هنگامی که بوی طراوت و تازگی در یک نوشته انتشار یابد، خواننده از برخی کاستیهای آن چشم‌پوشی می‌کند. همواره خوانندگان به نوگرایی صحیح و اصولی بها می‌دهند و رنجهای یک پژوهنده تکاپوگر و نویسنده مبتکر را ارج می‌نهند.»^۲

الف. ویژگیهای نویسندگان خلاق و نوآور

نویسندگان خلاق از منظر ما، معمولاً ویژگیهای متنوعی دارند که منحصر به عرصه نویسندگی‌شان نمی‌شود؛ بلکه تمام ابعاد زندگی‌شان را پوشش می‌دهد؛ در ادامه به برخی

۱. الفبای قصه‌نویسی، ج ۱، ص ۴۶.

۲. بر ساحل سخن، ص ۱۸۳.

شکارچی ماهر فرصتها هستند؛ در پیگیری علایق و کشف اطلاعات، از پرسش و کاوش، واهمه‌ای ندارند و خودشان را دوست دارند.

۳. خوش‌خو و دارای انگیزه رشد

نویسندگان پیشرو، با خود، خوشخویند و همه لحظات زندگی خود را دوست داشته، انگیزه رشد دارند و در نتیجه از تمام لحظات زندگی خود به خوبی استفاده می‌کنند؛ پرانرژی‌اند و به خواب کمتری نیاز دارند؛ هیجان زندگی، آنان را فعال و سالم نگه می‌دارد. آنان اعجازگر لحظه حال و عاشق کار و زندگی‌اند و با کسالت و افسردگی بیگانه‌اند و بلکه در هر انجمنی حضور بیابند، افسردگی و کسالت را می‌زدایند. همچنین موقعیت‌شناس و موقعیت‌سازند و هر رویدادی را به فرصتی تبدیل می‌کنند.

۴. نقدپذیری و صداقت در ابراز نظر

نویسندگان خلاق از شکست

نمی‌ترسند و آن را پلی برای پیروزی می‌سازند؛ واجد ارزشهای درون‌زا و از قضاوت‌های دیگران رهايند و از این جهت نفوذناپذیرند؛ آزمونگر بسیاری از مسائل زندگی‌اند و شادی پرکارانه‌ای دارند. آنان در ابراز نظر، صادق‌اند و دیگرپذیری صادقانه‌ای دارند و ویژگی‌های شخصیتی تعالی‌بخش را در خود پرورش می‌دهند.

۵. انسجام فکری و نظم در امور

نویسندگان خلاق، فکری منسجم دارند؛ اما از قالب‌های محدودکننده فکری رهايند؛ قائل به حق انتخاب برای همه‌اند؛ تحکم‌گریزند؛ منظم و نظیف‌اند؛ اما در نظم و نظافت، وسواسی نیستند؛ زندگی واقع‌بینانه‌ای دارند؛ شرایط تغییرناپذیر را می‌پذیرند؛ فکر و تخیل شخصی خلاقانه‌ای دارند؛ اعمالشان، صحیح اما فرادستوری و مبتنی بر تشخیص

خودشان است.

۶. استفاده از تمامی لحظات زندگی

آنان در لحظه حال، زندگی می‌کنند؛ عاشق تجربه ناشناخته‌ها هستند و به دور از انتظاراتی راکد، از تمامی لحظات زمان حال، لذت می‌برند؛ لذت زمان حال را به آینده مبهم و نیامده موکول نمی‌کنند و در نتیجه، سرگرم دستاوردهای لحظه جاودانی اکنون‌اند.

۷. عدم نیاز به تأیید و رأی دیگران

نسبت به خودشان

آنان از تأیید دیگران بی‌نیازند؛ بدون تأیید و تحسین دیگران هم قادر به انجام وظایف خودند؛ از آرای دیگران درباره خودشان فارغ‌اند؛ با قطب‌نمای هدایتگر درونشان حرکت می‌کنند و به ارزشیابی دیگران واقعی نمی‌نهند؛ صراحت صادقانه‌ای دارند؛ فاقد امیال افراطی و آمال نامعقول‌اند؛ قادر به عمل بر اساس خواسته‌های درونی خودند.

۸. استقلال داشتن و دوری از

وابستگی و روابط

آنان مستقل و از علاقه هر کس بی‌نیازند؛ در عین وفاداری و علاقه‌مندی به خانواده و دوستان و دیگر انسانها، مستقل بودن را از وابستگی در روابط، برتر می‌دانند؛ ارزشهای خویش را به دیگران تحمیل نمی‌کنند؛ به خلوت خود بسیار ارج می‌نهند و در حفظ آزادی خود مصرند؛ وابستگی زیانبار خود و دیگران را بر نمی‌تابند و دوست دارند که هر کس خودش باشد و مستقل.

۹. داشتن روحیه‌ای شاد و

شادی‌آفرین

نویسندگان موفق شاد و شادی‌آفرین‌اند؛ خشک و عبوس نیستند؛ دوستدار نظم پریشان و طبیعی‌اند، نه نظم دستوری. شوخی غیر خصمانه و ناکینه‌توزانه‌ای دارند و بامردم می‌خندند، نه به مردم؛ گاه به اراده خود انتخاب می‌کنند، حتی اگر

حال، راحت و بی‌مشغله ذهنی می‌خواهند؛ چرا که قادر به ایجاد تغییرات مثبت‌اند بدون اینکه درگیر مبارزات بیهوده شوند.

۱۱. حافظ سلامتی روح و جان خود

آنان در برابر بیماریها تسلیم نمی‌شوند؛ حافظ سلامتی خود هستند؛ تغذیه خوبی دارند؛ ورزش می‌کنند؛ با روش زندگی آشنايند و دوستدار «خوب زندگی کردن»‌اند؛ کاملاً مثبت، سازنده و باصداقت‌اند؛ دروغ را تحریف واقعیت شخصیت خود می‌دانند؛ بی‌مکر و ریا همیشه بیانگر واقعیتها هستند؛ اهل ملامت نیستند؛ از درون هدایت می‌شوند و در هدایت خود، مسئولیت‌پذیرند و چون پرکارند، فرصت سرزنش دیگران را ندارند.

۱۲. حافظ ارزشهای فرافردی

نویسندگان کارآمد ارزشهای فرافردی و متعلق به بشریت دارند؛ خود را جزئی از کل بشریت می‌دانند؛

مخالف رأی همه باشد؛ قادر به نادیده انگاشتن مقررات بی‌فایده، به ویژه درباره نویسندگی‌اند؛ عاری از تظاهرند و برخورد معقولی با رسوم جامعه دارند؛ دید نافذی به رفتار دیگران دارند؛ مشکلات توان‌فرسا آنان را از پا در نمی‌آورد؛ به خود بصیرت دارند؛ ذکاوت و فراستی دارند که اغلب می‌توانند منظور دیگران را از رفتارشان دریابند.

۱۰. دوستدار طبیعت

نویسندگان خلاق به طبیعت به دیده اعجاز می‌نگرند و آن را ارج می‌نهند و دوستدار طبیعت بکرنند؛ عاشق مظاهر طبیعت‌اند؛ طبیعی و غیرتصنعی‌اند؛ با خدا و دنیا آشتی‌اند و قادر به زندگی انسانی‌اند؛ حتی به کهنه‌ها و یکنواختیهای تکراری برای دیگران هم ارج می‌نهند و به آنها به گونه‌ای دیگر می‌نگرند؛ درخط مقدم جبهه تحول اجتماعی‌اند، در عین

تازه برداشتن، کلامی تازه گفتن، این است آنچه مردم از آن می‌هراسند.^۲ به عقیده بعضی، برخی از نویسندگان نوآور چنان‌اند که قابل تقلید نیستند و این شگفت‌انگیز است. فرانسوا رنه شاتو بریان می‌نویسد: «نویسنده نوآور، آن نیست که از تقلید دیگران سر باز می‌زند؛ بلکه آن است که هیچ‌کس نمی‌تواند از او تقلید کند.»

ب. راهکارهای خلاقیت

راهکارهای خلاقیت بسیارند؛ اما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. بزرگ‌سازی

متن یک سخنرانی ۵ دقیقه‌ای را بخوانید و سپس در آن تفکر کنید و به اندازه ۵ دقیقه دیگر، مطلب از خودتان به آن بیفزایید؛ به گونه‌ای که با نگاه به آن [سخنرانی ۵ دقیقه‌ای] از

قهرمان‌ناپرستاند و از شخصیتها بت نمی‌سازند؛ دارای تفکر «برنده-برنده» هستند و سخت سرگرم بودن و زیستن‌اند؛ با مسائل و مشکلات، برخوردی درست دارند و به نحوه برخورد با مسائل پیش‌رویشان در زندگی حساس‌اند و سازنده و شکوفاگر خود و دیگران‌اند.

هرکدام از نویسندگان خلاق، کمابیش، از این ویژگیها^۱ برخوردارند، و تقویت مجموعه این صفات در خود، به علاوه ویژگیهای دیگری که در اینجا بیان نشده، می‌تواند نویسنده‌ای اَبَرخلاق و تاریخ‌ساز پدید آورد.

از آنجا که مردم، دشمن چیزی‌اند که نمی‌دانند، با نوآوران نیز به طور طبیعی، دست به گریبان می‌شوند. فئودور داستایوسکی می‌گوید: «گامی

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: پرورش خلاقیت،

بیژن علیپور و علی شمیس.

۲. راه هنرمند، ص ۱۷۶.

شخصیتها و حوادث داستان چگونه برخورد می‌کردید و با بودن شما در این داستان، دوست داشتید داستان یا رمان، چه ساختار جدیدی پیدا کند؛ همان ساختار جدید را روی شخصیتها، حوادث، صحنه‌ها و کل رمان یا داستان کوتاه اعمال کنید. اگر شما به جای فلان شخصیت دداستانی بودید، چه می‌کردید؟ بنویسید!

۴. احتمال‌سنجی

این نویسنده، اگر این مطلب را این‌گونه که شما الآن می‌نویسید، نوشته بود، بهتر نبود؟

۵. تعدیل

مطلبی را از نویسنده‌ای بخوانید و با بررسی استدلالهای او، استدلالهایش را به وضوح هرچه بیشتر تبیین کنید، یا استدلالهای قوی‌تری برای مطلب مورد نظر نویسنده بیاورید، یا با استدلالهای زیباتر و متقن‌تری نظر آن نویسنده را نقد کنید.

زاویه جدید، زوایای ناگفته آن را کاویده و تکمیل کرده باشید و بنویسید.

به نظر شما چه سخن دیگری درباره فلان مطلب - که فلان نویسنده نوشته است - می‌توان گفت؟ به نظر شما چه نکات دیگری می‌توان بر تفسیرهای این آیه افزود که پذیرفتنی هم باشد؟

۲. کوچک‌سازی

از زاویه دید خود شما، کدام یک از مطالب این مقاله یا این جمله قابل حذف است (خواه از جهت قالب مقاله و جمله، و خواه از لحاظ محتوایی)؟ چه مطلبی بهتر، معقول‌تر، مطلوب‌تر و رساتر است و می‌توان جایگزین مطالب قبلی کرد؟

۳. جان‌شینی

یک داستان کوتاه یا رمان بخوانید و بعد فکر کنید اگر شما به جای قهرمان این داستان یا رمان بودید، چگونه نقشی ایفا می‌کردید و با دیگر

۶. تبیین ذوقی

اعتقادی مخالفید، مطالبش را با تغییر و تصرف، متناسب با عقاید خودتان در آورید و بنویسید.

اگر مطلبی را که می‌خوانید، به نظر شما بسیار زیباست، بنویسید که چرا از نظر شما زیباست؟ دلایل زیبایی‌شناسانه خود را بنویسید و اگر نازیباست نیز چرایی‌اش را بنویسید.

۱۰. اقتباس

با دقت، مطالبی را از نویسنده‌ای بخوانید و کلیات آن را به خاطر بسپارید. اکنون آن را کنار بگذارید و از زاویه نگاه خود، و با تفسیر و برداشت شخصی خود، مطلبی را با همان حال و هوا اما جوشیده از قلم و ذهن خود بنویسید که شاید نظیر همان مطلب باشد؛ ولی از خودتان.

۷. تلخیص و تکمیل

متنی را بخوانید و از خود پرسید که «آیا بهتر نبود نویسنده، مطلب را این قدر طول و تفصیل نمی‌داد؟» حالا شما مطلب او را تلخیص و در عین حال، از جنبه محتوایی تکمیل کنید و به عنوان یک مطلب جدید ارائه کنید با استناد به اینکه در اصل مطلب، تغییر و تصرف کرده‌اید.

۱۱. تلاقی

به مکانهای مختلف طبیعی، صحرا، دریا، دشت، آبشار و... بروید و به جاذبه‌های بینایی، بویایی، چشایی، شنوایی و نیز افکاری که بر اثر ملاقات با طبیعت به ذهنتان می‌آید، دقت کنید، بیندیشید و سعی کنید احساس و افکارتان را بنویسید.

۸. زیباسازی

جمله‌ای را بخوانید و سعی کنید ببینید می‌توانید همان مفهوم را با واژه‌ها و جملاتی زیباتر، رساتر و پذیرفتنی‌تر بیان کنید؟

۱۲. پرسشگری

اگر در حل مسأله‌ای از مسائل

۹. تغییر

اگر شما با نویسنده‌ای از نظر

زندگی مانده‌اید یا مایلید درباره آن مطلب بنویسید، ابتدا آن را به صورت یک سؤال کلی درآورید و سپس با نگاه به این مسأله و سؤال کلی، از زوایای مختلف، به تفکر در ابعاد گوناگون آن پردازید و پرسشهای جزئی‌تری (از قبیل چرا؟ چه موقع؟ چه کسی یا کسانی؟ چگونه؟ چه استفاده‌های دیگری؟ و...) مطرح کنید و با تقویت قدرت تصویرسازی ذهنی، پاسخهایی به آن سؤالات بدهید و بعد مجموعه پرسشها و پاسخهایتان را به طور منظم و منسجم، از نو ساماندهی کنید و با مطالعات خود در زمینه‌های مرتبط با آن پرسشها و پاسخها، مقاله‌ای کوتاه تألیف کنید.

۱۳. نوچینی

انسان به طور طبیعی، تنوع طلب بوده، از یکنواختی ناخرسند است و دوست دارد با دستکاری در پدیده‌ها،

پدیده‌های جدیدی خلق کند یا به ترکیب جدیدی برسد. می‌توانید با پدید آوردن دگرگونی در نظم و ترتیب پدیده‌ها و ایجاد چینشی نو، تغییرات خاصی را پدید آورید و نتایج، افکار و احساسات ناشی از آن را بنویسید. «به عنوان فردی خلاق باید تغییر نظم و ترتیب برای شما به صورت عادت درآید و در هر حرکت، احساس و رفتار، تغییرات مختلف را بررسی و بهترین نوع تغییر را اعمال کنید.»^۱

«یک نویسنده با جابه‌جا کردن شخصیت‌های داستان می‌تواند از یک داستان کسالت‌آور، داستانی هیجان‌انگیز بسازد. در بحث نظم و ترتیب، این قاعده را در نظر بگیرید که «اگر جای علت و معلول را عوض کنیم، چه می‌شود؟»؛ مثلاً به جای اینکه بگویید: «چون موفق نیستم، آدم

۱. پرورش خلاقیت، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

را سیاه، فریاد را در سالن مطالعه و سکوت را در اوج درد تصور کنید و آن‌گاه آنچه را به ذهنتان می‌رسد بنویسید و این‌گونه عمل کردن و تصویرسازی را بهانه‌ای برای تمرین نویسندگی قرار دهید.

۱۵. تجزیه و تحلیل (سنفنز)

افکار را با هم ترکیب کنید و ببینید چه نتیجه‌ای به دست می‌آید. با افزودن یک شخصیت به این داستان و دادن نقش ویژه به او، نتیجه داستان به کجا می‌انجامد؟ «بیشتر ایده‌ها ترکیبی از ایده‌های دیگر یا شکل تغییر یافته آنهاست. به همین علت است که ادعا می‌شود تجزیه و تحلیل (سنفنز)، یکی از ثمربخش‌ترین مراحل خلاقیت است. هر چه بیشتر تجزیه و تحلیل کنیم، می‌توانیم به ترکیبات بهتری دست یابیم. احتمال بیشتری وجود دارد که اجزایی را بیابیم که با ترکیب آنها با یکدیگر و تبدیل به

بداخلاق و عبوسی هستم - که قضاوتی غیرمنطقی است - بگویید: «چون بداخلاق و عبوس هستم، موفق نیستم.» برخی با عوض کردن علت و معلول، و درگیر کردن خود با افکار غیرمنطقی، خود را فریب می‌دهند. شما با تغییر صحیح در جایگاه علت و معلول، می‌توانید نتایج را بررسی کنید و بهانه نوشتن خود قرار دهید.^۱

۱۴. وارونه و معکوس کردن

در این راهکار، شما هر چیز را وارونه در نظر می‌گیرید، بالا را پایین و پایین را بالا تصور می‌کنید، نقشها را معکوس در نظر می‌آورید، می‌توانید فیلمی آموزنده را ببینید و بعد با عوض کردن نقش بازیگران در ذهنتان، نتیجه این تصور را بنویسید. همچنین می‌توانید از قاعده تضاد استفاده کنید. شب را روز تصور کنید و روز را شب، سیاه را سفید و سفید

۱. همان، ص ۱۳۸ (با اندکی تغییر).

۱۷. جان‌بخشی به طبیعت

یکی از شیوه‌های تازگی، طراوت و لذت‌بخشی نوشته، جان‌بخشی به طبیعت و اشیاست؛ به این صورت که اشیای بی‌جان را موجود زنده و انسان‌واره تلقی کنیم و زبان حال آدمی را از زبان آن شیء بی‌زبان به زبان و قلم بیاوریم.

محمدرضاشافیعی کدکنی می‌نویسد: «یکی از زیباترین صور خیال، تصرفی است که ذهن نویسنده در اشیا و عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش، به آنها حرکت و جنبش می‌بخشد و در نتیجه، هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیا می‌نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی، حیات و حرکت است.»^۴

ایده‌های جدید، راه حل مطلوب را پیدا کنیم»^۱ حتی شما می‌توانید موضوعات به ظاهر نامربوط به همدیگر را ترکیب کنید تا نتیجه‌ای را ببینید که دیگران نمی‌توانند ببینند. داوینچی با ایجاد رابطه بین صدای زنگ و سنگی که در آب می‌افتد، توانست کشف کند که صدا مثل موج حرکت می‌کند.

۱۶. جزئی‌نگری

«ادبیات از جزئیات آغاز می‌کند و تمام زیبایی‌اش هم در همین جزئی‌نگری‌هایش نهفته است.»^۲ ایزابل زیگلر می‌نویسد: «نویسنده اگر فاقد توجه خاص به جزئیات است، باید آن را به دست آورد.»^۳ جزئی‌نگری سبب توجه ژرف‌تر و خلّاقیت بیشتر می‌شود.

۱. همان، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۲. هر اتاقی مرکز جهان است، ص ۱۸۶.

۳. هنر نویسندگی خلّاق، ص ۱۳.

۴. بر ساحل سخن، ص ۱۷۱، به نقل از: صور

خیال در شعر فارسی، ص ۱۵۱، آگاه، ۱۳۵۸.

جان اشتاین بک، نویسنده آمریکایی، به زادگاه خویش، کالیفرنیا، خیلی علاقه داشت و شهرها، دهکده‌ها، کوه‌ها و رودخانه‌های کالیفرنیا را به طور مفصل در آثار و نوشته‌های خود توصیف می‌کرد و با استفاده از تجربیات تلخ و شیرینی که از آن مناطق در زندگی خود اندوخته بود، با توانایی خاصی لحظه‌های پرفراز و نشیب زندگی محرومان و رنجدیدگان را با طراوت و نشاط ویژه‌ای به تصویر می‌کشید.

درباره آثار وی گفته‌اند که «نوشته‌های او جنبه شاعری دارد و مانند نقاش ماهری است که در نوشته‌های خاموش خویش به صحنه‌های طبیعت، جان می‌بخشد. از جمله آثار او می‌توان به مراتع بهشتی، به خدایی ناشناخته، دره دراز، خوشه‌های خشم، موشها و آدمها، شب تاریک، بمبها را رها کنید، ماه

پنهان است، تابستان نارضایی ما اشاره کرد.»^۱

اکنون به یک نمونه از جان بخشی به اشیا و طبیعت، نگاهی می‌افکنیم: «سال سختی بود. آسمان، بی‌ابر و بی‌باران شده بود. هر بامداد، خورشید، بی‌رحمانه می‌تابید. هر شامگاه، ماه بی‌شرم می‌درخشید. مردم ایل از خنده ستارگان به جان آمده بودند. گریه ابر می‌خواستند، از روشنایی ماه و آفتاب بیزار بودند، ابر می‌خواستند، ابر تیره و تار، ابر ظلمانی و سنگین و پیچان، ابر جواهرریز و گوهرزا...»^۲

همان‌گونه که می‌بینیم بی‌رحم و بی‌شرم بودن، خندیدن و گریستن از حالات انسانی است که نویسنده به خورشید، ماه، ستارگان و ابر نسبت داده است و در نتیجه؛ تازگی، طراوت

۱. زندگی‌نامه معروف‌ترین نویسندگان و شعرای

جهان، ص ۱۳ (با اندکی تغییر).

۲. اگر قره قاچ نبود، محمد بهمین بیگی.

و روح دیگری به نوشته بخشیده است.

گاهی نیز به انسان‌نگاری حیوانات و گیاهان و نباتات و جمادات می‌پردازند و از زبان آنها حالات درونی، افکار و رفتارهای آدمی را بیان می‌کنند که به نوشته، لطافت و جذابیت ویژه‌ای می‌بخشد؛ مثل برخی از قصه‌های کلیله و دمنه و یکصد قصه از تولستوی و نوشته‌های دیگری از این دست.^۱

۱۸. خوش‌آهنگی و خوش‌تراشی

نوشته

کلمات یک متن باید به گونه‌ای کنار هم قرار گیرند که صدای خواننده، بی‌اختیار به جنبش و تحرک بیاید و گاه زیر و گاهی زبر شود. البته نوع نوشته و موضوع و سبک آن در گزینش این آهنگ، بسیار نقش دارد؛

مثلاً برای نوشته‌های عارفانه و عاشقانه باید آهنگی نرم و لطیف و برای نوشته‌های حماسی باید از آهنگی هیجان‌انگیز و شورآفرین بهره جست.

خوش‌آهنگی، خوش‌تراشی و دلنشینی یک نوشته، در گرو آشنایی وسیع با لغات، ترکیبات و تعبیرات ادبی متنوع است. «خواندن زیاد و حفظ شعرهای خوب، باعث زیبایی و غنای نثر شما می‌شود و به طور غریزی، با ارزش‌های تصویری و موسیقایی کلمات، همخوانی و ناهماهنگی حروف و واژه‌ها با هم و نظایر اینها، بهتر و عمیق‌تر آشنا می‌شوید. این کار، دایره لغات ذخیره شده را در ذهن شما وسعت می‌بخشد، خیال شما را امکان پرواز بیشتر می‌دهد احساسات شما را تلطیف می‌کند، روانی خاصی به ذهن و قلم شما برای بیان مقصود می‌دهد

۱. بر ساحل سخن، ص ۱۹۱.

و...»^۱

«در ادبیات، تنها وسیله انتقال فکر و احساس، کلمات هستند. نویسنده - اگر مسلط بر زبان باشد - در به کارگیری هر کلمه، ترکیب، تعبیر، تشبیه، حرف اضافه، حرف ربط و... و حتی هر علامت نگارشی، منظوری خاص دارد. او به وسیله هر یک از این انتخابها می‌خواهد فکر، احساس یا تصویر خاصی را به خواننده اثرش منتقل کند. هر کلمه، بار عاطفی و احساسی خاصی دارد.»^۲ نوشته‌اند که قآنی از شعرایی است که زیاد لغت می‌دانسته و در اشعار خود - که از نظر توصیف بسیار غنی است، به کار می‌برده و این، خود، تسلط او را بر لغات کاملاً آشکار کرده است.^۳

مهدی سهیلی، شاعر معاصر

۱. الفبای قصه‌نویسی، ج ۱، ص ۵۶ و ۵۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۱.

۳. زندگی‌نامه معروف‌ترین نویسندگان و شعرای

جهان، ص ۵۸ (با اندکی اضافات).

ایرانی، «با قدرتی خاص، کلمات خوش‌تراش را در قالب سخن ریخته است و به این سبب، زبان شعر او در میان شاعران، زبانی ممتاز است. او ۳۷ جلد، آثار دارد. از آثارش می‌توان اشک مهتاب، طلوع محمد، عقاب، لحظه‌ها، صحنه‌ها و د رخاظر منی را نام برد.»^۴

وی در شعری دل‌انگیز با عنوان

«شاعر کیست؟» چنین می‌گوید:

شاعر، آن است که شعر از دل او برخیزد
برگ و بار غم شعر از گل او برخیزد
دردمندی‌ست که چون لب بگشاید به سخن
نغمه سوختگان از دل او برخیزد
گل برآرد ز گلستان سخن در بر جمع
عطر عشق و هنر از محفل او برخیزد
سفر او سفر جذبه و عشق است و مدام
شور صد قافله از منزل او برخیزد
بذر اندیشه چو باشد به در و دشت خیال
خوشه‌های هنر از حاصل او برخیزد
اوست دریای معانی که به هر موج کلام
صد هزاران صدف از ساحل او برخیزد

۴. همان، ص ۴۶.

معصومین علیهم السلام، تمثیلهای، حکایت‌های آموزنده، اشعار، طنزها، کنایه‌ها، صنایع ادبی، استعاره‌ها، تشبیه‌ها و... در جای خود به خوبی استفاده و متن را غنی کنیم. رهی معیری می‌گوید:

نه دل، مفتون دلبندی، نه جان، مدهوش دلخواهی
 نه برمژگان من اشکی، نه برلبهای من آهی
 نه جان بی نصیبم را پیامی از دلارامی
 نه شام بی فروغم را نشانی از سحرگامی
 نیابد محفلم گرمی، نه از شمعی نه از جمعی
 ندارد خاطر من الفت نه با مهری نه با ماهی
 اکنون با خواندن این شعر زیبا
 درنگ کنید و ببینید چه احساس نویی
 به شما دست داد؟

۲۰. فرافرم‌اندیشی

یکی از موانع نویسندگان نوپا این است که می‌پندارند در آغاز نویسندگی مجبورند در چهارچوب اصول و قواعد از پیش کشف شده نویسندگی حرکت کنند؛ درحالی که این اندیشه، کشنده‌ترین قاتل استعداد نویسندگی است. برعکس، نوابغ، کسانی‌اند که قاعده‌گریزند. یکی از

دلبر است آنکه به جان شعله زند وقت نگاه
 شاعر آن است که شعر از دل او برخیزد
 درباره شکسپیر نوشته‌اند که
 «حُسن نمایشنامه‌هایش، بیشتر در این
 است که شاعرانه نوشته و جملاتش
 بسیار خوش‌آهنگ و دلنشین است.»^۱

۱۹. تنوع‌بخشی

حس تنوع‌طلبی آدمیان می‌طلبد که نوشته‌مان به تناسب هدف و مخاطبانمان سرشار از عناصر تنوع‌بخش باشد تا برای مخاطبان، دلنشین و جذاب باشد. برای این منظور باید در نوشته‌مان به موضوعات از زوایای مختلف بنگریم.^۲ از آیات قرآنی، روایات

۱. همان: ص ۴۸.

۲. درباره شیوه نویسندگی یکی از نویسندگان نوشته‌اند که «شیوه او نگرش به ابعاد موضوع از زاویه‌های مختلف است. او با نوع نگاه کردن و تصویرکردنی - که به تکنیک سینما نزدیکی دارد - می‌کوشد حس را به مدد تمثیل، تصویر کند»: نویسندگان پیشرو ایران، محمدعلی سپانلو، ص ۱۱۲.

نویسندگان می‌گویند: «نبوغ، قاعده بر نمی‌دارد.»^۱ نویسنده‌ای این عبارت را از تولستوی نقل می‌کند که «باید را از پشت نام نویسنده بردارید» و بعد می‌گوید: «من به این اعتقاد دارم؛ یعنی در واقع چهل سال پیش، من این عبارت را خوانده‌ام و با آن زندگی کرده‌ام... ادبیات در واقع در ذاتش، فراتر رفتن است، برای همین است که من همیشه با گونه‌های مختلف ادبیات در حالت صلح و آشتی زندگی کرده‌ام.»^۲

همچنین برخی از علاقه‌مندان به نویسندگی می‌پندارند که برای موفقیت در نویسندگی حتماً باید در رشته ادبیات، درس خوانده باشند؛ ولی تجربه نشان داده است که بیشتر نویسندگان موفق، رشته‌شان ادبیات نبوده است. کورت وون گات می‌گوید: «علت موفقیت من این بود که فارغ‌التحصیل رشته ادبیات نبودم؛ بلکه در دانشگاه، شیمی می‌خواندم و در ضمن، نویسندگی هم می‌کردم. چیزهای خوبی هم می‌نوشتیم. اگر

نویسندگان می‌گویند: «نبوغ، قاعده بر نمی‌دارد.»^۱ نویسنده‌ای این عبارت را از تولستوی نقل می‌کند که «باید را از پشت نام نویسنده بردارید» و بعد می‌گوید: «من به این اعتقاد دارم؛ یعنی در واقع چهل سال پیش، من این عبارت را خوانده‌ام و با آن زندگی کرده‌ام... ادبیات در واقع در ذاتش، فراتر رفتن است، برای همین است که من همیشه با گونه‌های مختلف ادبیات در حالت صلح و آشتی زندگی کرده‌ام.»^۲

«بیشتر نویسندگان، ابتدا نویسندگی را شروع کرده‌اند و بعد، آموخته‌های پیشین خود را با مطالعه فرمها و تئوریا تکمیل کرده‌اند. کسی بر اثر آشنایی با تئوریا لزوماً نویسنده خوب و توانایی نخواهد شد. مهم در

۱. همان، ص ۳۱ (به نقل از: کتاب امروز، کریم امامی، ۱۳۵۳).

۲. هر اتافی مرکز جهان است، ص ۱۵۷.

۳. اقتباس از: همان، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

ادبیات می‌خواندم، استادم نگاهی به داستانهای کوتاه می‌انداخت و به خاطر استعدادم، از من تعریف و تمجید می‌کرد و بعد یادم می‌داد که چگونه افرادی نظیر جویس و همینگوی، عناصر داستان کوتاه را به کار می‌گرفتند؛ یعنی در واقع مرا و می‌داشت تا با بزرگ‌ترین نویسندگان دوران رقابت کنم و بعد فاتحه نویسندگی من خوانده شد.^۱ پس نه در چارچوب قواعد بمانید و نه تسلیم ایده تخصص‌گرایی در ادبیات شوید.

از همان شروع نویسندگی، «باید»‌های تحمیلی مرسوم را در نویسندگی نادیده بگیرید تا بتوانید پیش‌تر بروید. البته «اطلاع‌داشتن از نظریه‌های جدید به طور کلی خوب است؛ ولی اسیر نظریه‌ها شدن، قاتل استعداد است. درست است که ادبیات

از تئورها کمک می‌گیرد؛ ولی بالاتر از تئورهاست. همین الان هم شما می‌توانید یک شاهکار بیافرینید که در هیچ یک از این تئورها نگنجد... .
بیش از اینکه تئوریسینها بیایند یا محققین تئوری از شما ایراد بگیرند، شما خلاقیت را ارج بنهید و شخصیت‌هایی خلق کنید که به حافظه ملی سپرده شود... . یک سلسله محقق یا تئوریسین بودند که روی آثار موجود کار می‌کردند و آن را تئوریزه می‌کردند. بعدها مسئله دیکتاتوری منتقدان یا دیکتاتوری نظریه‌پردازان پیش آمد، مثل یک حزب، مرام‌نامه دادند که ادبیات باید این طور باشد. در واقع یک نوع دیکتاتوری، که شاعر یا نویسنده بی‌اجازه نتواند کار کند. ظاهراً قضیه این است که محقق یا نظریه‌پرداز در واقع از خود ادبیات جاری تغذیه می‌کند و لذا تئوری

۱. فن داستان‌نویسی، ص ۱۹.

کار دخالت نمی‌کنند، کار نوشتن، آسان‌تر هم می‌شود. تکنیک، نمایانگر مهارت و هنرنامه نویسنده است. نویسنده باید دارای قوه قضاوت عینی در مورد اثرش باشد.^۲

میلتن لوماسگ هم می‌گوید: «یادتان باشد که نویسندگی، شیوه مشخصی ندارد. هرچه هست، شیوه شماست و بس.»^۳ به همین سبب هم «باید یادتان باشد که در کار نویسندگی، جاده‌های زیادی به موفقیت منتهی می‌شود و به لحاظ روانی، خوب نیست که نویسنده‌ای همیشه از شیوه کار خود تمجید، و روش کار دیگران را تقبیح کند.»^۴ گئی تالس می‌گوید: «به نظر من رمز موفقیت نویسندگان به اصطلاح

نمی‌تواند جلوتر از ادبیات و پیش‌پیش^۵ برود. نتیجه پیش‌پیش‌رفتن، بن‌بست‌هایی است که به وجود می‌آید... شما می‌توانید پس از انجام کارتان، آخرین نظریه‌های ادبی را بخوانید و کارتان را ویرایش کنید، نه اینکه تئوریه‌ها مانعی بر سر راه خلاقیتتان شوند.»^۱

فاکتر می‌گوید: «در کار نویسندگی، هیچ شیوه مکانیکی و لایتغیری وجود ندارد. در اینجا راه میان‌بری وجود ندارد. اگر نویسندگان جوان ما در کارشان از قاعده و نظریه خاصی پیروی کنند، حماقت کرده‌اند. از اشتباهات درس بگیر. مردم فقط از طریق خطاهاشان چیز یاد می‌گیرند. هنرمند خوب، همواره در صدد است تا از پیشکسوتها جلو بیفتد... از یک نظر وقتی شیوه‌های تکنیکی و فنی در

۲. از روی دست رمان‌نویس، ص ۵۹ و ۶۰ (با تلخیص).

۳. فن داستان‌نویسی، ص ۱۶.

۴. همان، ص ۱۷.

۱. هر اتاقی مرکز جهان است، ص ۱۸۳-۱۸۵ (با اندکی تصرف).

موفق، تواضع است.»^۱

۲۱. ساده، صریح و روشن نویسی

هیچ نویسنده‌ای مجبور نیست به گونه‌ای بنویسد که همه، نوشته‌های او را بفهمند؛ چون چنین چیزی ممکن نیست؛ اما هر نویسنده‌ای باید پیش از شروع به نوشتن، مخاطبان مورد نظر خود را مشخص کند و آن‌گاه با توجه به ذهنیت، درک، تحصیلات و عقلانیت آنان به گونه‌ای بنویسد که آن مخاطبان خاصش خوب بفهمند و درک کنند. البته اگر مخاطب خاص نویسنده‌ای عموم مردم باشند، باید به گونه‌ای بنویسد که بیشتر مردم اهل مطالعه بفهمند.

درباره اقبال لاهوری، نویسنده مشهور پاکستانی، نوشته‌اند که «اقبال سعی داشت ساده، صریح و روشن با مردم کم‌سواد و معمولی ارتباط

برقرار کند»؛^۲ یعنی گستره وسیع مخاطبانش را در نظر می‌گرفت و برای آنان می‌نوشت.

پیچیده و مغلق نویسی به گونه‌ای که حتی مخاطبان خاصمان هم با نوشته‌مان ارتباط برقرار نکنند و آن را نفهمند، نوعی نقض غرض است؛ چون هدف از نوشتن، برقراری ارتباط با آنان است، وگرنه چه لزومی به نوشتن بود؟ آسیموف می‌گوید: «می‌کوشم تا صرفاً ساده بنویسم و خوش اقبالی من این است که چنان واضح می‌اندیشم که نوشته‌ام همچون اندیشه‌ام به شکلی رضایت‌بخش در می‌آید.»^۳

دشوار نویسی باعث بی‌توجهی مخاطبان به نوشته می‌شود. درباره

۲. زندگی‌نامه معروف‌ترین نویسندگان و شعرای جهان، ص ۱۵.

۳. www.daneshju.ir به نقل از:

ranginnama.blogfa.com

۱. همان، ص ۲۷.

اوحد الدین محمد انوری، یکی از بزرگ‌ترین شاعران قصیده‌سرای ایران، نوشته‌اند که «وی در قصیده‌سازی و غزلسرای توانا بوده است؛ ولی به علت دشواری فهم اشعارش، کسی به اشعار او توجه لازم نمی‌کند.»^۱ البته سادگی نوشته، غیر از سطحی بودن آن است.

سادگی و روانی اثر، تأثیر خوبی بر خواننده می‌گذارد. فخرالدین اسعد گرگانی، از شاعران قرن پنجم و معاصر سلطان طغرل سلجوقی «به علوم دینی و حکمت آشنا بود. اشعار او بسیار روان و ساده است و خواننده احساس می‌کند که شاعر، حقاً او را ادا کرده و همین باعث اعتبار او گشته است.»^۲

زبان شعر فریدون مشیری نیز زبانی ساده است؛ به گونه‌ای که برای بسیاری از مخاطبان، قابل فهم است. از آثار او می‌توان تشنه طوفان، گناه دریا، ابر و کوچه، ابر، بهار را باور کن، و پرواز با خورشید را نام برد. «اشعار دهخدا نیز ساده و واجد شیوه‌ای تازه و دلنشین است. درباره همینگوی نوشته‌اند که سادگی نثر وی به گونه‌ای بود که به قول ویلیام فاکنر، خواننده، نیازی به مراجعه به کتاب لغت نداشت و شاید این نکته، همان کلید حل معمای ترجمه فراوان و گاهی تکراری آثار همینگوی در کشور خودمان باشد.»^۳

۲۲. مختصرنویسی

از قدیم گفته‌اند که «کم گوی و گزیده گوی چون در» و زمانه ما بیش از هر زمان دیگری به این

۱. زندگی‌نامه معروف‌ترین نویسندگان و شعرای

جهان، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۵۳.

۳. از روی دست رمان‌نویس، ص ۱۳۲.

هستند که به مطالعه مطالبی می‌پردازند که هیچ فایده‌ای به حالشان ندارد و فقط وقت آنها را تلف می‌کند و فهمیدن اینکه دانستن همه چیز لازم نیست، پختگی و تجربه ویژه‌ای می‌طلبد؛ از اینرو رنه کوتی می‌نویسد: «عمری تلف کردم تا بفهمم فهمیدن همه چیز لازم نیست.»



گزیده‌گویی محتاج است. در عصر ما - که عصر انفجار اطلاعات است - نوشته‌های زیادی، خوانده نمی‌شود؛ بلکه برای سبزی‌پیچ کردن (!) و دیگر کاربردهای غیرمطالعاتی استفاده می‌شود؛ چرا که خوانندگان حوصله خواندن مطالب بسیار طولانی و توضیحات اضافی و بی‌فایده را ندارند و از این رو اورهان پاموک می‌نویسد: «تلاش برای توضیح همه چیز، نوعی بلاهت است.»^۱ آلفرد کورن می‌گوید: «سعی کن عادت کنی مोजز بنویسی.»^۲ مختصرنویسی هم امری نسبی است و نمی‌توان معیاری دقیق برایش تعیین کرد و به نسبت موضوعات مختلف، متفاوت می‌شود. البته فقط چنین نیست که عده‌ای مطالب بی‌فایده بنویسند، کسانی هم

۱. مقاله «درد نوشتن»، ترجمه صفدر تقی‌زاده.

۲. فن داستان‌نویسی، ص ۲۶.



برخی از نشانه‌های رستاخیز

در قرآن و روایات

یاسر جهانی پور

۲. رخدادهایی که مایهٔ به هم خوردن نظام آفرینش می‌گردد که بیشتر آنها در سوره‌های تکویر، انشقاق و انفطار و زلزال وارد شده است.

ما در این مقاله به بیان این دو قسم از اَشْرَاطُ السَّاعَةِ می‌پردازیم.

تعریف

«شَرَطٌ» به معنای نشانه و جمع آن «أَشْرَاطٌ» می‌باشد و اَشْرَاطُ سَاعَتِ، یعنی: نشانه‌های قیامت.^۱ مراد از

در لسان علما به پیروی از قرآن، مسئله‌ای است با عنوان «أَشْرَاطُ السَّاعَةِ» که مقصود از آن علایم و نشانه‌های رستاخیز است. علایم رستاخیز به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱. حوادثی که پیش از وقوع قیامت و قبل از به هم خوردن نظام آفرینش در حالی که انسانها در روی زمین زندگی می‌کنند، رخ می‌دهد و کلمه اَشْرَاطُ غالباً به این قسم رخدادها اطلاق می‌شود.

۱. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن راغب

اشراف ساعت، علایم و نشانه‌هایی است که از نزدیک بودن قیامت خبر می‌دهد.

این تعبیر از قرآن گرفته شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا»^۱ «هر آینه نشانه‌های قیامت آشکار شده است.»

بخشی از این نشانه‌ها در قرآن کریم و برخی دیگر در احادیث معصومین علیهم‌السلام آمده است و ما به اختصار هر دو را بررسی می‌کنیم.

نشانه‌های قیامت در قرآن

در قرآن کریم حوادثی به عنوان نشانه‌های قیامت ذکر شده که دلالت برخی از آنها صریح و روشن است، اما دلالت برخی دیگر در آن حد از وضوح نیست. این نشانه‌ها عبارتند از:

۱. بعثت پیامبر گرامی اسلام

خدای سبحان می‌فرماید: «فَهَلْ

يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ»^۲ «آیا آنها [کافران] جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرا رسد [آن‌گاه ایمان آورند]، در حالی که هم‌اکنون نشانه‌های آن آمده است؛ اما هنگامی که بیاید تذکر [و ایمان] آنها سودی نخواهد داشت.»

این آیه در مقام نکوهش مشرکان می‌گوید: آنها ایمان نمی‌آورند و تنها منتظر آنند که به ناگاه قیامت فرا رسد تا ایمان آورند؛ لکن ایمان آوردن در آن هنگام، سودی نبخشد و آنگاه که قیامت به ناگاه برپا شود، مجال برای تذکر، پند گرفتن و حرکت به سوی خدا وجود نخواهد داشت. مشرکان باید بدانند که قیامت گرچه برپا نشده، ولی نشانه‌ها و علایم فرا رسیده و بر آنان است که پند گیرند.

«بسیاری معتقدند منظور از

→ اصفهانی، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق

ص ۴۵۰

۱. محمد / ۱۸.

۲. همان.

اقوام وحشی یا جوج و مأجوج بر آنان شود. ذو القرنین با تلاش فراوان به وسیله پاره‌های آهن، ساختن سد را، میان دو کوهی که در مسیر حرکت یا جوج و مأجوج قرار داشت، آغاز کرد و سرانجام آن را به اتمام رسانید و پس از ساخت سد چنین گفت:

«هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُمْ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا»^۳
 (این از رحمت پروردگار من است، اما هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را درهم می‌کوبد و وعده پروردگارم حق است.)

۳. پدیدار شدن دود در آسمان

یکی دیگر از نشانه‌های رستاخیز، پدیدار شدن دود در آسمان است؛ قرآن کریم پیرامون این نشانه می‌فرماید: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ * يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا

«أشراطها» در آیه مورد بحث، بعثت پیامبر اسلام ﷺ است، به شهادت حدیثی از خود آن حضرت که می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّمَا بُعِثْتُ أَنَا وَالسَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ قَالَ ثُمَّ ضَمَّ السَّبَّاحَيْنِ»^۱ ای مسلمانان بعثت من با قیامت مانند این دو انگشتم توأم است و سپس دو انگشت سبابة خود را کنار هم قرار داد.»

بعضی مسئله «شق القمر» و پاره‌ای دیگر از حوادث عصر پیامبر ﷺ را نیز جزء "اشراف الساعه" شمرده‌اند.^۲

۲. متلاشی شدن سد و خروج یا جوج و مأجوج

در قرآن کریم آمده است: ذوالقرنین در مسیر حرکت خود به قومی رسید که از او خواستند برایشان سدّی بسازد تا مانع از هجوم آوردن

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲. ر. ک: تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، ج ۲۱، ص ۴۴۹.

۳. کهف / ۹۸.

۴. نزول مسیح

از دیگر نشانه‌های رستاخیز، نزول حضرت مسیح علیه السلام است. قرآن کریم به این نکته اشاره دارد و می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳ «او نشانه بر روز قیامت است. [نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است]، هرگز در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.»

در تفسیر مجمع البیان آمده که: نزول حضرت عیسی علیه السلام - در دوران رجعت - جزء نشانه‌های قیامت است که به وسیله آن فهمیده می‌شود ساعت قیامت نزدیک است.^۴

طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸، ص ۱۳۷؛ الدرّ المشور، جلال الدین سیوطی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۲۸.

۳. زخرف/۶۱.

۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۶۵.

مُؤْمِنُونَ»^۱ «منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد و همه مردم را فرا می‌گیرد. این عذاب دردناکی است. [می‌گویند:] پروردگارا! این عذاب را از ما برطرف کن که ایمان آورندگانیم.»

علامه طباطبایی علیه السلام می‌فرماید: «بعضی گفته‌اند: دخان مذکور در این آیه از علامتهای قیامت است که هنوز محقق نشده، و قبل از قیام قیامت محقق می‌شود. و دود در گوشه‌های مردم داخل می‌شود، به طوری که سرهایشان مانند سر گوسفند بریان می‌گردد، اما مؤمنین تنها دچار زکام می‌شوند، و زمین تمامیش مانند خانه‌ای بدون روزنه می‌شود که در آن آتش افروخته و دود به راه انداخته باشند. زمین چهل روز چنین حالتی به خود می‌گیرد.»^۲

۱. دخان/۱۰ - ۱۲.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز در روایتی می‌فرماید: «فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ تَعَالَ صَلُّ بِنَا فَيَقُولُ أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةَ اللَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ»^۱ پس عیسی بن مریم فرود آید و گوید امیر خلیق که مهدی است بیا و بر ما نماز بگذار، به‌درستی که برخی از شما بر برخی دیگر امیر هستید و این لطف خداوند در حق این امت است.»

۵. بیرون آوردن جنبنده‌ای از زمین

آنچه از آیات قرآن کریم و برخی روایات به‌دست می‌آید، این است که یکی دیگر از نشانه‌های رستاخیز، بیرون آمدن جنبنده‌ای از زمین است؛ چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ

النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»^۲ «هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد [و در آستانه رستاخیز قرار گیرند]، جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنها تکلم می‌کند و می‌گوید: مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند.»

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «یکی از نشانه‌های قیامت همین است. گفته‌اند: هیچ مؤمنی و منافقی نمی‌ماند، مگر اینکه از این جنبنده مطلع می‌شود. شبی بیرون می‌آید که مردم به سوی منی می‌روند.

برخی گفته‌اند: این جنبنده هنگامی خارج می‌شود که کار آنها به جایی رسد که هیچ یک از آنها رستگار نشوند.

برخی گفته‌اند: در وقتی که قیامت نزدیک شده و عذاب آنها را فرا گیرد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که

۱. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی اربلی، نشر بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. نمل/۸۲.

پرداختن به آنها مجال وسیع تری را می‌طلبد؛ لکن در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. از خدیفة بن اسید غفاری نقل شده است که گفت: در حال گفتگو بودیم که پیامبر خدا ﷺ ما را دید، و فرمود: درباره چه گفتگو می‌کنید؟ گفتیم: درباره قیامت. آن حضرت فرمود: «إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ السَّاعَةَ حَتَّى تَرَوْا قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَالدَّجَالِ وَدَابَّةِ الْأَرْضِ وَثَلَاثَةَ خُسُوفٍ تَكُونُ فِي الْأَرْضِ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَخَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَخُرُوجِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخُرُوجِ يَأْجُوجَ وَمَاجُوجَ وَتَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَعْرِ الْأَرْضِ لَا تَدْعُ خَلْقَهَا أَحَدًا تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ»^۲

شما قیامت را نمی‌بینید مگر آنکه پیش

مردی به عمار یاسر گفت: آیه‌ای در کتاب خدا قلبم را فاسد کرده است. عمار پرسید: کدام آیه؟ گفت: این آیه: «أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً» مقصود از دابۀ زمین چیست؟ عمار گفت: به خدا نمی‌نشینم و نمی‌خورم و نمی‌نوشم تا به تو نشان دهم. عمار با آن مرد نزد علی عليه السلام آمد. حضرت مشغول خوردن خرما و سرشیر بود؛ فرمود: بیا. عمار نشست و با حضرت مشغول خوردن شد. آن مرد تعجب کرد. وقتی که عمار برخاست، آن مرد گفت: سبحان الله! تو قسم خوردی که نخوری و نوشی مگر اینکه آن دابۀ را به من نشان دهی. عمار گفت: اگر عقل داری به تو نشان دادم.^۱

نشانه‌های قیامت در روایات

در موضوع نشانه‌های قیامت، روایات متعددی نقل شده است که

۲. خصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ش، چاپ اول، ج ۲، ص ۱۷۵.

۱. ر. ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، ج ۱۸، ص ۱۴.

أُخْرِجْنَا لَهُمْ ذَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ
النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»^۱ «هنگامی
که فرمان عذاب آنها رسد [در آستانه
رستاخیز قرار گیرند]، جنبنده‌ای را از
زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با
آنان تکلم می‌کند [و می‌گوید] که
مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند.»

با توجه به این آیه و قرینه لفظ
«تکلمهم» معلوم می‌شود مراد از «دابة»
انسان است نه حیوان، چرا که با مردم
سخن می‌گوید و سخن گفتن، با
حیوان تناسبی ندارد. مؤید این مطلب
روایتی از امام صادق علیه السلام است در
پاسخ به فردی که گفت: عامه مردم
لفظ «تکلمهم» را به معنای «جرح»
می‌دانند! و امام علیه السلام فرمودند: «كَلَّمَهُمْ
اللَّهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ إِذْ مَا هُوَ تُكَلِّمُهُمْ مِنْ
الْكَلَامِ وَاللَّيْلُ عَلَى أَنْ هَذَا فِي الرَّجْعَةِ
قَوْلُهُ: ﴿وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ

از آن ده نشانه ببینید: طلوع خورشید از
مغرب، دجال، جنبنده، و سه فرو
رفتگی در زمین، یکی در مشرق و یکی
در مغرب و یکی هم در جزیره العرب
و خروج عیسی بن مریم و یاجوج و
ماجوج و در آخر الزمان آتش از سوی
یمن از قعر زمین خارج می‌شود تا هیچ
کس را پشت سر خود نمی‌گذارد و
مردم را به سوی محشر سوق می‌دهد.»

معنای دابة الأرض:

در اینکه یکی از نشانه‌های آخر
الزمان، خروج «دابة الارض» است در
نزد علمای شیعه و سنی اختلافی
نیست؛ لکن در ماهیت آن اختلاف
است؛ برخی بر این باورند که لفظ
«دابة» به «حیوان» اشاره دارد، اما این
قول صحیح نیست و معنای صحیح
آن این است که مراد از «دابة»، انسان
است؛ چنانچه خداوند در قرآن کریم
می‌فرماید: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ

يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ^۱؛ سخن گوید با آنها (کسانی که لفظ «تکلم» را به معنای «جرح» حمل کرده‌اند) خداوند در جهنم (آنها را به آتش بیندازد)؛ به درستی که تکلم از کلام است و دلیل بر آن، کلام خداوند متعال است که می‌فرماید: (به‌خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند، محشور کنیم؛ و آنها را نگه داریم تا به یکدیگر ملحق شوند!

بنابراین مرا از «دابة الأرض»، انسان است؛ اما در اینکه این انسان چه کسی است، روایات مختلفی وجود دارد و پرداختن به آنها بحث مستقلی را می‌طلبد.

۲. ابن عباس از پیغمبر گرامی

اسلام ﷺ در داستان حجة الوداع نقل کرده، می‌گوید: با پیامبر اسلام ﷺ در «حجة الوداع» بودیم. حضرت، حلقه در خانه کعبه را گرفت و رو به ما کرده، فرمود: «آیا شما را از "اشراط الساعة" آگاه کنم؟» و سلمان در آن روز از همه به پیامبر ﷺ نزدیک‌تر بود و عرض کرد: «آری، ای رسول خدا.» آن حضرت ﷺ فرمود: «از نشانه‌های قیامت تضييع نماز، پیروی از شهوات، تمایل به هواپرستی، گرمی داشتن ثروتمندان، فروختن دین به دنیا است، و در این هنگام است که قلب مؤمن در درونش آب می‌شود، آن چنان که نمک در آب، از این همه زشتیها که می‌بیند و توانایی بر تغییر آن ندارد.» سلمان گفت: آیا چنین امری واقع می‌شود ای رسول خدا؟

فرمود: «آری، سوگند به آن کس که جانم به دست او است، ای سلمان!

۱. نمل/۸۳.

۲. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۵۳.

دیدگاه قرآن مجموعه جهان آفرینش
اجل معینی دارد و طبعاً پس از سپری
شدن آن، عمر جهان نیز سپری
می‌شود و مرحله نوینی از آفرینش
آغاز می‌شود. پیش از شروع این
مرحله جدید از حیات، نظام آفرینش
به هم خورده، تبدیل به نظامی نوین
متناسب با حیات مذکور می‌شود.



در آن زمان زمامدارانی ظالم، وزرایی
فاسق، کارشناسانی ستمگر، و امنایی
خائن بر مردم حکومت می‌کنند. در
آن هنگام زشتیها زیبا، و زیباییها
زشت می‌شود، امانت به خیانتکار
سپرده می‌شود، و امانتدار خیانت
می‌کند، دروغگو را تصدیق می‌کنند و
راستگو را تکذیب. در آن روز
حکومت به دست زنان، و مشورت
با بردگان خواهد بود، کودکان بر
منابر می‌نشینند، و دروغ، ظرافت، و
زکات، غرامت، و بیت المال، غنیمت
محسوب می‌شود...»^۱

نوع دوم از نشانه‌های قیامت

چنانکه پیش از این گفتیم خداوند
در مورد نشانه‌های وقوع قیامت به
تفصیل در قرآن سخن گفته است. از

۱. ر. ک، منشور جاوید، منشور جاوید، جعفر
سبحانی، مؤسسه سید الشهداء، تهران، ۱۳۶۹ش،
ج ۹، ص ۲۵۵.



اشاره:

در شماره گذشته (مبلغان ۱۴۵) موضوع «جنگ نرم» مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در آنجا پس از مباحثی همچون تعریف، مفهوم‌شناسی، تاریخچه و پیشینه جنگ نرم، به اهداف، ماهیت و چرایی آن نیز پرداخته شد؛ اکنون توجه مبلغان گرامی را به ادامه این موضوع جلب می‌کنیم.

اهمیت جنگ نرم

عمده اهمیت و حساسیت جنگ

نرم، این است که «در تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید و هوشیاری، لازم است»^۱ تا آدمی بتواند تاکتیکهای دشمن را شناسایی و خود را در برابر آن مجهز کند.

تاکتیکهای جنگ نرم

جنگ نرم از تاکتیکهایی همچون نافرمانی مدنی، مشروعیت‌زدایی،

۱. از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، مجتبی احمدی، ابوذر زارع درخشان و حسین همزاده ایبانه، کیهان، تهران، ۱۳۸۹ش، چاپ دوم، ص ۳۳.

۲. کتمان واقعیتها

تکریم واژه‌ها برای مخفی‌سازی واقعیت‌ها: مثل تکریم حقوق بشر و آزادی در تبلیغات رسانه‌ای، اما نقض عملی حقوق بشر و آزادی در غرب.

۳. شایعه‌سازی متناوب

شایعه‌پراکنی دربارهٔ مسائل مهم اما مبهم در موقعیتی که امکان دسترسی کامل به واقعیتها از منابع خبری معتبر موجود نباشد. در این صورت، ضریب نفوذ شایعه بیش‌تر می‌شود؛ شایعات گوناگونی با هدف تفرقه‌افکنی، هراس‌آوری، امیدبخشی، شعله‌ورسازی به شکل‌های خزنده، دلفینی یا غواصی، که به تناسب زمان، تولید و بعد از تأثیرگذاری، برای مدتی خاموش، و دوباره با ایجاد زمینه‌های ذهنی لازم در جامعه، ایجاد می‌شود.

۴. نهادینه‌کردن دروغهای ساختگی

تکرار دروغهای بزرگِ خودساخته تا آنجا که مخاطب، فریفته و مرعوب

بی‌اعتبارسازی، اعتمادزدایی از نظام، اختلاف‌افکنی، ناکارآمد جلوه دادن نظام، ایجاد نارضایتی، القای غم و یأس و وحشت، بحرانی جلوه دادن کشور^۱ ... در فازهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت بهره می‌جوید. برخی دیگر از تاکتیکهایی که در جنگ نرم استفاده می‌شود، عبارت‌اند از:

۱. بدنمایی تحریف‌گرانه

تحریف معنوی، واژه‌ها و انتساب آنها به کشورهای مخالف برای بدنام و بدچهره و بداندیشه جلوه دادن آنها، مثل معنای بد قائل شدن برای واژه بنیادگرایی و نسبت دادن آن به مسلمانان، و نیز معنای تروریسم‌دادن به مقاومت مشروع لبنان و فلسطین، و حمایت از تروریسم نامیدن «حمایت ایران از مقاومت»؛

۱. همان، ص ۲۱.

شود و سرانجام، آن را بپذیرد و به آن عادت کند. معروف‌ترین استفاده این تاکتیک در زمان آدولف هیتلر و به دست رئیس دستگاه تبلیغاتی نازیها، گوپلز بوده است. گوپلز می‌گوید: «دروغ هر چه بزرگ‌تر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است.»^۱

القای «دروغ بزرگ» تقلب در انتخابات و تکرار آن، ذیل این تاکتیک تعریف و توجیه می‌شود که سعی کردند ذهنیت عمومی جامعه ایرانیان را مشوش و اعتماد ملی را تضعیف کنند.

۵. فاجعه‌بار خواندن آینده

فاجعه‌بار جلوه دادن حوادث آینده بر اساس برآوردهای مغرضانه از وضعیت فعلی برای برانگیختن حساسیتهای مخاطب و سپس جلب توجه او به افکار مورد نظر خود.

۱. سایت تابناک، به نقل از: پوشش خبری، محمد سلطانی و شهناز هاشمی، انتشارات سیمای شرق، تهران، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۵.

۶. بزرگ‌نمایی کوچک‌نمایانه

بزرگ‌نمایی دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی خود و بسیار ناکام جلوه دادن مسلمانان برای تضعیف روحیه آنان در رویارویی با غریبان.

۷. توجیه‌سازی رعب‌انگیز در افکار عمومی

ایجاد ترس در دل مردم نسبت به مخالفان خود برای توجیه دشمنی و خشونت علیه آن مخالفان؛ مثل ترساندن مردم دنیا درباره وجود بمبهای هسته‌ای در عراق برای توجیه حمله آمریکا به این کشور (در افکار عمومی جهانی).

۸. شخصیت‌زدایی

ترور شخصیت (به جای ترور فیزیکی) با استفاده از شگردهای رسانه‌ای مثل طنز، شعر، کاریکاتور، کلیپ و... برای اهریمن‌سازی و وحشت‌آفرینی از آن شخصیت محبوب یا مشهور در افکار عمومی به منظور منفورسازی او و

شخصیت‌زدایی از وی.

۹. اثرگذاری سودجویانه

یعنی تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی جهانی و داخلی به نفع خواسته‌های خود.^۱

۱۰. مصادره مغرضانه مفاهیم مبهم

مصادره محتوای بسیاری از مفاهیم کلی مثل جهانی‌شدن، دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، بدون تعریف و توجیه واضح و روشن، و نشر آن مفاهیم کلی در رسانه‌های غربی برای اقناع مخاطبان در زمینه‌ای مشخص^۲ و رسیدن به اهداف خود در این زمینه.

۱۱. گزینش شایعه‌سازانه اخبار

حذف گزینشی بخشی از یک خبر منسجم و نشر بخش دیگر آن برای ایجاد سؤال و ابهام و زمینه‌سازی

برای خلق شایعات گوناگون در رسانه‌ها.

۱۲. اطلاع‌رسانی عطش‌آور

اطلاع‌رسانی تدریجی، مداوم، متناوب و نامنظم به مخاطب تا هر روز حساسیت او به یک پیام بیشتر شود و سرانجام در درازمدت پذیرای آن پیام شود.

۱۳. اثرگذاری با جاذبه‌های جانبی

استفاده از جاذبه‌های جنسی و جسمی برای اثرپذیری بیشتر مخاطب نسبت به پیام اصلی در پرتو آن جاذبه‌ها به ویژه در برنامه‌های ماهواره‌ای، تلویزیونی، گویندگی اخبار، مجلات گوناگون و آگهی‌های تجاری.

۱۴. ایجاد و القای اختلاف

ایجاد و القای وجود اختلاف و تفرقه در جامعه هدف و جبهه رقیب، برای تقویت گسسته‌های طبیعی قومیتی، مذهبی، نژادی، دینی، جنسیتی، زبانی و... در آنها تا مشغول

۱. اقتباس از مقاله «جنگ نرم با تأکید بر نقش رسانه‌ها» و سایت تابناک، و جنگ نرم، داوود رنجبران، ص ۱۳ و ۱۴.

۲. اقتباس از سایت تابناک، به نقل از: سید حسین محمدی نجم، فصل‌نامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۸۴ش.

مشکلات درونی شوند و از اقتدار، انرژی، مقبولیت و یکپارچگی شان کاسته شود. این تاکتیک به شدت مورد توجه بنگاه‌های خبری‌راکنی و استخبار جهانی در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران است و اخیراً بر شدت بهره‌گیری از آن افزوده‌اند.

۱۵. تنوع تاکتیکی

استفاده ترکیبی از انواع گوناگون تاکتیک‌های جنگ نرم برای ایجاد تصویر مورد انتظار در ذهن مخاطب.

۱۶. مدل‌سازی فکری خودفریبانه

این روش از روش‌های مهم در جنگ نرم است. در این شیوه، مخاطب به این نتیجه می‌رسد که باید این کار را انجام دهد و راهی جز این ندارد. این زمانی است که گزینه‌های مقابل او آن قدر محدود شود که هر چه را در دایره گزینش انتخاب کند، برای طرف مقابل، بُرد محسوب شود. ظاهراً تنوع هست؛ ولی راه گزینشی نیست.

مهم‌ترین و بالاترین سطح فریب، این است که فرد را به خودفریبی بکشانند. گاهی فرد فریب می‌خورد؛ اما می‌داند که فریب خورده و چاره‌ای ندارد. گاهی نیز فرد فریب می‌خورد؛ اما هر چه تلاش می‌کنند او را از دایره و تور فریب بیرون بیاورند، امکان‌پذیر نیست؛ چرا که نمی‌خواهد باور کند که فریب خورده است.

هر فرد، نوعی شناخت و معرفت نسبت به عالم، نسبت به خود و نسبت به روابط با دیگران دارد. وقتی بتوانید وارد حوزه شناختی فرد شوید و مقدمات را فراهم کنید، نتیجه دلخواهتان را هم می‌گیرید. این کار، چندان پیچیده نیست؛ مثل این است که در شعر؛ وزن و قافیه تعریف کنید و افراد مقابل، مکلف باشند که قسمت دوم را تکمیل کنند! آنها مجبورند در وزن و قافیه مورد نظر شما بسرایند.

در روان‌شناسی جنگ، بر روی این مبحث مطالعه می‌کنند که باید فهمید سوژه‌ای که قرار است روی آن کار شود، چطور می‌اندیشد؟ باید منطق طرف مقابل را کشف کرد تا بر اساس آن، فرد را به نتایجی که می‌خواهیم، برسانیم یا در منطق و مدل فکری او دستکاری کنیم و در نهایت، نتیجه لازم را بگیریم.

از لحاظ روان‌شناسی در رسانه‌ها انسانها عملاً به عروسک خیمه‌شب‌بازی تبدیل می‌شوند. اوج این مسأله در رسانه‌های غربی دیده می‌شود. اگر رسانه‌ها خاموش شوند تا مدتها یک «خلأ فکری» شدید در غرب رخ خواهد داد؛ زیرا مردم دیگر نمی‌دانند چطور بیندیشند و از کدام سبک زندگی تبعیت کنند؛ به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا.

۱۷. تزریق اطلاعات در خلأ تردید

در جنگ نرم، شخص را به منطقی‌بودن، کارآمدی و نتیجه‌بخشی

دیدگاه‌ها و رفتارهای خودش دچار تردید می‌کنند تا دچار خلأ فکری و منطقی شود و ذهنش نرم و آماده شود برای پذیرفتن چیزهای دیگری که رسانه رقیب القا می‌کند؛ مثلاً دشمن می‌گوید: رسانه‌های شما دروغ می‌گویند یا همه واقعیت را نمی‌گویند و بر اساس منافع خودشان این کار را می‌کنند؛ در نتیجه به صحت عمل رسانه‌های خودی شک پیدا می‌شود؛ آن‌گاه دشمنان، منابع رقیب را به سرعت معرفی می‌کنند. تزریق اطلاعات این‌گونه صورت می‌پذیرد.

۱۸. طراحی ادبیات مناسب با شاکله

ذهنی و روانی مخاطب

هر انسانی، ارزشها و شاکله‌ای ذهنی دارد. اگر مطالبی که دیگران می‌گویند، تفاوت زیادی با این شاکله ذهنی داشته باشد، انسان، آن را پس می‌زند. اگر شخص مذهبی، پیامی کاملاً ضد‌مذهبی دریافت کند، طبیعی است که از همان اول، آن را

نمی‌پذیرد؛ به همین دلیل دشمن می‌کوشد پیام مورد نظرش را با توجه به شاکله روانی مخاطبان، طراحی کند.

از اینرو یکی از مسایل پراهمیت در نبرد روانی، طراحی ادبیات مناسب است؛ ادبیاتی که ظاهری ارزشمند داشته باشد. دشمنان، ادبیات و ارزشهای ما را منفور و نامطلوب جلوه می‌دهند (ذهن مردم هم طبیعتاً به چیزهای نازیبا گرایش ندارد) آن‌گاه یک ادبیات جایگزین مطرح می‌کنند و از این راه به مرور زمان بر تمایلات و رفتارهای ما تأثیر می‌گذارند. این‌گونه است که بعد از مدتی، فرد، دچار عمیق‌ترین شکل فریب، یعنی خودفریبی می‌شود و هرگونه تلاش برای آزادسازی را، تلاش برای نابودی می‌انگارد و در نتیجه، مقابل آن می‌ایستد.

مهم‌ترین راهبرد در برابر جنگ روانی، «آگاهی‌بخشی» است؛ اما اگر

فرد به خودفریبی رسیده باشد، آگاهی‌بخشی هم تأثیری ندارد. البته راه‌های دیگری هم وجود دارد؛ مانند تردیدآفرینی در باورهای جدید تا منطق آن متلاشی شود؛ همان کاری که حضرت ابراهیم با شکستن بتها و قرار دادن تبر در دست بت بزرگ انجام داد و به منطق بت‌پرستان حمله کرد.

۱۹. الگوسازی از سبک زندگی غربی و ترویج هویت آمریکایی در جهان در طول تاریخ، مصداقهای گوناگونی از جنگ روانی و روشهای آن وجود دارد که امروز، علمی‌تر شده و به دلیل توانایی رسانه، با قدرت بیشتری از آن استفاده می‌شود.

یکی از موارد مهم در دنیای مجازی رسانه‌ای که امروزه در آن زندگی می‌کنیم، «الگوسازی» است؛ حتی شخصیت‌های کارتونی که می‌شناسیم - مانند سوپرمن و ... - به گونه‌ای تصویر می‌شوند که گویی

قدرتی فوق بشری دارند و پیام و هدفشان، مأموریت جهانی «نجات دنیا از دست اشرار فضایی یا زمینی» است. این ابرمردها اغلب در ایالات متحده آمریکا به تصویر کشیده می‌شوند؛ یعنی هر که دشمن آمریکاست و قصد حمله به آمریکا را دارد، شرور محسوب می‌شود.

آمریکا چنان القا می‌کند که بهترین الگو برای همه، قهرمانان آمریکایی هستند. در همهٔ انسانها به‌ویژه در کودکان، نوعی حس همانندپنداری و همانندسازی با قهرمانان وجود دارد. همه تلاش می‌کنند خودشان را به قهرمانان، نزدیک و شبیه کنند. وقتی که ملیت و هویت آن قهرمان، آمریکایی باشد، مخاطب نیز می‌کوشد خود را به آن هویت نزدیک کند؛ همان چیزی که آمریکاییها تلاش می‌کنند با عنوان «سبک زندگی آمریکایی» در آسیا و اروپا رواج دهند.

همه این نکات، ظرافت کار عملیات نرم را نشان می‌دهد. بنابراین زمانی که می‌خواهیم در مقابل جنگ نرم، بایستیم باید بتوانیم این ظرافتها را بشناسیم و در مقابل، الگوی مقاومتمان را به همان ظرافت طراحی کنیم. **گروه‌های هدف جنگ نرم**

گروه‌های مورد هدف در جنگ نرم عبارت‌اند از:

۱. گروه‌های مرجع در جمهوری اسلامی (دارای جایگاه اجتماعی و مقبولیت عمومی و تأثیرگذار بر گستره وسیعی از مردم) شامل: نخبگان علمی، مسئولان نظام، هنرمندان، شخصیت‌های سیاسی، علما و روحانیان (واجد تأثیرگذاری خاص)، خانواده‌های معظم شهدا (واجد تأثیرگذاری خاص)، چهره‌های

۱. رجوع شود به سایت: WWW.Nahadsbmu.ir، مقاله «آنچه باید دربارهٔ جنگ نرم بدانیم (تاریخچه جنگ نرم)»، امیر محبیان، با تلخیص و تصرف.

متنفذ و گروه‌های موجه و ورزشکاران.

۲. گروه‌های خاص (واجد قدرت بالقوه برای ایفای نقش پیاده‌نظام دشمن به منظور تشکیل جنبشهای هم‌افزای اجتماعی از قبیل اردوکشی خیابانی، اعتصاب، تحصن، نافرمانی مدنی و...) از قبیل: سرمایه‌داران، زنان، جوانان و دانشجویان، گروه‌های اپوزیسیون و اصناف.

۳. ستونهای حمایتی نظام جمهوری اسلامی شامل: عموم مردم، اجتماعات مذهبی، نیروی مقاومت بسیج، روحانیان و خانواده‌های شهدا (به طور ویژه)، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و نهادهای نظامی و انتظامی.^۱

در یک کلام می‌توان گفت همه افراد جامعه می‌توانند بخشهای مشخصی باشند که مورد نظر راه‌اندازان جنگ نرم قرار گرفته‌اند و

این موضوع، وابسته به هدفی است که بانی جنگ نرم، آن را دنبال می‌کند. عنصر اصلی در تبلیغات و جنگ نرم، توده مردم هستند. موفقیت یا شکست در جنگ، به شرایط توده‌ها بستگی دارد. مصداق عینی آن را می‌توان در جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ عراق مشاهده کرد.

اکثر کارشناسان معتقدند در عراق، جنگ نظامی به معنای واقعی خود رخ نداده است و آمریکاییها توانستند از طریق جنگ نرم و عملیات روانی با به‌کارگیری رسانه‌ها، افکار عمومی مردم عراق را متقاعد کنند که ارتش آمریکا برای نجات آنان آمده است. اعلامیه‌های پرتاب شده از هواپیماها و برنامه‌های رادیویی، مردم عراق را قانع کرد که در برابر ارتش متجاوز، مقاومت نکنند و حتی در بعضی شرایط به یاری آنها هم بشتابند. برخلاف این قضیه، می‌توان رهبری سید حسن نصرالله را در جنگ ۳۳

۱. همان، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.

و طلب از خدای متعال و توکل به خدا؛

۴. شهوترانی و دنبال هوسها رفتن.

عوامل سیاسی:

۱. ترویج غرب‌گرایی در کشور؛

۲. ترویج تأویل‌گرایی و نفاق در

گفتمان سیاسی مسئولان و نخبگان؛

۳. ایجاد و گسترش تضادها و

معارضات مختلف (مردم با مردم،

مردم با مسئولان، مسئولان با

مسئولان)؛

۴. حمله به ولایت فقیه؛

۵. مشروعیت‌زدایی از نظام

اسلامی و قانون اساسی کشور؛

۶. پدید آمدن احساس تبعیض؛

۷. بروز احساس ظلم و بی‌عدالتی؛

۸. بروز احساس محدود شدن

آزادیها و حقوق اساسی و شهروندی؛

۹. دیوان‌سالاری بیمار و

بوروکراسی افراطی؛

۱۰. فساد سیاسی (انحصارطلبی،

زیاده‌خواهی و باندهازی).

روزه لبنان، تحسین کرد و ستود که

توانست جنگ نرم دشمن را خنثی

کند و افکار عمومی مردم لبنان را

متقاعد سازد که برای پیروزی باید

سختیها و مبارانها را تحمل کرد و

نباید تسلیم دشمن شد.

این عقیده وجود دارد که اگر بتوان

افکار عمومی را درباره موضوع یا

پدیده‌ای قانع کرد یا به آن، سمت و

سوی خاص بخشید، دولتها نیز تحت

فشار افکار عمومی به آن سو کشیده

خواهند شد.^۱

عوامل زمینه‌ساز جنگ نرم

عوامل زمینه‌ساز جنگ نرم که به

انحراف عمومی در کشور جمهوری

اسلامی ایران و سایر کشورها منجر

می‌شود عبارتند از:

عوامل اخلاقی:

۱. دور شدن از ذکر خدا؛

۲. فراموش کردن معنویت؛

۳. کنار گذاشتن ذکر و دعا و توسل

۱. مقاله «جنگ نرم با تأکید بر نقش رسانه‌ها».

عوامل فرهنگی:

۱. ترویج سبک زندگی مدرن از سوی رسانه‌ها؛
۲. فقر نرم‌افزاری در زمینه علم؛
۳. روحیه تساهل و تسامح افراطی در برخورد با منکرات و مشکلات فرهنگی؛
۴. تجمل‌گرایی؛
۵. دنیاطلبی؛
۶. اشرافیت؛
۷. ثروت‌اندوزی؛
۸. کم‌توجهی مسئولان به هنر متعهد؛
۹. افزایش نابسیامانیاها و بزهکاریهای اجتماعی نظیر افزایش سن ازدواج، همجنس‌گرایی، تکدی‌گری و ...

عوامل اقتصادی:

۱. گرایش مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر به نظام سلطه و اقتصاد جهانی؛

۲. فساد اقتصادی و مالی برخی از مسئولان کشور؛
۳. کاهش پایبندی به احکام اقتصادی اسلام؛
۴. افزایش شکاف اقتصادی تورم و کاهش قدرت خرید مردم؛
۵. افزایش بیکاری؛
۶. گسترش فقر؛
۷. مشکل تأمین مسکن؛
۸. ناکارآمدی نظام توزیع؛
۷. اجرای طرحهای اقتصادی توجیه‌ناپذیر.^۱

راه‌های مقابله با جنگ نرم

برخی از راه‌های مقابله با جنگ نرم عبارت‌اند از:

۱. آگاهی‌دهی و مصون‌سازی

اولین کار در مقابله با هر گونه عملیات نرم رقیب «آگاهی‌بخشی» است تا هم رقیب بفهمد که ما متوجه

۱. از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، ص ۱۹۲ تا ۱۹۵ (با تلخیص).

اعمال او هستیم و هم ملت خودمان این آمادگی را دریابند. وقتی از طریق آگاهی‌دهی، «مصون‌سازی» ایجاد شود، گام بزرگی برداشته شده است. البته این کار، پیچیده است و در یک مقطع کوتاه، انجام‌شدنی نیست.

در واقع ما باید در یک فرایند، ملت‌سازی شرکت کنیم. امام خمینی علیه السلام یک انقلاب را به پیروزی رساند؛ اما پیش از آن، فرایند ملت‌سازی را آغاز کرده بود. انقلاب در واقع، ثمره کار بود، نه شروع آن. این ملت‌سازی از چه زمان آغاز می‌شود؟ از مهدها. کشوری که می‌خواهد برای دنیا الگو درست کند، باید از لحاظ حرکت، نمونه مطلوب و مورد پذیرش را در مرکز جهان اسلام، ایجاد و نهادینه کند.

بنابراین باید این فرایند ملت‌سازی را - که شروع کرده‌ایم - تکمیل کنیم؛ البته به صورت یک فرایند مستمر؛ یعنی یک برنامه درازمدت؛ نه

یک برنامه کوتاه‌مدت. نکته دیگر اینکه نمی‌توان برای کل جامعه، یک پیام واحد طراحی کرد. با توجه به اجزای مختلف جامعه، هر پیام باید با روحیات، تعلقات فکری، شناختی و منطقی خاص طراحی متناسب شود؛ گرچه اجزای جامعه، هویت دینی و ملی واحدی دارند که طبق دین اسلام باید از پیش از تولد تا زمان مرگ برای آن برنامه داشت. تلاش ما برای تمدن‌سازی و ملت‌سازی، عظمت کار ما را نشان می‌دهد. همچنین نشان می‌دهد که تلاش ما مکانیکی نیست. افزون بر آن، وقتی نظام، پیامی را برای آحاد مردم طراحی می‌کند، نباید در ذات این پیام، تعارض و تناقضی وجود داشته باشد. بنابراین، نظام فرهنگی و نهادهای فرهنگی کشور باید درون یک راهبرد کلان عمل کنند.^۱

۱. رجوع شود به سایت: WWW.Nahadsbmu.ir، مقاله «آنچه باید» ←

۲. کنش و واکنش آگاهانه

رصد و شناسایی فعالیت‌های دشمن و تبیین موقعیت نیروهای طرفین در جبهه جنگ نرم با نظام سلطه (به منظور درک صحیح از فضای جنگ و فعالیت‌های دشمن و نقاط ضعف و قوت او و نقاط تمرکز دشمن در مبارزان فکری و تبلیغاتی و همچنین وضعیت جبهه خودی) تا عملیات پدافندی و واکنش در مقابل حرکت دشمن، ثمربخش و نتیجه‌مند باشد و عملیات آفندی و فعالانه نیز همین طور.

از اینرو مقام معظم رهبری می‌فرماید: «... باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدف‌های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن - آنچنانی که خود او نداند - سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان

بکنید و در این طراحی کلان حرکت کنید.»^۱

۳. بصیرت همه‌جانبه

برخورداری نخبگان، جامعه، جریانها و فعالان سیاسی، علمی و فرهنگی از بصیرت بدر حوزه‌های مختلف (در مواجهه با دشمنان) و اکتفا نکردن به غنای محتوایی در زمینه تخصصی خود، تا در تشخیص حق و باطل اشتباه نکنند و مجبور به سکوت در دفاع از حق و شانه خالی کردن از حمایت از حق نشوند.

۴. ثبات کارآمدی

اثبات عملی کارآمدی نظام از سوی دستگاه‌های مسئولان کشور. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «علاج تهاجم به کارآمدی نظام، اثبات کارآمدی است.»^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۱۳۸۸/۶/۸

برگرفته از کتاب: از تهاجم فرهنگی تا جنگ

نرم، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۱۳۸۰/۶/۱۵.

→ درباره جنگ نرم بدانیم (تاریخچه جنگ نرم)، امیر محبیان.

۵. قاطعیت در فسادزدایی

جدیت و قاطعیت در برخورد با مفسد گوناگون مسئولان کشور توسط مسئولان بلندمرتبه دولتی و قضایی.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «مواجهه با انحراف و خطا باید جدی باشد؛ هم دولتیها و هم دستگاه قضایی اگر در جایی دیدند که انحراف و خطایی وجود دارد، با آن برخورد کنند...»^۱

۶. هجوم به عمق استراتژیک دشمن

حمله به عمق استراتژیک دشمنان انقلاب و اسلام و در دست گرفتن ابتکار عمل در مواجهه نرم با دشمنان با الگوگیری از سیره امام خمینی (ع) که فرمود: «امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پابرجا داشت ... همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام

۱. همان.

نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند.»^۲ مرحوم سید احمد خمینی در سال ۱۳۷۱ در تبیین استراتژی امام در سیاست خارجی، می‌گوید: «... دیپلماسی امام، دیپلماسی تهاجم بود.»^۳

۷. فاصله‌زدایی

پر کردن فاصله مردم و مسئولان (در ابعاد مختلف اقتصادی و معیشتی، فرهنگی و اجتماعی).

۸. حضور حماسی مؤمنانه

حمایت از عناصر مؤمن و جوان کشور و میدان دادن به آنان. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «... در محیطهای فرهنگی به نیروهای مؤمن تکیه شود. اینها سدی در مقابل تهاجم فرهنگی هستند.»^۴

۹. طراحی مدل مقابله با جنگ نرم

استخراج و تبیین مدل مقابله با

۲. بیانات مقام معظم رهبری (ع) در پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی، ۱۳۶۸/۱/۲.

۳. از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، ص ۲۳۲.

۴. بیانات مقام معظم رهبری (ع)، ۱۳۷۱/۵/۲۱.

۱۰. برخورد با کسانی که از فاز نظری و فکری به فاز براندازی و معارضة با نظام برخاسته‌اند

از دیگر راه‌های مقابله با جنگ نرم، برخورد با کسانی است که «می‌خواهند با شعار آزادی علیه منافع مردم، علیه خودآزادی و علیه سرنوشت این ملت اقدام و حرکت کنند.»^۱

۱۱. آشنایی با تکنیک‌های جنگ روانی و رسانه‌ای

پایه جنگ روانی، جهل مردم است؛ از این رو پادزهر جنگ روانی، آشنایی با روش‌های آن است.

۱۲. تشکیل اتاق‌های فکر برای اتخاذ بهترین راه مقابله

۱۳. امید، نگاه خوشبینانه و قدرت تحلیل دادن به نسل جوان

۱۴. تلاش نخبگان برای تبیین بدون تعصب حقایق به عموم مردم

مثلاً یکی از کارهای مهم عمار یاسر، در جنگ صفین تبیین حقیقت بود.^۲

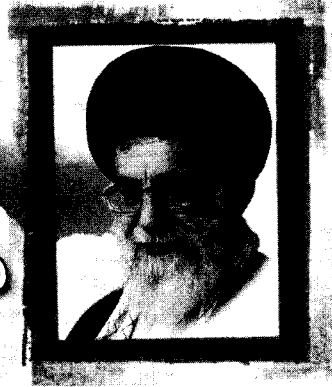
جنگ نرم و مصونیت‌بخشی (تحلیل سیاسی امنیتی وقایع و طراحی مدل مقابله با مکانیسم‌های پلیسی، و نیز اقناع و توجیه افکار عمومی به عنوان سناریوی مکمل طراحی مذکور؛ تا در کاربست رویکردهای فرهنگی - اجتماعی، و سیاسی - امنیتی در مقابله با جنگ نرم افراط نشود و منجر به بالا رفتن هزینه‌ها و پیامدهای ناگوار در سطوح مختلف نشود. افراط در اعمال روش‌های پلیسی و به کار بستن ادبیات امنیتی باعث فراموشی زمینه‌های فرهنگی حوادث و در نتیجه منجر به مقاومت منفی افکار عمومی در برابر حاکمیت می‌شود و افراط در تحلیل فرهنگی - اجتماعی و ساده‌انگاری و خوش‌بینی افراطی موجب وارد آمدن آسیب‌های سیاسی و امنیتی به نظام خدشه‌دار شدن حیثیت آن می‌شود.

۱. از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، ص ۲۳۵.

۲. جنگ نرم، داوود رنجبران، ص ۱۵.

خاطراتی از مقام معظم رهبری

حفظه الله



اشاره:

گذشته به منزل شهیدان فاطمی و استقبال ویژه مادر این شهیدان از رهبر معظم انقلاب اسلامی بسیار وصف ناپذیر است.

در حالی که این بانوی بزرگوار بیمار بود، ذوق و شوق و علاقه فراوانی از خود نسبت به مقام معظم رهبری نشان می داد که وصف ناشدنی است.

این بانوی دلسوز، زمانی که با مقام معظم رهبری علیه السلام روبه رو شد، کفن خود را آورد و از رهبری تقاضا کرد

در شماره های پیشین ماهنامه مبلغان برخی خاطرات و نکته های شنیدنی از مقام معظم رهبری علیه السلام را خدمت مبلغان گرامی تقدیم کردیم؛ در ادامه این موضوع بعضی دیگر از این خاطرات را ارائه می دهیم.

**امضای شما مایه افتخار و نجات من
در آن دنیا است**

لحظه فراموش ناشدنی ورود سرزده مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای علیه السلام در سفر سال

خودش داشت. شاید حدود پنجاه، شصت نفر با ایشان بودند. تعدادی لباس سربازی آوردند که اینها بپوشند، تا از همان شب اول شروع کنیم. یعنی دوستانی که آنجا در استانداری و لشکر بودند، گفتند: «الان میدان برای شکار تانک و کارهای چریکی هست.» ایشان گفت: «از همین حالا شروع می‌کنیم.»

خلاصه، برای آنها لباس آوردند. من به مرحوم چمران گفتم: «چطور است من هم لباس بپوشم بیایم؟» گفت: «خوب است. بد نیست.» گفتم: «پس یک دست لباس هم به من بدهید.» یکدست لباس سربازی آوردند، پوشیدم که البته لباس خیلی گشادی بود! بنده حالا هم لاغرم؛ اما آن وقت لاغرتر هم بودم ... همان شب اول رفتیم به عملیات. شاید دو، سه ساعت طول کشید و این در حالی بود که من جنگیدن بلد نبودم. فقط بلد

که ایشان این کفن را امضا کنند و پس از امضا گفت: «امضای شما مایه افتخار و نجات من در آن دنیاست».^۱

همراهی رهبر معظم انقلاب و شهید چمران

مقام معظم رهبری علیه السلام در یکی از خاطراتشان می‌فرمایند: از روزهای اول (جنگ) قصد داشتم بروم «خرمشهر» و آبادان؛ لکن نمی‌شد. علت هم این بود که در اهواز، از بس کار زیاد بود، اصلاً از آن محلی که بودیم، تکان نمی‌توانستم بخورم؛ زیرا کسانی هم که در خرمشهر می‌جنگیدند، بایستی از اهواز پشتیبانیشان می‌کردیم. چون واقعاً از هیچ جا پشتیبانی نمی‌شدند. مرحوم چمران هم با من به اهواز آمد. در یک هواپیما، با هم وارد اهواز شدیم. مرحوم چمران، همراهان زیادی با

۱. خبرگزاری فارس، به نقل از: حجت الاسلام والمسلمین موسی پور، استاندار قم، کد خبر: ۱۳۹۰۰۶۲۲۰۰۰۹۴۴.

صحبت شد که «کی فرمانده این عملیات باشد؟» بی تردید، همه نظر دادیم که مرحوم چمران، فرمانده این تشکیلات شود.

چند روز بعد از این که رفتیم آنجا، (شاید بعد از دو، سه هفته) نامه امام در رادیو خوانده شد که فلانی (مقام معظم رهبری) و آقای چمران، در کلّ امور جنگ و چه و چه نماینده من هستند.^۱

این برای ما درس امید است

مقام معظم رهبری علیه السلام: بعد از قضایای مدرسه فیضیه و آن حوادث کذایی، اول شب خودمان را با دوستان به اینجا (منزل حضرت امام علیه السلام) در شهر قم) رساندیم - چون همه از این خانه نگران بودند که چه خواهد شد - از آن در حیاط کوچک وارد شدیم و دیدیم که ایشان آن گوشه

بودم تیراندازی کنم. عملیات جنگی اصلاً بلد نبودم. غرض؛ این، یک کار ما بود که در اهواز بود و عبارت بود از تشکیل گروههایی که به اصطلاح آن روزها، برای شکار تانک می رفتند. تانکهای دشمن تا «دوبه هردان» آمده بودند و حدود هفده، هیجده یا پانزده، شانزده کیلومتر تا اهواز فاصله داشتند و خمپاره هایشان تا اهواز می آمد. خمپاره ۱۲۰ یا کمتر از ۱۲۰ هم تا اهواز می آمد.

به هر حال، این تربیت و آموزشهای جنگ را مرحوم چمران درست کرد. جاهایی را معین کرد برای تمرین. خود ایشان، انصافاً به کارهای چریکی وارد بود. در قضایای قبل از انقلاب، در فلسطین و مصر تمرین دیده بود. به خلاف ما که هیچ سابقه نداشتیم، ایشان سابقه نظامی حسابی داشت و از لحاظ جسمانی هم، از من قویتر و کار کشته تر و زنده تر بود؛ لذا وقتی

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در مصاحبه با تهیه کنندگان مجموعه روایت فتح، ۷۲/۶/۱۱.

همین است که امروز هم می‌تواند ملت ما را پیش ببرد؛ یعنی امید به آینده و ایستادگی در مقابل مشکلات. ایشان درس عملی و عینی این را دادند و راهشان این راه بود.^۱

رئیس حزب‌اللهی‌های همه تاریخ

می‌فرماید: باید منظم باشید

مقام معظم رهبری علیه‌السلام: یک وقت یک افسر عالی‌رتبه حزب‌اللهی مشهور در ارتش نزد من آمد و از بس مقدس مآب بود، با دمپایی پیش من حاضر شد! به او گفتم اگر بعد از این تو را اینطوری دیدم، راحت نمی‌دهم؛ برو! ردش کردم؛ بعد دفعه دیگر که آمد، دیدم بله، پوتین مرتبی به پا کرده است! بعضیها حزب‌اللهی‌گری را با شل و ول بودن و بی‌نظمی و

حیاط ایستاده‌اند و مشغول اقامه نماز مغرب و عشا هستند و جمعی هم با ایشان مشغول نمازند. آن‌چنان طمأنینه‌ای در وجود ایشان بود که هر اضطرابی را تمام می‌کرد؛ اصلاً کأنه هیچ حادثه‌ای اتفاق نیفتاده است؛ واقعاً مثل کوه استوار ایستاده بودند و مشغول نماز بودند؛ بعد هم از آن پله‌ها بالا آمدند و به اتاق دست چپ تشریف بردند و نشستند؛ طلبه‌ها هم ریختند که بیانات ایشان را بشنوند.

از جمله حرفهای ایشان در آن روز - که عین شدت اختناق و تسلط دستگاه ستمگر بود - این بود که گفتند اینها خواهند رفت و شماها خواهید ماند و ما از این سخت‌ترش را هم دیده‌ایم؛ تحمل و ایستادگی کنید. این برای ما درس امید است.

حقیقتاً استقامت ایشان در مقابل شدايد و امیدشان به آینده این بود؛ و

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام به هنگام بازدید از منزل حضرت امام خمینی علیه‌السلام در قم، ۷۰/۱۲/۱.

شام تهیه می‌کرد و... آن شام هم نان و کشمش بود.

- بی‌رغبی به افزایش زخارف دنیایی از جمله خصوصیات که هم مرحوم والد و هم مرحوم مادر ما داشتند و واقعاً از چیزهای عجیب بود و هر وقت فکر می‌کنم، در کمتر کسی نظیر این را می‌بینم، بی‌رغبتی آنها به افزایش زخارف دنیایی بود. همه ما واقعاً باید این خصوصیت را تمرین کنیم.

مرحوم شهید قاضی طباطبایی، امام جمعه تبریز، سال ۱۳۵۱ اینجا آمده بود؛ رو کرد به ما و گفت من چهل سال قبل با پدرم از تبریز به مشهد آمدم و برای دیدن آقا سری به ایشان زدیم. آقا در چهل سال پیش همان جایی نشسته بود که الان نشسته، و من همان جایی نشسته‌ام که پدرم نشسته بود، و این اتاق و این خانه

بی‌ترتیبی اشتباه می‌گیرند؛ حزب‌اللهی‌گری که این نیست. رئیس حزب‌اللهی‌های همه تاریخ - یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام - می‌فرماید: «وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ»؛ باید منظم باشید. نظم چیست؟ همان آیینی است که از هر کسی خواسته‌اند. هر جا نظمی دارد؛ میدان جنگ هم نظمی دارد؛ نظامی هم نظم خاصی دارد؛ باید آن نظم را رعایت کنید.^۱

خاطره رهبر معظم انقلاب از پدر

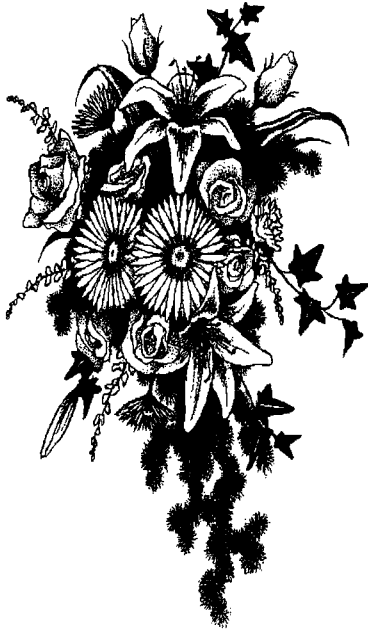
بزرگوارشان

- نان و کشمش

پدرم روحانی معروفی بود، اما خیلی پارسا و گوشه‌گیر... زندگی ما به سختی می‌گذشت. من یادم هست شبهایی اتفاق می‌افتاد که در منزل ما شام نبود! مادرم با زحمت برای ما

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار با فرمانده و جمعی از روحانیون رزمی - تبلیغی تیپ ۸۳ امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۷۰/۹/۱۱.

زمین می‌رفتیم تا مهمان برود. بعد
 عدّه‌ای که به پدر ارادتی داشتند، زمین
 کوچکی را کنار این منزل خریده به
 آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق
 شدیم.^۱



کمترین تغییری نکرده است.
 یک نسل عوض شده بود، اما
 ایشان مثل همان چهل سال پیش بود.
 وقتی اخوی -حسن آقا- می‌خواست
 داماد شود، چون جایی نداشتیم، آن
 اتاق را خراب کردند و از آن، دو اتاق
 کوچکتر ساختند. زیرزمین پایین یک
 در داشت. در آنجا حمامی درست
 کردند و خانه شد حمام‌دار. البته آن
 موقع، دیگر ماها نبودیم. آن وقت
 جای میهمانها در اتاق بزرگ بود.

منزل پدری من که در آن متولد
 شده‌ام - تا چهار- پنج سالگی من -
 یک خانه ۶۰-۷۰ متری در محله فقیر
 نشین مشهد بود که فقط یک اتاق و
 یک زیر زمین تاریک و خفه‌ای
 داشت. هنگامی که برای پدرم میهمان
 می‌آمد (و معمولاً پدر بنا براین که
 روحانی و محل مراجعه مردم بود،
 میهمان داشت) همه ما باید به زیر

۱. سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری علیه‌السلام به
 آدرس: www.khamenei.ir ، ۱۳۹۰/۰۱/۱۶



اشاره:

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام در روزهای اخیر سخنان بسیار ارزشمندی را ایراد فرمودند که حاصل آن رهنمودی است برای مبلغان گرامی تا در عرصه‌های مختلف تبلیغی از آن بهره گیرند؛ اکنون گزیده‌ای از بیانات ایشان که در همایش بیداری اسلامی و نیز در دیدار با کارگزاران حج بیان فرمودند، تقدیم می‌گردد.

الف. سخنرانی معظم له در همایش

بیداری اسلامی

* بیداری مبارک اسلامی با غافلگیر کردن شیاطین منطقه‌ای و جهانی، مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن ساقط کرده اما لازم است با توکل بر خدا، درس‌آموزی از تجربیات تاریخ معاصر جهان اسلام، و تکیه بر عقل و عزم و شجاعت، صحنه همچنان سیال تحولات منطقه را مدیریت کرد و به سرانجام رساند.
* در این میان، پیروزی انقلاب

اسلامی و تأثیر نظام ماندگار، مقتدر، شجاع و پیشروی جمهوری اسلامی در بیداری اسلامی، یقیناً فصل مهمی در تحلیل و تاریخ‌نگاری حقایق کنونی جهان اسلام است.

* تحولات متکی بر مردم، همچون کلمه طیبه الهی است و حضور تعیین کننده مردم در آن، با ترسیم آینده مطلوب، اجازه انحراف و سازش با دشمن را به خواص آلوده و عوامل نفوذی دشمن نمی‌دهد.

* «احیا و تجدید عزت و کرامت ملی پایمال شده به دست دیکتاتورهای فاسد و وابسته به آمریکا و غرب» از اصول درجه اول انقلابهای کنونی است.

* ملت‌های منطقه بر این اعتقادند که برخورداری از امنیت روانی، عدالت، پیشرفت و شکوفایی، جز در سایه شریعت اسلامی به دست نخواهد آمد.

* غرب و صهیونیسم همه تلاش خود را برای انکار این اصول و اهداف به کار می‌برند؛ اما واقعیت با انکار و تکذیب، دیگرگون نمی‌شود.

* سلطه طلبانی که تمام توانایی خود را برای حفظ حکام مستبد و فاسد و وابسته به کار گرفتند، اکنون حق ندارند خود را در پیروزی انقلابها سهیم بدانند.

* اگر این دخالتها نبود، ممکن بود مردم لیبی اندکی دیرتر پیروز شوند؛ اما این همه مردم بیگناه کشته نمی‌شدند و همدستان قدیمی قذافی و دشمنان دیرین مردم لیبی، دیگر نمی‌توانستند مدعی حق دخالت در این کشور مظلوم و جنگ زده شوند.

* مردم و نخبگان مردمی و کسانی که از مردم بر آمده‌اند، صاحبان این انقلابها، متعهد به حراست از آنها و ترسیم کننده مسیر آینده و رو به تکامل این حرکات تاریخی هستند.

* این خطر هنگامی مهیب‌تر می‌شود که برخی اشخاص در صدد غنیمت‌طلبی و تصاحب سهم ویژه برآیند.

* باید با همه توان از این آسیبها گریخت و با در هم آمیختن شجاعت و تدبیر و عزم و اراده، همه ذخائر الهی را برای استمرار پیروزمندانۀ بیداری اسلامی به کار گرفت.

* اگر این توطئه با هوشیاری مردم مواجه شود، سلطه‌گران تلاش می‌کنند با سناریوهای مختلف، از جمله پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی‌های وابستگی‌ساز، راه‌های انحرافی دیگری را پیش پای ملت‌ها بگذارند.

* نفوذ میان انقلابیون، تقویت مالی و رسانه‌ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه راندن جریان‌های اصیل انقلاب، از دیگر شیوه‌هایی است که دشمنان با به کارگیری آنها، سعی می‌کنند مجدداً بر اوضاع مسلط شوند.

* اگر این تاکتیکها نیز به نتیجه نرسد، مستکبران معمولاً به روشهایی همچون به وجود آوردن هرج و مرج، ترور، ایجاد درگیری میان پیروان ادیان و قومیتها و حتی ایجاد جنگ میان کشورهای همسایه، روی می‌آورند و با تحریم و حصر اقتصادی، هجوم همه جانبه تبلیغاتی و رسانه‌ای، بدنام کردن نخبگان صالح و خریدن عناصر سست عنصر، سعی می‌کنند مردم را نومید و خسته کنند، تا به شکست کشیدن انقلابها ممکن و آسان شود.

* اهداف و واسطه‌هایی نظیر استقلال، آزادی، عدالتخواهی، تسلیم نشدن در مقابل استبداد و استعمار، نفی تبعیضهای قومی، نژادی و مذهبی و نفی صریح صهیونیسم که ارکان نهضت‌های امروز کشورهای اسلامی است، همه و همه برگرفته از اسلام و قرآن است.

* هرگز به آمریکا و ناتو و

کشورها هستند و چون مؤمن به اسلامند، بنابراین مطلوب آنان، نظام مردم‌سالاری اسلامی است؛ یعنی نظامی که در آن حاکمان با آرای مردم برگزیده می‌شوند و ارزشها و اصول حاکم بر جامعه، مبتنی بر معرفت و شریعت اسلامی است.

* البته نظام مردم‌سالاری اسلامی به اقتضای شرایط گوناگون کشورها، می‌تواند با شیوه‌ها و شکل‌های مختلف تحقق یابد و به هر حال باید کاملاً مراقب بود که این نظام با دمکراسی لائیک و لیبرال غربی که در مواردی ضد مذهب است، اشتباه گرفته نشود.

* افراط‌های مذهبی که غالباً با خشونت کور همراه است، عامل عقب‌ماندگی و دور شدن از هدف‌های والای انقلاب و بیداری اسلامی است که این مسئله نیز به نوبه خود مایه جدا شدن مردم و در نتیجه شکست انقلاب خواهد بود.

* تقوا در معنای والا و گسترده و

لبخندها و وعده‌های ظاهر فریب رژیم‌های جنایتکاری همچون انگلیس، فرانسه و ایتالیا اعتماد نکنید و با رد نسخه‌های بیگانه، راه حلهای مورد نیاز را از سرچشمه‌های فیاض اسلام به دست آورید.

* تفاوتها را به رسمیت بشناسید؛ اما آنها را مدیریت کنید و بدانید که تفاهم میان مذاهب اسلامی کلید نجات است و کسانی که با تکفیر این و آن، به آتش تفرقه مذهبی دامن می‌زنند، دانسته یا ندانسته مزدور و عمله شیطانند.

* باید هدف نهایی را امت واحد اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید، بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار دهیم.

* نسل جوان کشورهای اسلامی، ظرفیت چنین کار بزرگی را داراست و باید روح اعتماد به نفس را در او زنده کرد.

* ملت‌های انقلاب کرده خواستار نقش آفرینی آرایشان در مدیریت

در حفظ ذخایر معنوی به دست آمده آن هم همت کرد.

* حاجی ایرانی باید با رفتار خود در حج، ملت، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را در چشم دنیا سربلند کند.

* یکی از این رفتارهای سبک، عطش بازارگردی است که علاوه بر اینکه ارز کشور را برای خرید کالاهای بی کیفیت به هدر می دهد، فرصت ارزشمند عبادت و بهره مندی معنوی را نیز از بین می برد.

* برخی افراد در اقدامی پسندیده سوغات خود را قبل از سفر حج، از بازار داخل و کالاهای خوب و با کیفیت ایرانی تهیه می کنند تا بتوانند در ایام حج بیشترین بهره مندی معنوی را از این فرصت کم نظیر داشته باشند.

* معارف دینی، قرآن، سنت و اهل بیت علیهم السلام، سرمایه های معنوی ما هستند که اگر از آنها استفاده شود، زمینه پیشرفت و سعادت به وجود

عمیقش، سر پیچیدن از فرمانبری کافران و منافقان، و توکل و اعتماد به خداوند، دستورالعمل کارساز پروردگار برای همیشه و به ویژه این برهه حساس و سرنوشت ساز امت اسلام است که عمل به آن، بیداری مبارک اسلامی به فضل الهی به سرانجام تاریخ ساز خود خواهد رساند.

ب. بیانات معظم له در دیدار با کارگزاران حج

* باید در بُعد عمومی و بین المللی حج، همدلی و تقویت پیوندهای اسلامی بدون در نظر گرفتن ملیتها، قومیتها و مذہبها مورد توجه جدی قرار گیرد و از این فرصت برای نزدیک تر شدن دلها استفاده شود.

* حج فرصتی گرانبها برای پاکیزه شدن از آلودگیهای دنیا و مجموعه ای از فرائض است که باید ضمن قدر دانستن این مراسم عظیم و کم نظیر،

* البته عده‌ای می‌خواهند از این ماجرا برای زیر سؤال بردن مسئولان استفاده کنند، در حالیکه مسئولان در دولت، مجلس و قوه قضائیه مشغول انجام وظیفه خود هستند.

* رسانه‌ها بیش از این نباید به جنجال و هیاهو درباره این ماجرا ادامه دهند؛ بلکه باید به مسئولان اجازه دهند تا عاقلانه، مدبرانه، قوی و با دقت، قضایا را پیگیری و بررسی کنند.

* ادامه هیاهو و جنجال، به خصوص اگر عده‌ای به دنبال استفاده‌های دیگر از این مسائل باشند، به صلاح نیست و همه باید مراقب باشند.

* مردم بدانند که مسئولان، این ماجرا را تا آخر پیگیری خواهند کرد و دستهای خائن قطع خواهد شد.

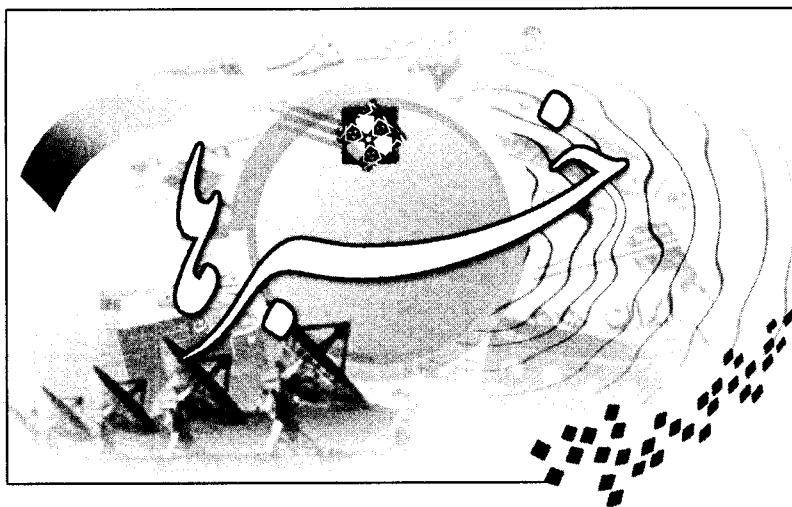
* دستگاه قضایی نباید به افراد بدکاره، خراب‌کار و مفسد ترحم کند.

می‌آید و اگر انسان خود را از این سرمایه‌ها محروم کند، قطعاً ضرر خواهد کرد.

* اگر چه مسئولان از مقابله با فساد اقتصادی استقبال کردند؛ اما اگر به این توصیه‌ها عمل می‌شد، هیچگاه دچار چنین حوادثی همچون فساد بانکی اخیر نمی‌شدیم.

* وقوع چنین مسائلی، ذهن و دل مردم را مشغول، و دل بسیاری را نیز می‌شکند و آیا این سزاوار است که به خاطر عمل نکردن مسئولان، مردم به سبب این حوادث ناراحت شوند و حتی برخی امید خود را از دست بدهند.

* از همان سالهای قبل بارها گفته شد که نباید بگذاریم فساد ریشه‌دار شود؛ زیرا با گذشت زمان، ریشه‌کنی آن بسیار مشکل می‌شود و سرمایه‌گذار پاکدامن و صادق را نیز مأیوس می‌کند، اما متأسفانه عمل نشد.



فضای مجازی و اینترنت نیازمند

حضور جدی مبلغان است

حضرت آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید در دیدار معاون تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه و مدیران و مسئولان بخشهای مختلف این معاونت اظهار داشت: تبلیغ مسئله‌ای بسیار مهم است و اساس اسلام بر تبلیغ استوار است، انبیای الهی نیز به همین دلیل مبعوث شدند.

وی افزود: امروز تبلیغ در جهان

تأثیر به‌سزایی دارد و بسیاری از تغییرات جهانی متأثر از تبلیغات رسانه‌ای است و در قرآن نیز از تبلیغ به بلاغ مبین یاد شده است.

این مرجع تقلید اظهار داشت: تبلیغ می‌تواند قلوب مردم را تسخیر و هویت انسانها را تغییر بدهد، از این جهت ما که از دین بسیار غنی و قوی برخورداریم باید در عرصه تبلیغ دین مبین اسلام گامهای بیشتری برداریم. از این جهت هر چه فعالیتهایمان را در عرصه تبلیغ دین اسلام بیشتر کنیم،

باز هم اندک است.

حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی افزودند: فضای مجازی و اینترنتی نیز حضور جدی مبلغان را می‌طلبد و ما نباید از این عرصه‌ها غافل شویم و لازم است حضور خودمان را در این موضوعات گسترده کنیم.

وی نسبت به وجود و پیدایش عرفانهای نوظهور هشدار داد و از مسئولان خواست دقت ویژه‌ای در این خصوص داشته باشند و با شناسایی عرفانهای دروغین به مقابله با آنها بپردازند.

ایشان در خصوص راه اندازی حوزه علمیه سفیران هدایت گفت: کار ارزشمندی بود که فعال شد و توانستید طلاب جوان را در این عرصه فعال کنید.^۱

**تبلیغ چهره به چهره طلاب، لازمه
جلوگیری از انحراف جوانان است**
آیت‌الله مرتضی مقتدایی، مدیر حوزه های علمیه، با اشاره به نفوذ جریانات انحرافی و شیطانی در بین جوانان کشور اظهار داشت: متأسفانه برخی شیاطین و منحرفان با هدف انحطاط در جامعه و نفوذ در افکار و عقاید جوانان، فعالیت‌های گسترده‌ای را تدارک دیده‌اند که رسالت حوزه‌های علمیه در این میان، مواجهه هوشیارانه با این ترفندهاست.

وی افزود: طلاب و روحانیون در شرایط کنونی موظفند با درایت و بصیرت کامل و تبلیغ چهره به چهره در سطح منازل و محافلی که احتمال نفوذ شیاطین و بدخواهان در آنها می‌رود، به تبلیغ و ترویج احکام الهی و ارشاد جوانان بپردازند.

وی با تأکید بر نیاز شدید مردم منطقه و جهان به معارف اسلامی و علمای دینی ابراز داشت: در سفرهایی

۱. خبرگزاری رسا، <http://rasanews.ir> ، کد

مجهولات و موارد ناپیدا معرفی می‌کنند و این رویکرد در سریالهای ماه رمضان بسیار قوی و برخی اوقات بسیار مخرب بود.

وی ادامه داد: اما رویکرد قرآنی به این شکل نیست؛ بلکه رویکرد قرآنی شامل اثبات خداوند و دین در معلومات است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه اگر فردی در صدا و سیما بخواهد لباس سرباز نیروی انتظامی را بپوشد باید از نیروی انتظامی مجوز بگیرد، افزود: چرا اگر فردی بخواهد لباس روحانیت را بپوشد از هیچ مرجع قانونی اجازه نمی‌گیرد؟

ایشان خاطر نشان کرد: صدا و سیما از شورای سلامت برخوردار است؛ ولی از شورایی در حوزه مسائل دینی محروم است، تا اگر فردی حرفی مطرح کرد که

که به منظور بررسی روند کاری طلاب فارغ التحصیل حوزه علمیه قم در کشورهای مختلف صورت گرفت، به وضوح شاهد روند رو به رشد تشرّف به دین مبین اسلام و موج اسلام‌خواهی در این کشورها بودیم و البته باید توجه داشت که این امر، رسالت و وظیفه حوزه‌ها در ترویج علوم دینی در سایر کشورها را جدی‌تر و حساس‌تر از گذشته می‌کند.^۱

لزوم تشکیل شورای معارف دینی در

صدا و سیما

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن نبوی، معاون تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه، با اشاره به اینکه با دو رویکرد می‌توان تبلیغ دین را انجام داد، بیان داشت: در یک رویکرد، دین را در

۱. مرکز خبر حوزه، <http://www.hawzahnews.com> کد

صاحب‌نظران این شورا آن را نادرست تشخیص دادند، از رسانه پخش نشود.

وی تصریح کرد: صدا و سیما باید در حوزه معارف، از بستر کارشناسی حوزه‌ها بهره‌برداری کرده و از حوزه به عنوان تشکیلات استفاده کند، تا در صورت مشاهده خطا، کارشناس حوزوی از سوی حوزه مورد بازخواست قرار گیرد.^۱

جوشش علم از درون دل عالم وارسته

و با تقوا

حضرت آیت الله جوادی آملی در جمع تعدادی از طلاب گفت: همه ما تشنه معرفت هستیم و آب زلالی که نیازمند آن هستیم باید از درون دل ما بجوشد.

مدرس خارج فقه حوزه علمیه قم تصریح کرد: اگر عالم، وارسته و با

تقوا باشد و علم از درون دل او بجوشد هنگامی که سخن از بیداری امت اسلامی است، خود او بیدارتر است و هنگامی که می‌خواهد جامعه و نظام را حفظ کند، یا امر به معروف و نهی از منکر کند، آن عالم بهتر از همه به این وظایف عمل خواهد کرد. انسان وارسته و بیدار دل، در همه امور خیر از دیگران موفق‌تر خواهد بود.

وی ادامه داد: بیدار دلی و جوشش علم از درون انسانهای وارسته، مختص حوزه‌های علمیه نیست و این امر می‌تواند توسط دانشمندان و دانشگاهیان نیز بوجود آید.^۲

لزوم ترویج فرهنگ جهاد و شهادت

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، در همایش «ولایت مداری در فرهنگ جهاد و شهادت»

۱. خبرگزاری فارس، <http://www.farsnews.com> کد خبر:

۱۳۹۰۰۷۰۴۰۰۰۲۰۸.

۲. خبرگزاری رسا، کد خبر: ۱۱۳۷۲۳.

با اشاره به اهمیت فرهنگ جهاد و شهادت گفت: با وجود اینکه فرهنگ جهاد و شهادت در سه دههٔ اخیر در کشور ما بسیار عزت پیدا کرده است، هنوز از نظر فرهنگی، شهادت و جهاد اسلامی در فرهنگ ما غریب است.

وی در ادامه افزود: بسیاری از خودیها وقتی دربارهٔ دفاع، جهاد و شهادت بحث می‌کنند، به گونه‌ای سخن می‌گویند که در شأن جهاد و شهادت اسلامی نیست.

رئیس مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام خاطر نشان کرد: هنوز بعد از سی و چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله جهاد و شهادت در راه خدا را با دفاع از آب و خاک و لانه و آشیانه یکی می‌دانیم.

آیت الله مصباح یزدی تأکید کرد: آن قدر این مسئله سنگین است که جا دارد انسان دق کند و بمیرد، دفاع از آب و خاک را کلاغها و گرگها هم

دارند، این مسئله منحصر به ایران هم نیست، عراقیها، روسها و انگلیسیها هم از آب و خاک خود دفاع می‌کنند.

این عضو مجلس خبرگان رهبری بیان داشت: ما هنوز بعد از سی سال نتوانسته‌ایم ارزش دفاع از دین را برای مردم بیان کنیم، ما در این زمینه خیلی کم کار کرده‌ایم و هنوز فرهنگ شهادت در فرهنگ ما ضعیف و مظلوم است، فرهنگ جهاد و شهادت با دفاع حیوانات از خانه و کاشانه خود بسیار متفاوت است و اگر این را فهمانده بودیم می‌دانستیم یک قطره خون محمد جهان آرا با خروارها و دریاها خون آرش کمانگیر و امثال او تفاوت دارد.

رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام یادآور شد: هنوز هم در گوشه و کنار کشور جوانان و نوجوانان هستند که درخواست می‌کنند دعا کنیم شهادت نصیبشان

با علوم قرآنی و علوم اهل بیت و آل محمد ﷺ حشر و نشر دارد.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم در ادامه از همراهی دولتمردان ترکیه با استکبار جهانی انتقاد کرد و ابراز داشت: اخیراً ترکیه ضمن ادعای اسلام‌گرایی، از پشت خنجر می‌زند، اینها با ایجاد سپر موشکی ناتو، اسرائیل را خوشحال کردند؛ هرچند در ظاهر جنگ زرگری با آنها دارند.

وی با تأکید بر اینکه تمام مردم منطقه و مسلمانان ترکیه باید فریاد بزنند و بخروشند و این کار را محکوم کنند، گفت: من متعجبم چرا در کشور ما همه در مقابل اینها خاموش هستند. کار دیگر زشت اینها این است که دست در دست آمریکا و عربستان گذاشته‌اند و با همراهی برخی از کشورها، اقلیتی را در سوریه تجهیز می‌کنند که این کشور را دچار مشکل کنند و با ایجاد جنگ داخلی،

شود، این در سایه فرهنگ اسلامی چنین رشدی پیدا کرده است، اما در جامعه فرهیختگان ما هنوز بعد از چند دهه، دفاع مقدس را با اختلافات مرزی بین دو نقطه در چند هزار سال پیش مقایسه می‌کنند.^۱

انتقاد شدید آیت الله العظمی مکارم

شیرازی از اقدامات دولتمردان ترکیه

حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید، در آغاز درس خارج فقه خود که با حضور طلاب و روحانیان در مسجد اعظم قم برگزار شد، با اشاره به روایاتی به بیان اوصاف مؤمنان پرداخت.

وی با بیان اینکه افراد مؤمن حلیم هستند و از علم بهره می‌گیرند، تصریح کرد: انسان برای رفع تنهایی انیس می‌خواهد، انیس مؤمن در خلوت و تنهایی، علم است و همواره

۱. خبرگزاری رسا، کد خبر: ۱۱۳۵۱۸.

هنوز بعد از سی و چند سال از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله جهاد و شهادت در راه خدا را با دفاع از آب و خاک و لانه و آشیانه یکی می‌دانیم

این فعال فرهنگی و سیاسی بیان داشت: ما در کشورهای غربی پیش از آن که به علما و فضلاء تراز اول نیاز داشته باشیم، به معلمان ابتدایی اسلام و به مبانی ابتدایی که اسلام را به زبان ساده آموزش دهد، نیازمندیم.

وی ابراز داشت: به طور مثال ما یک پایگاه اینترنتی به زبان اسپانیولی داریم که تمام احکام اسلام در آن منتشر شده است، اما نیازمند یک پایگاه اینترنتی هستیم که مبانی ابتدایی و ساده اسلام را آموزش دهد یا همان‌گونه که نرم افزارهای بازی

گروه زیادی از مسلمانان را به کشتن دهند و مقاومتشان در برابر اسرائیل را درهم شکنند.^۱

نیازمند تولیداتی برای آموزش ابتدایی اسلام در غرب هستیم

محمد حسن قدیری ایبانه، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در کشور مکزیک در مراسم آغاز به کار نخستین دوره آموزشی مرکز تربیت مبلغ و تبلیغ بین الملل گفت: در آمریکای لاتین، اروپا و به طور کلی غرب، زمینه فراوانی برای پذیرش اسلام فراهم شده است.

وی در ادامه افزود: در پانصد سال قبل در مکزیک مسیحیت با زور، شکنجه و جنایت وارد شد، ابزار شکنجه و جنایاتی که مسیحیان برای مسیحی کردن مردم به کار می‌بردند در خاطر مردم هست و کشیشان را همکار جنایت‌پیشه‌ترین انسانها تصور می‌کنند.

۱. خبرگزاری رسا، کد خبر: ۱۱۳۵۷۵.

سطح به سطح است، نیازمند نرم‌افزارهایی هستیم که به طور مثال نماز را سطح به سطح به افراد آموزش دهد.^۱

تعدد مبادی تربیت مبلّغ در یک رقابت سالم، سبب افزایش کارآیی آنان می‌شود

حجت الاسلام محسن قمی، معاون امور بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری، در مراسم آغاز به کار نخستین دوره آموزشی مرکز تربیت مبلّغ و تبلیغ بین الملل گفت: اکنون در حوزه‌های علمیه اقدامات بسیار خوبی به منظور تربیت مبلّغ خارج از کشور در حال انجام است.

وی در ادامه با اشاره به فعالیت مؤسسات حوزوی همچون جامعه المصطفی العالمیه، جامعه الزهراء، موسسه شرق و موسسه بین المللی

مطالعات اسلامی در زمینه تربیت مبلّغ برای اعزام به خارج از کشور افزود: در پاسخ به این پرسش که این همه کار تکراری چرا؟ و چرا این مؤسسات در یک جا جمع نمی‌شوند، باید گفت تنوع اینها در یک رقابت سالم سبب افزایش کارآیی آنان می‌شود.

حجت الاسلام قمی اظهار داشت: هم اکنون در شرایطی هستیم که نیازهای بین المللی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی جهان، وجود مراکز آموزش تربیت مبلّغ برای خارج از کشور را بیش از پیش محسوس می‌کند و همه این فعالیتها، نسبت به نیازی که در سطح بین الملل داریم ناچیز است، از این رو وظیفه سنگین تری بر عهده حوزه‌های علمیه است.^۲

۱. خبرگزاری رسا، کد خبر: ۱۱۳۶۷۱.

۲. خبرگزاری رسا، کد خبر: ۱۱۳۶۵۷.

طلاب و روحانیون در شرایط کنونی موظفند با درایت و بصیرت کامل و تبلیغ چهره به چهره در سطح منازل و محافلی که احتمال نفوذ شیاطین و بدخواهان در آنها می‌رود، به تبلیغ و ترویج احکام الهی و ارشاد جوانان بپردازند

روایتگری، استفاده از نمادهای دفاع مقدس در تبلیغ دین است

حجت الاسلام محمد مهدی ماندگاری، رئیس هیأت امناء مؤسسه فرهنگی روایت سیره شهدا، در همایش ولایتمداری در فرهنگ جهاد و شهادت گفت: هشتاد درصد کاروانهای راهیان نور که عازم مناطق جنگی می‌شوند، فاقد روحانی هستند.

وی در ادامه افزود: اگر هر روحانی بسیجی سالی ده روز، خود را وقف روایتگری کند، هیچ کاروانی بدون روحانی عازم مناطق جنگی نمی‌شود.

حجت الاسلام ماندگاری اظهار داشت: یکی از بالاترین برکاتی که ما می‌توانیم به مخاطبانمان منتقل کنیم، چشاندن شیرینی زندگی، همراه با روحانی است.

حجت الاسلام ماندگاری با بیان این که روایتگری، استفاده از نمادهای دفاع مقدس در تبلیغ دین است، تأکید کرد: اگر در سخنان خود با استفاده از سیره شهدا، قرآن و روایات را ترجمه کنیم، از کار خود راضی خواهیم بود.

وی تصریح کرد: اخلاص و پاکی در عمل و گفتار بهترین سرمایه برای یک مبلغ است.^۱

۱. خبرگزاری رسا، کد خبر: ۱۱۳۵۳۴.

آیت الله سید مرتضی پسندیده رحمته الله

حامی راستین انقلاب اسلامی ایران



غلامرضا گلی زواره

گرفت - به خمین، زادگاه خود
بازگشت.^۱

وی همراه برادرش، آقا سید
نورالدین موسوی در مکتب ملا
ابوالقاسم به فراگیری مقدمات درس
حوزه مشغول گردید، آقا میرزا
محمود افتخار العلما به عنوان معلم
سرخانه به وی درس می‌داد و در
غیاب وی، مادرش معلم سید مرتضی

دوران کودکی و تحصیلات

در ۱۷ شوال ۱۳۱۳ ق نیمه
فروردین ۱۲۷۵ ش شهید مصطفی
خمینی، فرزند سید احمد موسوی، از
هاجر خانم دارای فرزندی گردید که
«سید مرتضی» نامیده شد. او هشت
ساله بود که پدرش توسط خوانین
محلی به دلیل مقاومت در برابر
زورگوییهای آنان به شهادت رسید، و
سید مرتضی - برادر بزرگ‌تر امام
خمینی - بعد از قصاص قاتل والدش
در ۱۳۲۳ ق - که در تهران صورت

۱. خمین در گذر تاریخ، محمدجواد مرادی نیا،
نور السجاد، قم، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۳۵.

بود که نزدش هیئت، نجوم و حساب می خواند.^۱

معلمان بعدی ایشان دایه‌هایش «میرزا عبد الحسین» و «میرزا مهدی احمدی» و پسر عمّه و شوهر خواهرش «میرزا رضا نجفی» بودند که وی نزد آنان مقداری نحو، شرایع و سایر کتب را فرا گرفت.^۲

دانش اندوزی در اصفهان

آقا مرتضی در سال ۱۳۲۷ ق و در ۱۴ سالگی همراه برادرش، سید نورالدین و معلم خود، میرزا محمود افتخارالعلماء راهی اصفهان گردید و نزد «حاج میرزا رضا نجفی»، شوهر خواهر خود، شرایع را فرا گرفت و در مدت هشت سال اقامت در آنجا مطول و شرح لمعه را از «آقا میرزا علی یزدی» آموخت. «سید مهدی

درچه‌ای» دیگر استاد ایشان در اصفهان بوده است. هنگامی که سید مرتضی مشغول دانش‌اندوزی در اصفهان بود، جنگ جهانی اول رخ داد که شعله‌های آن تا ایران و اصفهان را در بر گرفت، بر اثر آشفتگیهای ناشی از این بلای جهانی، مرتضی و برادرش بعد از تحمل مشقتهای گوناگون در صفر ۱۳۳۴ ق به شهر خمین برگشتند.^۳

ادامه تحصیل در عتبات عراق و

تهران

در سال ۱۳۳۴ ق برای تکمیل تحصیلات به عتبات عراق رفت و در نجف اشرف نزد علمایی چون «آقا ضیاء الدین عراقی» و مرحوم «حاج شیخ عبد الکریم حائری» خارج فقه و اصول را تکمیل نمود و از برخی علمای نجف اجازه اجتهاد دریافت کرد، وقتی «شهید مدرس» در مدرسه سپه سالار (شهید مطهری کنونی) به

۱. خاطرات آیت الله پسندیده، سوره، تهران، ۱۳۷۴ ش، ص ۹۱.

۲. همان، ص ۹۷؛ سطر اول، محمدجواد مرادی‌نیا، عروج، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۵۵.

۳. همان، ص ۲۵۸.

استفاده می نمود و در این سال به شهر اراک مهاجرت کرد.^۳

آقا مرتضی در یکی از مساجد خمین به اقامه جماعت مشغول بود و در کنار این تلاش عبادی به ترویج دیانت و ارشاد و هدایت اقشاری از مردم اهتمام می ورزید.^۴

برنتابیدن جفا و تجاوز

ظلم ستیزی و مقاومت در برابر نارواییهای کارگزاران ستم و طغیان گران محلی، با زندگی آیت الله پسندیده عجین گردیده بود. او که در خانواده ای اهل اجتهاد و جهاد به بالندگی رسیده بود، از زمانی که به تشخیص رسید، والد بزرگوار را در مقابل ظلم حاکمان محلی و خوانین یافت که در همین راه به شهادت رسید.

تدریس فقه و اصول مشغول بود، سید مرتضی از محضر این فقیه مبارز چند ماهی استفاده نمود.^۱

بازگشت به زادگاه

آیت الله پسندیده بعد از رسیدن به مقام اجتهاد، به خمین بازگشت و از سال ۱۳۳۵ ش به تدریس فقه، اصول، کلام، منطق و نحو در این دیار روی آورد، از تعداد شاگردان و چگونگی حوزه درسی او آگاهیهای مستندی بدست نیامد؛^۲ اما قرائنی مؤید آن است که عده ای از جوانان طلبه که مشتاق معارف و کمالات دینی بوده اند، در درس او حضور می یافتند. امام خمینی علیه السلام منطق، سیوطی و مطول را از برادر خود آقا سید مرتضی فرا گرفت و تا سال ۱۳۳۸ ق در خمین از درس ایشان

۱. ستارگان حرم، گروهی از نویسندگان، زائر

قم، ج ۱۳، ص ۱۹۰ - ۱۸۹.

۲. شهید مدرس ماه مجلس، از نگارنده، سازمان

تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش، ص ۴۰.

۳. خاطرات آیت الله پسندیده، ص ۵۱ - ۵۰.

۴. سطر اول، ص ۲۵۹؛ خاطرات آیت الله

پسندیده، ص ۲۵۹.

حکم وزارت کشور مبنی بر تبعید آیت الله پسندیده از خمین صادر گردید و با تمهیداتی که به عمل آمد، حکم را غیرقانونی اعلام کردند و از تبعید ایشان صرف نظر شد.^۲

۳. بعد از تصویب قانون متحد الشکل گردیدن لباس، در حکومت پهلوی اول، آیت الله پسندیده را تحت فشار قرار دادند که لباس روحانی خود را تغییر دهد؛ اما چون وی از علمای نجف اجازه اجتهاد داشت، مدارک مزبور را به مأموران ارائه داد و آنان هم جوازی صادر نمودند که براساس آن سید مرتضی موسوی خمینی می‌تواند معمم باشد و پوشیدن لباس روحانیت برایش مجاز خواهد بود.^۳

۴. در ارتباط با حل مشکلات مردم منطقه و موضوع مبارزات، با شهید سید حسن مدرس ارتباط

در ادامه به مواردی از مقاومت ایشان در مقابل ظلم و ستم اشاره می‌شود:

۱. در زمان اشغال ایران توسط متفقین و تصرف کشور، آیت الله پسندیده با خرید غلات و ارزاق عمومی برای تأمین نان و خوراک قوای متجاوز به مخالفت برخاست، خود در این باره گفته است: «من به عظام الدوله که رئیس دارایی گلپایگان بود، گفتم: نمی‌گذارم اینها تمام غلات و ارزاق مردم را بخرند و تاراج کنند، مگر اینکه نان محلی تأمین شود بعد از آن اگر مازادی داشت بخرند؛ وگرنه نمی‌شود.»^۱

۲. مقاومت وی در مقابل عمال حکومت و متفقین، موجب پرونده‌سازی و اعمال فشار برای ایشان گردید. عظام الدوله عین گزارش مخالفت او را به وزارت کشور ارسال کرد و بر اساس آن،

۲. همان، ص ۹۲ - ۹۱.

۳. خمین در گذر تاریخ، ص ۱۱۹ - ۱۱۸.

۱. خاطرات آیت الله پسندیده، ص ۹۱.

مخالفت با اصلاحات ارضی

فرمایشی

هنگامی که امام خمینی علیه السلام فرزندوم شاه و اصلاحات ارضی او را تحریم کرد، برخلاف این حرکت، رژیم پهلوی در بهمن ۱۳۴۱ ش برنامه اصلاحات ارضی را به مرحله اجرا درآورد، در همان ایامی که هر گونه اعتراضی به شدت سرکوب می‌گردید، آیت الله پسندیده که در شهر خمین دفتر اسناد رسمی داشت، از تنظیم اسناد اجتناب کرد و چون بر این امر اصرار گردید، به‌طور کتبی نوشت:

«چون تنظیم اسناد مربوط به مرحله اول اصلاحات ارضی خلاف شرع است؛ لذا از انجام این امر در دفترخانه خود ممانعت خواهد نمود.»^۳

برقرار کرد، در جلسه‌ای با حضور آیت الله شیخ عبد‌الکریم حایری علیه سردار سپه (رضاخان) سخنرانی کرد، ایشان در خاطره‌ای گفته است:

«در ۱۳۰۳ ش، از تهران به قم رفتم و ایشان (آیت الله حایری) را ملاقات کردم، در یک جلسه‌ای که جمعی هم بودند، علیه سردار سپه که آن وقت رئیس الوزرا بود، صحبت کردم.»^۱

۵. آیت الله پسندیده در نامه‌ای به آیت الله مرعشی نجفی، دل سوزانه نسبت به دخالت‌های اداره اوقاف رژیم پهلوی در امور مذهبی هشدار داد؛ زیرا با فراستی که داشت، دریافت که نظام شاهنشاهی در صدد است از این طریق اداره امور مدارس علوم دینی و مراکز حوزوی را بر عهده گیرد.^۲

فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۹۹.
۳. یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب بیستم، سند شماره ۱۹/۱ - ۵ - ۶۵۱ - ۱۳۴۴/۳/۶.

۱. پایان امام به روایت اسناد ساواک، کتاب بیستم (آیت الله سید مرتضی پسندیده)، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰، ص «ر».
۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج دوم، معاونت

بر همین اساس در ذیل گزارش این نوشته و دستور داده شد تا از طریق دادگستری، در مورد انحلال دفترخانه ایشان اقدام گردد؛ چون مخالفت علنی با اصلاحات ارضی و فرامین شاهنشاه است.^۱

همگامی با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش
در آستانه قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش که سرآغاز مبارزات مردم علیه رژیم پهلوی به رهبری امام خمینی علیه السلام بود، حدود دویست و پنجاه نفر از اهالی خمین برای شرکت در مراسم سوگواری محرم سال ۱۳۸۳ ق و میثاق با امام، همراه آیت الله پسندیده به سوی قم آمدند. عصر پانزدهم خرداد که مصادف با ۱۲ محرم ۱۳۸۳ ق بود، امام در مدرسه فیضیه سخنرانی مهم خود را ایراد کرد که به دنبالش توسط ایادی رژیم پهلوی دستگیر شد. آیت الله پسندیده نیز در روز قیام با شکوه ۱۵ خرداد

۱۳۴۲ ش با سخنرانی در میدان مرکزی خمین به طور آشکارا به حمایت از حرکت امام پرداخت، این اقدام شجاعانه چنین ثبت گردیده است:

«به قرار اطلاع، فردای روزی که آیت الله خمینی دستگیر شده، سید مرتضی پسندیده، برادر وی که در خمین می‌باشد، در میدان شهر مردم را جمع و به منبر رفته و پس از سخنرانی، نواری که در آن [امام] خمینی صحبت نموده، از بلندگو پخش می‌نماید.»^۲

پس از قیام خونین ۱۵ خرداد و دستگیری امام، آیت الله پسندیده به همراه مراجع، علما و مدرسین حوزه علمیه قم به تهران عزیمت کرد و در اعتراض دسته جمعی علما به این بازداشت، مشارکتی فعال داشت. امضای ایشان در اعلامیه چهل تن از مدرسین و فضلای حوزه قم به عنوان

۱. همان مأخذ، ص «ز».

۲. فصلنامه حضور، ش ۱۷، ص ۳۵۰.

نخستین امضا، نمایان‌گر نقش کلیدی آن مرحوم در این زمینه می‌باشد.^۱

رسالت جدید

وقتی آیت الله پسندیده از ماجرای کاپیتولاسیون (حق قضاوت کنسولی) که در سال ۱۳۴۲ ش محرمانه توسطه رژیم پهلوی به تصویب رسید، مطلع گردید، حاج شیخ علی ریحانی را خدمت امام فرستاد و درباره موضوع تصویب این لایحه در مجلس شورای ملی و سنا شرحی نگاشت و در این مورد برای آیت الله گلپایگانی گزارش نوشت و توسط آقای سهرابی برایشان ارسال نمود. امام از برادرش خواست: «متن لایحه را برایم بفرستید تا از آن باخبر شوم؛ البته من نمی‌گذارم محرمانه بماند و در این باره اقدام کرده و خائنین را رسوا می‌سازم»، آیت الله پسندیده خاطر نشان ساخت: به دلیل محرمانه بودن لایحه موفق

نشدم متن آن را به دست آورم؛ اما امام در نامه بعدی به ایشان نوشت: «من خودم متنش را بدست آورده‌ام.» و در چهارم آبان سال ۱۳۴۳ ش مصادف با ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۸۴ ق طی نطقی مفصل مردم را از حق قضاوت کنسولی و لایحه مصونیت آمریکاییها مطلع ساخت و عوارض این توطئه را برای شنوندگان تشریح نمود و درباره اجرای آن هشدار داد.

به دلیل همین سخنرانی افشاگرانه، امام در سیزده آبان ۱۳۴۳ ش، در منزل خویش دستگیر و به تهران انتقال داده شد و از آنجا توسط هواپیمایی به ترکیه تبعید گردید. آیت الله پسندیده طی نامه‌ای از نخست‌وزیر وقت (امیر عباس هویدا) ضمن درخواست مسافرت به ترکیه و ملاقات با امام خمینی علیه السلام نوشت:

«ادامه تبعید مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی علیه السلام موجب نگرانی شدید

۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص «ز».

است»^۱

هر چند در ابتدا دولت ایران به این درخواست پاسخ مثبت داد؛ ولی مقامات ساواک ارتباط آیت الله پسندیده را با امام به مصلحت ندانسته و با این امر مخالفت کردند.

استقرار در بیت امام خمینی علیه السلام

حمایتهای آیت الله پسندیده از امام و نهضت او ادامه داشت تا آنکه ایشان جهت رونق بخشیدن به بیت امام در قم به عنوان مأمّن و محفل یاران، دوستان و مقلدان آن حضرت، تصمیم به هجرت به قم گرفت، این مهاجرت با هماهنگی حضرت امام که توسط حاج سید احمد به وی ابلاغ گردیده بود، صورت پذیرفت. ساواک این گونه گزارش نموده است:

«حاج پسندیده، برادر بزرگ [امام] خمینی که در خمین سکونت دارد، روز جمعه ۱۳۴۹/۱۰/۱۸ وارد قم شده و در منزل شخص خمینی

می باشد و روز شنبه ۱۳۴۹/۱۰/۱۹ به مناسبت [سالروز] میلاد حضرت رضای علیه السلام رسماً در مجلسی که در بیرونی منزل خمینی به همین مناسبت تشکیل شده بود، شرکت [نمود] و از واردین پذیرایی و دید و بازدید به عمل آورد... نظریه شنبه: مسافرت پسندیده به قم در ظاهر به عنوان زیارت است؛ ولی در باطن به اشاره گردانندگان دستگاه خمینی است... که اگر دستگاه [رژیم پهلوی] مانع نباشد، ایشان برای دایم در قم بمانند»^۲

علت حساسیت گزارشگر ساواک در خصوص امکان دایمی حضور آیت الله پسندیده در منزل حضرت امام در قم، به واسطه تصمیماتی بوده است که در سال ۱۳۴۶ ش توسط ساواک برای معظم له ایجاد گردید و ایشان از طرف ساواک به طور رسمی به خمین مراجعت داده شد.

۲. فصلنامه حضور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ش ۱۷، ص ۳۵۲؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک ...، ص «ش».

۱. فصلنامه حضور، ش ۱۷، ص ۳۵۱.

آیت الله پسندیده^ع، به روایت اسناد ساواک

در اسناد ساواک آمده است: «مرتضی پسندیده با آیت الله اشراقی (داماد امام) تماس حاصل نموده و از قرار اطلاع، حقوق مستمری طلاب قم و خمین به وسیله این دو نفر پرداخت می‌شود. مرتضی پسندیده از حامیان سرسخت امام خمینی^ع بوده و به همین جهت در شهر خمین به تحریکاتی می‌پردازد. پسندیده مجلسی در منزل [امام] خمینی^ع برگزار کرده که چند نفر از علما چون آقایان: شیخ فاضل لنکرانی، قاضی طباطبایی، مهدی فیض، میرزا هاشم آملی و چند تن دیگر که اکثراً طلاب بوده‌اند، در آن حضور داشته‌اند؛ البته حدود دویست نفر هم با لباس شخصی شرکت کرده‌اند. به قرار اطلاع، شیخ علی اسلامی که منزلش رو به روی منزل خمینی (در قم) قرار دارد و نیز علی محفوظی، شیخ احمد احمدی و شیخ حسین مظاهری، در

دریافت و پرداخت وجوه دخالت دارند و مرتضی پسندیده از وضع آنها بازدید و به کارشان نظارت دارد.»^۱ در سند مورخه ۱۸ خرداد ۱۳۴۵ش ساواک می‌خوانیم:

«سید مرتضی پسندیده به طرفداری از برادر خود، آیت الله خمینی فعالیت‌های مضره و تحریک‌آمیز بسیار دارد که گزارش‌های مکرر شهربانی خمین و ساواک محل، مؤید این موضوع می‌باشد و در حال حاضر هم فعالیت‌های این شخص افزایش یافته و در قم، ضمن تماس با عناصر مشکوک، وجوه شرعی را اخذ و حقوق طلاب را پرداخت می‌نماید. توضیح اینکه یاد شده از مخالفین سرسخت اصلاحات ارضی بوده که از تنظیم اسناد مربوطه در دفترخانه خودداری می‌کرده که با اقداماتی که به عمل آمد، تصمیم به انحلال

۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۸۱ -

می‌باشد،^۳ وکیل تام الاختیار امام در مورد وجوهات شرعی و توزیع شهریه طلاب و مسائل مالی دیگر بود، ایشان بنا به توصیه امام علیه السلام، فعالیت‌های سیاسی خود را در این ایام آشکار نمی‌کرد تا بتواند کارهای جاری را سر و سامان دهد، به همین دلیل کمتر از بیت امام بیرون می‌آمد، حتی برای زیارت حرم مطهر و دید و بازدیدهای متداول و متعارف نیز این ملاحظات را در نظر می‌گرفت، رژیم پهلوی مأموران ساواک را اخطار کرده بودند که اگر مرحوم پسندیده در محافل و مجالس قم و یا هر جایی دیگر از سطح شهر ظاهر گردد، دستگیر خواهد شد. او چون می‌دانست که نباید بیت امام بسته شود، ارتباطات اجتماعی خویش را محدود ساخت؛ البته رفت و آمد مردم

دفترخانه وی گرفته شده است.^۱ در خبرها آمده است که آیت الله پسندیده به دلیل پیگیری امور دفتر امام علیه السلام و ارتباط با مبارزین، در ۱۶ مهر ۱۳۴۷ ش مصادف با ۵ رجب ۱۳۸۸ ق، به خمین تبعید گردید که گویا این وضع چندین سال متوالی ادامه داشته است، چنان‌که در ۱۷ بهمن ۱۳۵۲ ش مصادف با سیزدهم محرم ۱۳۹۴ ق مرحوم پسندیده با ارسال نامه‌ای برای آیت الله مرعشی، وضع خویش را در تبعیدگاه بیان کرده است.^۲

آیت الله پسندیده علاوه بر اینکه وکیل شرعی امام خمینی علیه السلام برای فروش املاک وی در خمین بوده و اسنادی در این ارتباط موجود

۱. همان، ص ۹۳، افتخارآفرینان استان مرکزی،

داود نعیمی، کومه، قم، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۷۷.

۲. هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ج اول، ص ۳۴۱ و ۵۸۳.

۳. صحیفه امام، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ج اول، ص ۱۳؛ افتخار آفرینان استان مرکزی، ج سوم، ص ۲۷۷.

به منزل امام خمینی در قم، در محله یخچال قاضی و دیدارها و ملاقاتها با وی همچنان برقرار بود.^۱

تبعید به شهر انارک و داران

بعد از شهادت آیت الله سید مصطفی شهر قم به پایگاه قیام و مرکز جوش و خروش انقلابی یاران امام، مبدل شد، در این میان آیت الله پسندیده از عوامل مهم ارتباط حرکت اسلامی با رهبری آن در نجف اشرف و به خصوص زمان اقامت امام در نوفل لوشاتو (در حومه پاریس) بود. در راستای این نقش مؤثر ایشان، ساواک حضور آیت الله پسندیده را برای رژیم خطرناک و تهدیدآمیز تلقی کرد و براساس دادگاهی فرمایشی، در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۷ در حالی که او ۸۵ ساله بود، دستگیر و برای مدت سه سال به شهر کویری انارک از توابع شهرستان نائین تبعید

گردید؛ ولی آیت الله پسندیده این حکم غیرقانونی را نادیده گرفت و با شهامت به کانون قیام، (قم) بازگشت. این بار ساواک طی حکمی محل تبعید ایشان را از بخش انارک به شهرستان داران (از توابع استان اصفهان) تغییر داد. این بار نیز مرحوم پسندیده با پیام امام مبنی بر اینکه تمام کسانی که تبعید شده‌اند به حکم تبعید امتنا نکنند و به قم و یا شهر خودشان مراجعت کنند، به این حکم نیز اعتنا نکرد.^۲

آیت الله پسندیده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برخلاف موقعیت ویژه‌ای که از نظر مقامات علمی، تجربه و مبارزات مستمر خویش داشت، همچون گذشته افتخار و کالت امام خمینی را در امور شرعی مردم، به هر عنوان و سمتی و هرگونه امتیازی ترجیح داد و در طول سالها پس از استقرار نظام اسلامی با

۱. از ایران به ایران، سید علی اکبر محتشمی پور، کوثر النبی، قم، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۸۹.

۲. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص «ض».

را به خدای متعال قسم می‌دهم به حرفهای دکتر [در مورد سلامتی خود] ترتیب اثر دهید، چرا موجب نگرانی همه می‌شوید؟ خداوند لازم نموده است که در مواقع احتمالی ضرر، انسان از آنچه موجب است، اجتناب کند؛ اگر چه ترک حج، صوم و صلوات باشد...»^۲

۲. امام خمینی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به حاج سیداحمد خمینی در مورد آیت الله پسندیده چنین سفارش می‌کند: «... حضرت آقای عموی معظم مادامی که قم هستند، خیلی مواظبت از ایشان کنید، هم از جهت کرسی و مکان و هم از حیث غذا و سایر امور خصوصاً احترامات ...». «خداوند تعالی به شما توفیق عنایت کند! حضرت آقا را تنها نگذارید، به ایشان نباید بد بگذرد.» «... از مواظبت آقای عمّ بزرگوار کوتاهی نکنید... از ایشان خیلی توجه

بزرگواری و بی‌هیچ ادعا و توقعی و بدون کمترین تغییری در مواضع، مشی و شیوه زندگی خویش، همان روش گذشته را ادامه داد.»^۱

تحکیم اخوت، تکریم برادر

رابطه متقابل امام و مرحوم پسندیده در آداب اخوت اسلامی و معاشرت دینی الگویی مهم به شمار می‌رود. در یک سوی این ارتباط ژرف عاطفی فقیه و مرجعی نامدار و رهبری عالیقدر چون امام خمینی علیه السلام قرار دارد و در سوی دیگر، برادر بزرگ ایشان دیده می‌شود که سالهایی چند سمت سرپرستی و استادی امام را داشته است.

اینک به نمونه‌هایی از علاقه امام نسبت به آیت الله پسندیده اشاره می‌کنیم:

۱. نامه امام از ترکیه به آیت الله پسندیده در ۲۰ محرم الحرام ۳۸۵ ق: «برادر بزرگوار، قربانت شوم! شما

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۳۸.

۱. همان، ص: «ض»، سطر اول، ص ۲۵۹.

و اصلاح جامعه، مقاومت در برابر استبداد و استعمار و حمایت از امام و انقلاب اسلامی ایران سپری کرد، در ۲۳ آبان ۱۳۷۵، مطابق ۳۰ جمادی الثانی ۱۴۱۷ در تهران درگذشت.^۴ در فرازی از پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله به مناسب ارتحالش آمده است:

«این روحانی شریف و امین و شجاع و صادق برای امام کبیر ما در یک دوره همچون پدر و سرپرستی مهربان و دل‌سوز و مصلحت‌اندیش و در یک دوره همچون پیروی مؤمن و فرمان‌پذیر و مطیع بود. این افتخار برای او بس که بزرگ‌ترین انسان زمان ما [امام خمینی] همواره او را بزرگ و گرامی می‌داشت و به او احترام می‌کرد، از او راضی بود و به حفظ رضایت او اهتمام می‌ورزید.»^۵

کنید و خدمت به ایشان فرض است از برای شما...»^۱

۳. امام در نامه‌ای که در ۲۰ دی ۱۳۴۳ از «یورسای» ترکیه برای همسرش (خدیجه ثقفی^۲) نوشته از ایشان خواسته است که وی را از سلامتی حضرت آقای پسندیده مطلع نماید.^۲

۴. سید احمد خمینی گفته است: «حضرت آیت الله پسندیده را امام در حکم پدر خود می‌دانستند و بارها به من فرموده بودند که: اگر ایشان نبود، من نمی‌توانستم درس بخوانم و شدیداً به ایشان احترام می‌گذاشتند.»^۳

رحلت و دفن

سرانجام این روحانی بزرگوار که عمر طولانی خود را در راه تحصیل علوم و معارف دینی، تدریس، ارشاد

۱. وعده دیدار (نامه‌های امام خمینی به حاج سید احمد خمینی، تهران، عروج، ۱۳۸۳ ش، ص ۴۴، ۴۶، ۵۰، ۵۷.

۲. صحیفه امام، ج اول، ص ۴۳۵.

۳. وعده دیدار، ص ۴۱.

۴. فصلنامه حضور، ش ۱۷، ص ۳۶۳.

۵. روزنامه اطلاعات، ۲۳ آبان ۱۳۷۵.



معرفی نرم افزار

طابع آبرین نرم افزار
پاسخ به سؤالات و
شبهات منتشر شده

فلسفه علم الکرار کثیرالاعلام

نرم افزار «پاسخ»



محمد هاشم نعمت اللهی

نرم افزار «پاسخ» با داشتن بیش از هشت هزار پرسش و پاسخ تفصیلی از سوی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات تولید و عرضه شده است.

این نرم افزار دربردارنده سیزده موضوع همچون علوم و معارف قرآن، کلام، حدیث، دین پژوهی، ادیان و مذاهب، تاریخ و سیره، اخلاق، تربیت و مشاوره، فقه، عرفان، فلسفه، سیاست و حقوق است.

برخی از قابلیت‌های این نرم‌افزار عبارتند از: دسته‌بندی سؤالات، دستیابی به پرسشها از طریق درختواره موضوعات، دستیابی به سؤالات از طریق فهرست نمایه‌ها، امکان محدود کردن نمایه از طریق دامنه موضوعی، نمایش پاسخ مربوط به هر سؤال با ساختاری مناسب و نمایش پاورقی مربوط به پاسخها.

همچنین، معرفی منابع بیشتر برای هر پاسخ، امکان ذخیره و چاپ پرسشها و پاسخها، امکان جستجوی مستقل در پرسشها و پاسخها به صورت تک کلمه و

عبارت، امکان محدود کردن جست‌وجو از طریق دامنه موضوعی، امکان انتخاب یک سؤال و انتقال آن به فهرست برگزیده‌ها و امکان دستیابی به سؤالات از طریق فهرست برگزیده‌ها، از دیگر امکانات و قابلیت‌های این نرم‌افزار است.

این نرم‌افزار حاصل ده سال کار علمی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات بوده و مطالب آن از میان ده‌ها هزار پرسش و پاسخ، انتخاب و پس از بازبینی و اصلاح برای استفاده عرضه شده است.

پاسخهای تخصصی، اتقان و تفصیل پاسخها، معرفی منابع و مستند بودن پاسخها از قابلیت‌های علمی نرم‌افزار پاسخ است.

در بخش معرفی نرم‌افزار سیر ارائه پاسخهای منتشر شده در آن این‌گونه تشریح شده است:

«مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات با حضور محققان و کارشناسان توانمند و تشکیل گروه‌های علمی - تخصصی سعی می‌کند، پاسخی جامع و متقن به سؤالات و شبهات پرسشگران ارائه کند.

پس از ارجاع سؤال به کارشناس، وی پاسخ مناسب را تهیه می‌کند. این پاسخ، پس از نظارت مدیر گروه و تأیید او، برای بازبینی به ناظر گروه سپرده می‌شود. در نهایت، معاون پژوهش، قبل از ارسال پاسخ برای پرسشگر، آن را کنترل می‌کند. وجود سه مرحله نظارت، سبب می‌شود امکان هرگونه خطا یا اشتباه در پاسخ‌دهی به حداقل ممکن برسد. در خصوص پاسخهای نرم‌افزار، نظارت چهارم هم اعمال می‌شود تا پاسخها از کیفیت بالاتری بهره‌مند شوند.

پاسخهای ارائه شده، با میانگین ۳ صفحه، از گستره مطلوبی برخوردار بوده، سعی محققان بر این است که پاسخهایشان، تمام جوانب سؤال را پوشش دهد؛ به نحوی که ابهامی برای پرسشگر باقی نماند.

در پایان هر پاسخ، منابعی مرتبط با سؤال، برای استفاده پرسشگران معرفی شده است و پاسخ تهیه شده، از منابع دست اول و معتبر است که تماماً به صورت مستند ارائه شده است».

علاقه‌مندان به کسب آگاهی بیشتر یا تهیه این نرم افزار می‌توانند به پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات به نشانی اینترنتی www.andisheqom.com مراجعه کنند.

پرسشنامه مجله مبلغان

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه‌ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند. پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردی‌تر شدن سؤالات، با آغوش باز می‌پذیریم.

پرسشها

۱. جمله زیر تعریف بلوغ ... است.

«پایبندی به قوانین اجتماعی، ارتباط صحیح با دیگران و همزیستی مسالمت آمیز.»

الف. معنوی

ب. سیاسی

ج. اجتماعی

۲. وزیر نوجوان پیامبر گرامی اسلام ﷺ چه کسی بود؟

الف. مصعب بن عمیر ب. علی بن ابیطالب ج. عتاب بن اسید

۳. این شعر از کدامیک از یاران امام حسین ﷺ در کربلا بود؟

إِن تَنكُرُونِي فَأَنَا ابْنُ حَيْدَرَةَ ضَرَّغَامِ اجَامٍ وَ لَيْثِ قَسْوَرَةَ

عَلَى الْأَعَادِي مِثْلِ رِيحِ صَرَصَرَةَ

الف. علی اکبر امام حسین ﷺ

ب. عبدالله بن حسن ﷺ

ج. قاسم بن حسن ﷺ

۴. روایت از کیست؟ «الْجُمُعَةُ لِلتَّنْظِيفِ وَ التَّطْيِيبِ وَ هُوَ عِيدٌ لِلْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ

الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى - وَ يَوْمُ غَدِيرِ خُمٍّ أَفْضَلُ الْأَعْيَادِ وَ هُوَ الثَّامِنُ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ»

الف. امام صادق ﷺ

ب. پیامبر گرامی اسلام ﷺ

ج. امیر المؤمنین علی ﷺ

۵. در روز عید غدیر خم چه حادثه‌ای رخ داده است؟

الف. انتخاب امام علی ﷺ به جانشینی پیامبر ﷺ، قبول توبه حضرت آدم ﷺ و

نجات حضرت ابراهیم ﷺ از آتش

ب. انتخاب هارون به جانشینی حضرت موسی ﷺ، انتخاب شمعون به

جانشینی حضرت مسیح ﷺ و انتخاب حضرت علی ﷺ به جانشینی پیامبر

گرامی اسلام ﷺ

ج. همه موارد

۶. جمله زیر تعریفی برای کدامیک از انواع «شهادت» (گواهی) است؟
 «آنچه را شاهد می‌داند، در مقابل غیر، با فعل و کردار خود اظهار و ادا نماید.»
 الف. شهادت تأدیه
 ب. شهادت فعلی
 ج. شهادت تحمّل
۷. ابن کثیر از علمای اهل سنت قول خداوند متعال را که می‌فرماید «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمٌ الْكِتَابِ» را چگونه تفسیر می‌کند؟
 الف. مقصود از کتاب، تورات و انجیل و مقصود از کسانی که علم کتاب در نزد آنهاست، علمای یهود و نصارا است.
 ب. مقصود از کتاب، قرآن کریم و مقصود از کسانی که علم کتاب در نزد آنهاست، علمای اسلام است.
 ج. مقصود از کتاب، قرآن کریم و مقصود از کسانی که علم کتاب در نزد آنهاست، آن دسته از علمای یهود و نصارا است که به رسالت پیامبر اسلام ﷺ گواهی داده‌اند.
۸. آیه شریفه «وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا» اشاره به کدامیک از جهنمهای دنیایی دارد؟
 الف. جهنم اضطراب و نگرانی
 ب. جهنم کم ظرفیتی
 ج. جهنم بدگمانی و ناامیدی
۹. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ ...»
 الف. عذاباً شدیداً
 ب. نَظْرَةً كَثِيرَةً
 ج. حَسْرَةً طَوِيلَةً

۱۰. آیه شریفه ﴿وَإِنَّهُ لَعَلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ اشاره به

کدامیک از نشانه‌های قیامت دارد؟

الف. نزول حضرت مسیح علیه السلام

ب. بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

ج. خروج یاجوج و ماجوج

۱۱. امام صادق علیه السلام «دابة الأرض» در آیه شریفه ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ

دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ را به چه معنایی تفسیر

می‌فرماید؟

الف. جنبنده‌ای از زمین

ب. خروج یاجوج و ماجوج

ج. رجعت فردی از انسانها

۱۲. راهکار «فاجعه خواندن آینده» یکی از ... جنگ نرم و «حمله به ولایت فقیه» از ...

آن است.

الف. اهداف - تاکتیکهای

ب. تاکتیکهای - عوامل زمینه ساز

ج. هر دو مورد

۱۳. دعای زیر در چه روزی وارد شده است؟

«اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاهِدِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ الْمُغَيِّرِينَ وَ الْمُبَدِّلِينَ وَ الْمَكْذِبِينَ الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ

الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ»

الف. روز شهادت حضرت علی علیه السلام

ب. روز عید سعید غدیر

ج. هیچکدام

۱۴. «قَاتِلُ الْكُفْرَةِ» از القاب چه کسی است و چه کسی این لقب را به او داده است؟

الف. امام مهدی علیه السلام - امام صادق علیه السلام

ب. امام حسین علیه السلام - امام باقر علیه السلام

ج. امام علی علیه السلام - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱۵. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به جوانان توجه بیشتری داشته باشید؛ زیرا آنان ...»

الف. در کارهای خیر شتاب بیشتری دارند

ب. از قلوب پاک و بدون گناهی برخوردار هستند

ج. در معرض وسوسه‌های شیطانی هستند

پاسخنامه مجله مبلغان شماره ۱۴۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															الف
															ب
															ج

نام:.....نام خانوادگی:.....کد یا شماره پرونده:.....

آدرس:.....

.....

بسمه تعالی

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:
۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۰۱۰۵۲۳۵۹۲۹۰۰۰ بانک ملی ایران شعبه ۲۷۰۴ بلوار محمد امین - قم، به نام محمد حسن حاج حسینی و محمد مهدی کرمی، (مجله مبلغان).

مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۱۹۲۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۹۶۰۰ تومان می باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.

۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)

۳. ارسال برگه درخواست اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق

اشتراک.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آنرا

تا کرده و پس از چسباندن، داخل صندوق پست قرار دهید.

۲. جهت اطلاع بیش تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵۱ - ۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.

نشانی پستی فرستنده:

.....
.....
.....
تلفن کد پستی: صندوق پستی
اینجانب: مبلغ: ریال طی فیش شماره
..... از طریق بانک: شعبه:
دارای کد: در تاریخ // برای دریافت مجله از شماره:
به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتم.

از این قسمت تا بزنید ✂

نیاز به الصاق
تمبر ندارد

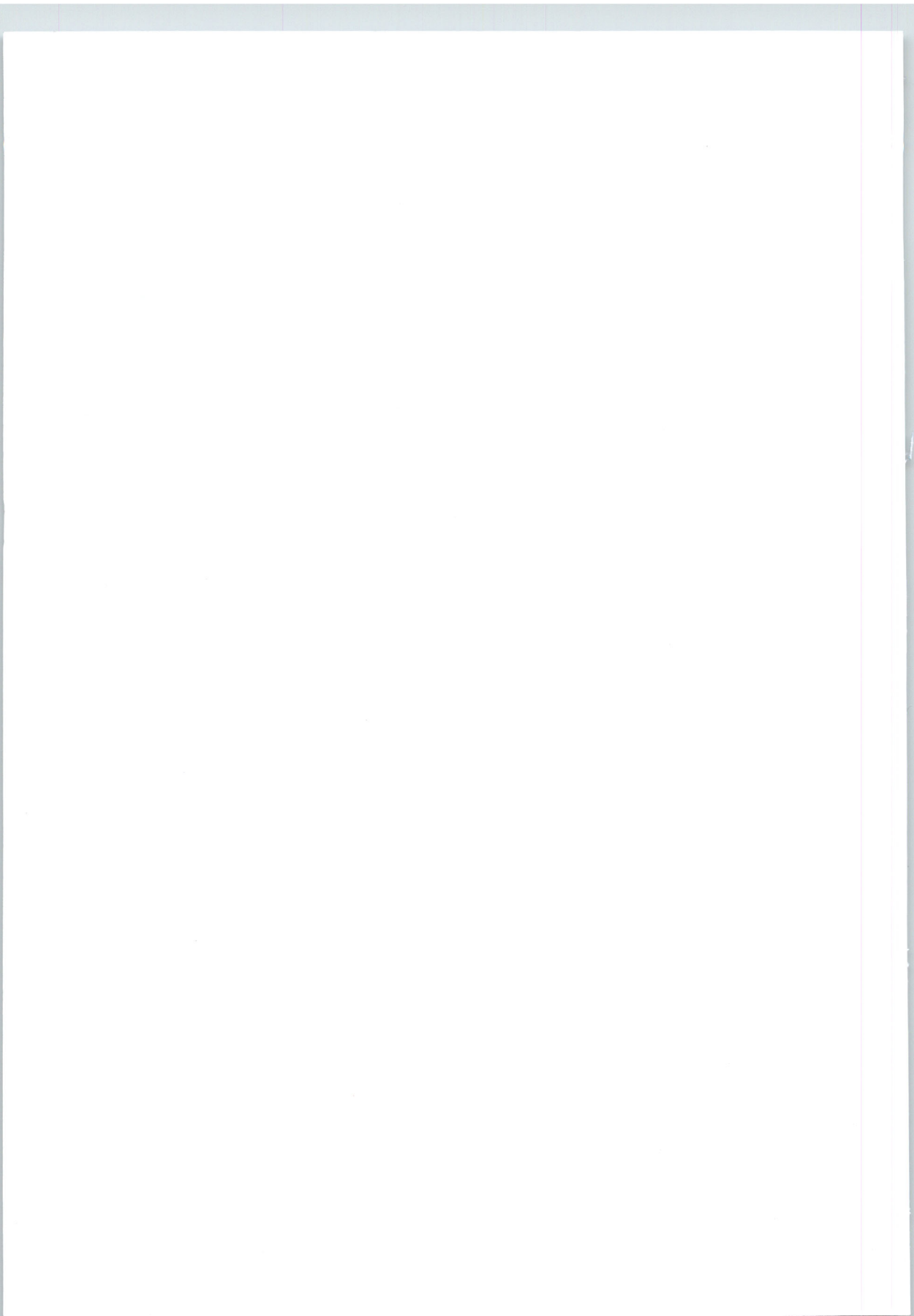
پست جواب قبول

هزینه پستی براساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم، صندوق پستی ۸۶۸-۳۷۱۸۵
معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمی قم
ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید ✂ لطفاً با چسب بچسبانید



146

NO.146: Oct - Nov, 2011

MOBALLEGHAN

نشانی در اینترنت: www.magazine.moballegan.com

پست الکترونیک: Magazine@Moballegan.com

اطلاعات مأخذ شناسی: WWW.Islamic DataBank.com



قیمت: ۱۶۰۰ تومان



29399190 90 08 146